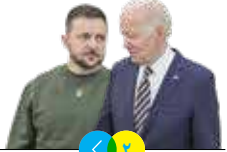




تیسرها

جیب سنگین کت امریکایی

کافی شاپ پنت هاوس مجلل یکی از هتل های کی یف و یک میزگرد با حضور چند نظامی اوکراینی و البته مردی درشت اندام امریکایی که می گویند قوت قلب این روزهای تجارت اسلحه در امریکاست.



عشایر دیجیتالی ایران

مقصد ندارند

در گوشی هوشمند خود چند پلتفرم دارید؟ اینستاگرام؟ تلگرام؟ واتساپ؟ توئیتر(X)؟ بله؟ اینها؟ سروش؟



دلیل تمایل مخاطب به تماشای سریال های قدیمی چیست؟

نگاهی به نقش مدیران جدید در تولیدات سریال های دو سال اخیر



در حوزه علمیه خواهران چه می گذرد؟

نقد و بررسی ساختاری و محتوایی حوزه علمیه خواهران از زبان یک طلبه

بعد از تمام شدن دوره کارشناسی و بررسی گزینه ها و راه های مختلف پیش رو، این راه را انتخاب کردم، رفتن به حوزه علمیه. حوزه علمیه خواهران همان طور که از قبل هم بسیار شنیده بودم...



پشت پرده حمله های کامنتی به هنرمندان در وقایع سال گذشته

کیش ومات سلبریتی ها در مارپیچ سکوت دشمن



نگاهی به اعتراض هنرمندان غربی به سانسور فلسطین

۱۳۰۰ حق طلب در هالیوود خاموش شدند!



بلندترین شب سال را با پرونده مفصل تحریریه ایران جمعه سپری کنید

دمتان گرم و سرتان خوش باد!

انار دونه دونه بخوریم و افسانه ایرانی بخوانیم!

هشت جلد خواندنی به بهانه چله ای به یادماندنی!



یلدا و زمستان در شعر و ادب فارسی



برایم چه داری در این جشن ها...



معرفی رصدخانه های باستانی و امروزی

گردش لیل و نهار از گذشته تا امروز



بررسی آداب و رسوم شهرهای مختلف ایران در شب چله

یلدا در جای جای ایران



نوجوان و جمع خانوادگی

یلدا، تماشاچی نمی خواهد



از رنگ ها و نمادهای شب یلدا چه می دانید؟

رنگ چشم تو راز شب یلدا



آموزش کیک فنجان شب چله

کاپ کیک انار



شب یلدا با کتاب های اناری

صد دانه یاقوت



گزارش



برای ارسال ۴۰۰ نارنجک راکتی و همچنین ۵۰۰ موشک استینگر و یک هزار جنگ افزار ضد تانک از تجهیزات خود به اوکراین، موافقت کرد.

سبد کالای تسلیحاتی، هدیه از طرف اروپا

۲۷ فوریه، جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد؛ این اتحادیه، ۴۵۰ میلیون یورو (۵۰۲ میلیون دلار) سلاح کشنده و ۵۰ میلیون یورو (۵۶ میلیون دلار) به عنوان تجهیزات غیرکشنده برای اوکراین، فراهم خواهد کرد.

بورل همچنین اظهار داشت که قصد داشته اند جت های جنگنده ای را که اوکراینی ها قادر به خلبانی آنها هستند، به اوکراین اعزام کنند. لهستان، بلغارستان و اسلواکی دارای جنگنده های میگ-۲۹ و سوخو-۲۵ به عنوان جت های جنگنده ای بودند که خلبانان نیروی هوایی اوکراین، توان استفاده از آن را داشتند. اما به دلیل وحشت از این که روسیه این موضوع را یک اقدام جنگی بدانند و این که خود کشورهای میدانی نیز به این تجهیزات، نیاز حیاتی داشتند، این انتقال ها صورت نگرفت.

۲۷ فوریه، پرتغال اعلام کرد که تفنگ های خودکار ۳ و تجهیزات نظامی دیگری را به اوکراین، ارسال خواهد کرد. سوئد و دانمارک هر دو تصمیم گرفتند به ترتیب ۵ هزار و ۲ هزار و ۷۰۰ سلاح ضد تانک به اوکراین ارسال کنند. دانمارک همچنین قطعاتی از ۳۰۰ موشک غیرعملیاتی استینگر را اختصاص داده است و ایالات متحده نیز در ابتدا در عملیاتی کردن آنها کمک خواهد کرد.

دولت نروژ، پس از این که در ابتدا گفت به اوکراین سلاح نمی فرستد، اما تجهیزات نظامی دیگری مانند کلاه ایمنی جنگی و تجهیزات حفاظتی را ارسال خواهد کرد، اما در ۲۸ فوریه اعلام کرد که تا ۲ هزار سلاح ضد تانک ام-۲۲ LAW به اوکراین، اهدا خواهد کرد. کشور بی طرف فنلاند نیز اعلام کرد ۲ هزار و ۵۰۰ تفنگ تهاجمی همراه با ۱۵۰ هزار گلوله، یک هزار و ۵۰۰ سلاح ضد تانک و ۷۰ هزار بسته جیره رزمی را علاوه بر جلیقه های ضد گلوله، کلاه جنگی ایمنی و تجهیزات پزشکی که قبلاً اعلام شده بود، به اوکراین ارسال خواهد کرد.

همچنین برخی کارشناسان، خودداری کشورهای ناتو از اعزام نیروهای نظامی به اوکراین را سیاست مماشات می دانند. در کنار برو بیاهای دلان اسلحه

مالی ای که این شرکت ها شاید در چند سال گذشته و جنگ عراق و افغانستان و حتی حضور داعش هم تا این اندازه آن را تجربه نکرده بودند. از همان روزهای اول دمیدن جنگ میان اوکراین و روسیه، بسیاری از سیاستمداران امریکایی که از سهامداران عمده پیمانکاران نظامی این کشور هم هستند به فکریه دست آوردن سود بیشتر خود شدند و فضا را برای رونق کسب و کار مناسب دیدند.

آن طور که رویترز در گزارشی نقل کرده؛ پنتاگون برای واکنش به افزایش تقاضا برای فروش تسلیحات جدید و انتقال تسلیحات موجود به متحدان امریکا نظیر اوکراین، به کمک تیم ویژه ای مانند دفتر خرید و پشتیبانی پنتاگون که مسئول خرید تسلیحات برای وزارت دفاع امریکا است و یک کشور ثالث برای انتقال سلاح نیاز دارد.

دل سوزیم، اما فقط برای اوکراین و اسرائیل

آژانس همکاری امنیت دفاعی امریکا هم تجهیزاتی برای ساقط کردن یا مختل کردن پهپادها درخواست کرده که ظرف ۱۲۰ روز برای ارسال به اوکراین آماده باشد. این آژانس همچنین در پیامی اعلام کرد: در سایه بحران موجود در اروپا، دولت امریکا به تلاش هایی برای شناسایی راهکارهایی که بتواند به اوکراین در وضعیت فعلی کمک کند، ادامه خواهد داد.

به دنبال حمایت های نظامی ایالات متحده، بلژیک، جمهوری چک، استونی، فرانسه، یونان، هلند، پرتغال، بریتانیا، حتی ناتو هم پیمان شده اند تا در این کارزار از دولت زلنسکی حمایت کنند، آنها اعلام کردند که تدارکاتی را برای حمایت و دفاع از ارتش و دولت اوکراین ارسال خواهند کرد.

۲۴ فوریه، لهستان برخی از تجهیزات نظامی از جمله ۱۰۰ خمپاره، مهمات مختلف و بیش از ۴۰ هزار کلاه جنگی ایمنی را به اوکراین تحویل داد. ژانویه ۲۰۲۲ آلمان ارسال هویتزهای ۱۲۰ میلی متری بازمانده از آلمان شرقی و از طریق استونی، به سوی اوکراین را رد کرد. اما اعلام کرد که ۵ هزار کلاه ایمنی نظامی و یک بیمارستان صحرایی را به اوکراین می فرستد، که شهردار کیف ویتالی کلیچکو با تمسخر پاسخ داد: «بعد چه خواهند فرستاد؟ اما پس از مدتی در ۲۶ فوریه، آلمان از موضع خود عقب نشست و با درخواست هلند

حیب سنگین کت امریکایی

آرزو نوروز جم
نویسنده



کافی شاپ پنت هاوس مجل یکی از هتل های کی یف ویک میزگرد با حضور چند نظامی اوکراینی و البته مردی درشت اندام امریکایی که می گویند قوت قلب این روزهای تجارت اسلحه در امریکاست. افرادی که دور هم جمع شدند تا باید و نیاید هایشان را درباره تجارت پرسود مسلح کردن نیروهای اوکراینی و تأمین بازار گلوله های انفجاری برای حمله به سربازان روسیه روی کاغذ بیاورند. هر چند سه ماه قبل از این دیدار، در حاشیه اجلاس «گروه ۷» در شهر هیرووشیما ژاپن، جو بایدن خطاب به همسای اوکراینی خود گفته بود از انجام هر کاری برای تقویت نیروی دفاعی اوکراین در جنگ با روسیه دریغ نمی کند، اما گنده های غیرقانونی و دور از خط و ربط دولتی های ایالات متحده، گویی تأثیرش بیشتر از وعده و وعیدهای رئیس جمهور امریکا و کمک های دولتش است.

بین المللی، میزان سفارش های انجام نشده به رقم ۱۵۶ میلیارد دلار رسیده است. جنرال داینمیکس نیز در سه ماهه سوم در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته نزدیک به ۲۵ درصد رشد درآمدی داشته است. این شرکت خودروهایی زرهی، تانک ها و توپخانه هایی را می سازد که به اوکراین ارسال می شوند.

درآمد واحد دفاعی، فضایی و امنیتی بوئینگ برای این سه ماهه در مجموع به ۵/۵ میلیارد دلار رسیده که ۳ درصد بیش از مدت مشابه سال گذشته است؛ رشد

برای رهبران اوکراین نطق می کرد، اکنون خودش همین شیوه مبهم را در پیش گرفته است. جلسات و رفت و آمدهای سران نظامی اوکراین و دلالات اسلحه امریکا حالا به بار نشست و شرکت های اسلحه سازی اعلام کرده اند در چند ماه اخیر سود سرشاری را از بازار داغ جنگ اوکراین کاسب شده اند.

سود دلاری با طعم خون

شرکت لاکهید مارتین اعلام کرد، در سه ماهه سوم درآمدی بالاتر از حد انتظار داشته و به علت سفارش های بالای داخلی و

همیشه پای یک دلالت در میان است همین نشست ها و جلسات، میلیاردها دلار را به بازار مخفیانه خرید و فروش سلاح برای اوکراین سرزیرمی کند و البته کمتر کسی مانند «مارک مورالس» سود می برد. معاملاتی که نیویورک تایمز در مورد آن معتقد است، انجامش با این دلالت امریکایی یادآور گذشته بی قید و بند اوکراین است که دلالت با مقامات نظامی روابط گرمی برقرار کرده و قراردادها به صورت مخفیانه امضا می شد. ایالات متحده که پیش از یک دهه درباره لزوم پاکسازی این سیستم



لاکهید مارتین، ریتون، بوئینگ، نورثروپ گرومن و ژنرال داینمیکس و چند نام بزرگ اسلحه سازی در دنیا که حالا به جز ایالات متحده، بازارشان در میانه جنگ اوکراین و غزه و شاید در ویتنام داغ تر شده است

رقابتی تسلیحاتی با محوریت اروپا و آمریکا که بنا بود آتشش در اوکراین شعله‌ور شود، بازاری که سود سرشاری راهی جیب سناتورهای آمریکایی می‌کند



وضع این روزهای اوکراین، اصلاً به نفع زلنسکی و سران اروپایی حامی دولت وی نیست، بحران مالی اروپا و آمریکا از یک طرف، وعده‌های مجلس سنای آمریکا و اتحادیه اروپا هم از سوی دیگر، روزهای سیاسی اوکراین را در حالت تعلیق عجیبی قرار داده است

جنگ اوکراین به روایت آمار

جنگ بین روسیه و اوکراین، ۲ اسفند سال ۱۴۰۰ آغاز شد و تاکنون ادامه دارد



آمار تلفات جانی و خسارات نظامی ارتش روسیه

۱۶۴۰۰ سرباز روسی کشته



فروند هواپیما ۱۱۷



توپ جنگی ۲۹۳



دستگاه خودرو زرهی ۱۶۴۰



عراده تانک ۵۷۵



فروند کشتی و قایق تندرو سبک ۷



فروند پهپاد ۵۶



آمار تلفات جانی و خسارات نظامی ارتش اوکراین

۷۶۰۰۰ سرباز اوکراینی کشته



فروند هواپیما ۵۴۹



فروند پهپاد ۹۶۱۷



دستگاه خودرو ۱۶۰۰۰



قبضه توپخانه و خمپاره انداز ۷۲۵۳



سیستم پرتاب موشک ۱۱۹۸



پدافند هوایی ۴۴۲

کاخ سفید اعلام کرد به اوکراین برای مقابله با روسیه، بسته‌ای به ارزش ۳۷۵ میلیون دلار هم روانه اوکراین خواهد کرد و البته اعلام کرد این کمک‌ها حتی بعد از پایان جنگ نیز ادامه خواهد داشت. او همچنین ماه اکتبر از کنگره حدود ۱۰۶ میلیارد دلار برای حمایت تسلیحاتی از اوکراین درخواست کرده بود. حرف‌هایی که مشابهش را هم همین دو ماه پیش برای اسرائیلی‌ها تکرار کرد و کمک‌های واشنگتن را راهی جنگ علیه غزه کرد و اسرائیل را دل‌بسته و دلخوش به حمایت‌های همه‌جانبه مخصوص تسلیحاتی غرب کرد. کمک‌های نظامی ناتو، واشنگتن و دست‌های پشت پرده پنتاگون اوکراین پیروز میدان نبرد با روسیه باشد، اما آنچه تا امروز شاهد بودیم نه تنها برتری قدرت نظامی اوکراین نبود بلکه فرسایشی شدن روند جنگ به دنبال دخالت‌های نظامی و سیاسی آمریکا در جنگ علیه مردم غزه نیز بود.

البته کمک‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا و اروپا به اوکراین تا اندازه‌ای خاص و عجیب بود که بر اساس گزارشی که رسانه‌های غربی داده‌اند، اغلب سلاح‌های به کار گرفته شده در جنگ اوکراین و بخصوص غزه، ابزارهای جنگ‌های نوین است که اغلب آنها گرانبه‌تر هستند و البته طی این دو سال جنگ اوکراین و یک ماه اخیر جنگ اوکراین و غزه، تولیدات آنها به شکل عجیبی افزایش یافته است. جنگ در اوکراین از یک سو و جنگی که رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه آغاز کرده از سوی دیگر باعث افزایش قیمت صنایع نظامی شده و پیمانکاران نظامی آمریکایی مانند لاکهید مارتین و جنرال داینامیکس و... پیش‌بینی می‌کنند تقاضا برای گلوله‌های توپ و موشک‌های پاتریوت افزایش پیدا کرده و به تبع آن سود آنها در سال آینده بالاتر برود. تنها چیزی که این وسط مهم است، سود شرکت‌های بزرگ آمریکایی است و پیر شدن جیب سهامداران سلاح‌ساز، نه آوارگی صدها هزار نفر از اوکراینی‌های چشم‌آبی و کشته شدن هر روزه کودکان و زنان در غزه.

اوکراین را در حالت تعلیق عجیبی قرار داده است. حمایت‌های مالی غرب که این روزها روانه غرب آسیا می‌شود تا برای رژیم صهیونیستی دلگرمی ایجاد کند، اما حالا برای اوکراینی‌ها به یک دغدغه بزرگ تبدیل شده است، زیرا اوکراین روی کمک ۱۸ میلیارد دلاری از اتحادیه اروپا، ۸.۵ میلیارد دلار از آمریکا، ۵.۴ میلیارد دلار از صندوق بین‌المللی پول، ۱.۵ میلیارد دلار از سایر بانک‌های توسعه و یک میلیارد دلار از انگلیس حساب باز کرده است. کمک‌هایی که اگر بموقع و سروز به حساب کی یف واریز شود، شاید بتواند برای دفاع در برابر حملات روس‌ها مقاومت کند و خودی نشان بدهد. اما اگر این پول‌ها روانه جیب اوکراینی‌ها نشود و نتواند از این کشورها وام بگیرد، ممکن است به تأمین مالی این پول توسط بانک مرکزی متوسل شود که این امر می‌تواند تورم فوق‌العاده را ایجاد کرده و ثبات مالی این کشور را در معرض خطر قرار دهد. بحران مالی آمریکا و ادامه سیاست کاخ سفید برای حمایت از رژیم صهیونیستی، شاید اهالی دنیای سیاست واشنگتن را بر سر یک دوراهی قرار داده است که آیا حمایت‌های مالی از اوکراین در حال حاضر تا چه اندازه اولویت دارد، دغدغه‌ای که وزیر خارجه انگلیس را راهی آمریکا کرده تا برای کی یف پادرمیانی کند و هم‌پیمان آمریکایی خودش را برای ادامه حمایت همه‌جانبه از اوکراین راضی کند.

به اوکراین و حتی حمایت‌های بی‌وقفه مالی آمریکا و اروپا به دولت زلنسکی، اما برخی سران ناتو در حرکتی شتابزده برای مقابله با روسیه، متعهد به پذیرش اوکراین در ناتو شدند؛ وعده‌ای که البته بعد از چیزی حدود ۲ سال از گذشت جنگ هنوز محقق نشده است.

عاقبت چه شد؟

حالا حول و حوش ششصد و پنجاه روز از حمله روسیه به اوکراین می‌گذرد؛ حمله‌ای که عایدی‌اش برای روس‌ها، تحریم از سوی کشورهای بلوک غرب بود و برای اوکراینی‌ها به احتمال بسیار زیاد، بخشیدن بخشی از خاک اوکراین به ساکنان کاخ کرملین خواهد بود. اوایل آذر امسال، رئیس‌جمهور اوکراین با هدف کمک به سرپا زدن برای حفظ و حراست از خط مقدم نبرد در برابر روس‌ها، دستور ساخت یک شبکه گسترده از استحکامات نظامی را داد، که به عقیده برخی کارشناسان نشانگر تغییر چشمگیر رویکرد کی یف در جنگ مقابل روسیه است. کارشناسان این حوزه معتقدند؛ تصمیم جدید زلنسکی نشان داد که قابلیت‌های کی یف برای بازپس‌گیری بخش زیادی از قلمرو خود زیر سؤال رفته و این امر بویژه با تقویت قوای روسیه در میدان جنگ و عرصه دیپلماتیک به دستور ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور این کشور قابل تأمل است.

بحران مالی، دغدغه این روزهای کی یف

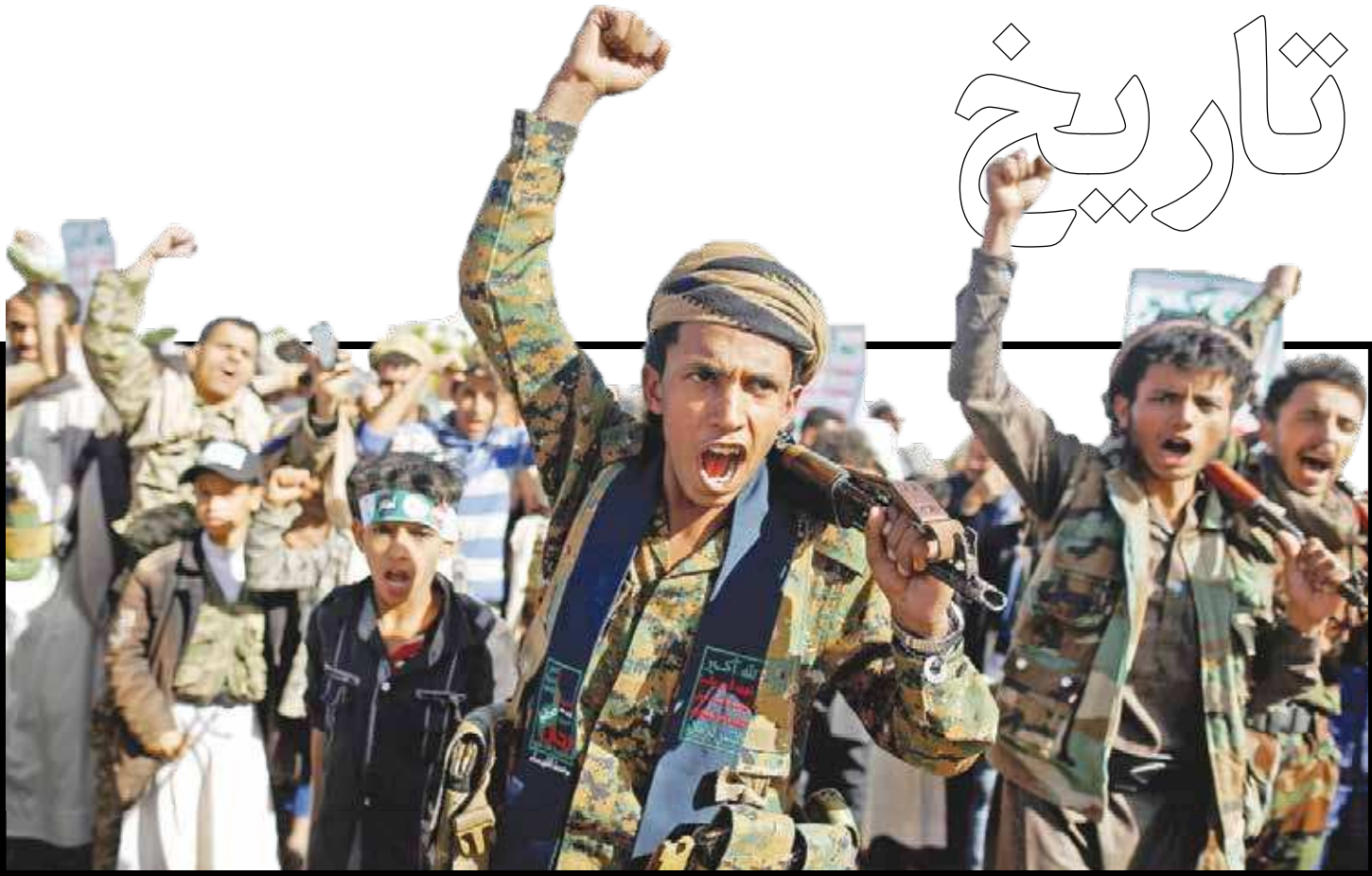
کاخ سفید: هر چه برای اوکراین دادیم؛ copy paste برای اسرائیل

بایدن اما بارها به دولت اوکراین وعده کمک مالی و تسلیحاتی داده است،

وضع این روزهای اوکراین، اصلاً به نفع زلنسکی و سران اروپایی حامی دولت وی نیست، بحران مالی اروپا و آمریکا از یک طرف، وعده‌های مجلس سنای آمریکا و اتحادیه اروپا هم از سوی دیگر، روزهای سیاسی



تاریخ



برخلاف تجربیات جنبش‌های اسلام سیاسی در جهان عرب، اسلام‌گرایان ایران که در سال ۱۹۷۹ در یک انقلاب مردمی به قدرت رسیدند و حکومت شاه را سرنگون و جمهوری اسلامی ایران را تأسیس کردند، توانستند تجربه سیاسی متفاوتی را تحکیم کنند و نه تنها یک دولت بسازند، بلکه الگویی از حکومت ایجاد کردند که پایه‌های آن برگرفته از «مرجعیت اسلامی» بود

انصارالله یمن زیر ذره بین ایران جمعه

محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر تاریخ



ابراهیم برادر رهبر انصارالله سال ۹۸ توسط استخبارات سعودی ترور شد

داده بود. در این میان اگرچه ناراضیاتی زیادی از حکمرانان وقت وجود داشت، اما صدها آخرین منطقه‌ای بود که تسلیم نیروهای جمهوری شد. شهری که در یمن، در حکم قم برای ایران است. مرکزی که بیش از هزار سال مرجعیت مذهبی منطقه را داشته است. حکمرانان جدید که توسط کشورهای همسایه پشتیبانی می‌شدند، به مرور سعی به تغییر مذهب به سوی وهابیت داشتند. سرانجام بعد از انقلاب اسلامی ایران، شیعیان یمن بار دیگر زنده شدند. جنبش الحوثی، در برابر اندیشه‌های وهابی قد علم کرد. جنگ میان حوثی‌ها و القاعده، اولین آزمون حوثی‌ها بود.

دارای سنت سیاسی طولانی مدت در یمن هستند. ۱۱۲۰ سال قبل، زمانی که یحیی بن حسین به دعوت مردم یمن از حجاز وارد صعدة شد و پس از آنکه موفق شد برخی از اختلافات قبیله‌ای میان قبایل همدان بن زید و خولان بن عامر را در شمال کشور حل کند، از یک «حکم» به «حاکم» تبدیل شد و مرجعیت دینی نیز پیدا کرد. او به «هادی» مشهور شد و از آن پس سازمان سیاسی و مذهبی قدرتمندی را با عنوان «نهضت هادویان» ایجاد کرد که تا بیش از هزار سال بعد، یعنی شهریور ۱۳۴۱ ادامه یافت و یکی از شروط ۱۶ گانه حاکم را، سیادت از نسل امام حسن یا امام حسین (علیهما السلام) قرار

امروز اگر نام یمن در میان اخبار شنیده شود، اغلب ناشی از اخبار جنبش حوثی‌ها است. اما قریب یک دهه قبل، یمن را بیشترین القاعده می‌شناختند. چه آنکه یکی از مأموریت‌های اصلی اسامه بن لادن، شهروند ثروتمند سعودی و مؤسس القاعده، حضور در یمن و تضعیف شیعیان آن بود. کوچک‌ترین و در عین حال چهارمین همسر بن لادن نیز زنی یمنی از جنوب این کشور بود که به سبب ایجاد پیوند و کسب حمایت چهره‌های مذهبی و قبیله‌ای مهم این وصلت، انجام شده بود. اما این پدیده بومی یمن نبود و حاصل ترویج وهابیت با پول و قدرت عربستان در یمن بود. برخلاف وهابیت، شیعیان

رهبران انصارالله



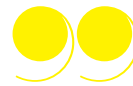
الشباب المؤمن) را در «یمن شمالی» تأسیس کرد. این گروه، تعلیم جوانان را زیر نظر استادانی همچون مجدالدین المؤیدی و سید بدرالدین حوثی دنبال می‌کرد. فعالیت این گروه زیاد طولانی نشد و حکومت وقت به استناد آنکه طبق قانون اساسی وقت یمن، تشکیل هر گروه سیاسی یا مذهبی-سیاسی را ممنوع کرده و پس از اتهام ارتباط اعضای این گروه به ایران، آن را تعطیل کرد.

رود رسمی به عرصه سیاست
اول خرداد سال ۱۳۶۹، در پی نشست دو جانبه وزرای خارجه دو کشور یمن شمالی و جنوبی و با اعلام اتحاد، کشور جدید یمن با پایتختی مرکز صعا شکل گرفت. صعا پایتخت باستانی یمن بوده است و در آن خانه‌هایی قدیمی وجود دارد که گفته می‌شود بیش از ۳ هزار سال قدمت دارند و آنها را سام، پسر نوح پس از طوفان ساخته است. صعا پیش از آن پایتخت یمن شمالی بود و در عداد مناطق نفوذ شیعیان یمن قرار داشت.

با استفاده از این فرصت در همان سال محمد یحیی عزان یکی از بنیانگذاران اتحادیه تعطیل شده، تشکلی با نامی مشابه، «منتدی الشباب المؤمن» به معنی «مجمع جوانان مؤمن» راه

صدور انقلاب ایران به یمن
العربیه عربستان سعودی درباره ریشه تشکیل این گروه نوشته است: «بر خلاف تجربیات جنبش‌های اسلام سیاسی در جهان عرب، اسلام‌گرایان ایران که در سال ۱۹۷۹ در یک انقلاب مردمی به قدرت رسیدند و حکومت شاه را سرنگون و جمهوری اسلامی ایران را تأسیس کردند، توانستند تجربه سیاسی متفاوتی را تحکیم کنند و نه تنها یک دولت بسازند، بلکه الگویی از حکومت ایجاد کردند که پایه‌های آن برگرفته از «مرجعیت اسلامی» بود. آنها به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شدند و نفوذ آن به تعدادی از پایتخت‌های عربی گسترش یافت.»

این الگوسازی، همان چیزی بود که در ابتدای انقلاب اسلامی به عنوان «صدور انقلاب» از آن یاد می‌شد و حاکمان عرب سعی بر آن داشتند تا با تصویرسازی صدور اسلحه و... آن را محدود سازند.
«صلاح احمد فلیته» پدر «محمد عبدالسلام فلیته» که این روزها به عنوان سخنگوی انصارالله یمن، زیاد در برابر رسانه‌ها ظاهر می‌شود، یک قاضی صاحب نفوذ بود که در سال ۱۳۶۴، با الهام از انقلاب اسلامی ایران «اتحادیه جوانان مؤمن» (تنظیم



براساس اسناد محرمانه‌ای که وزارت امنیت و اطلاعات یمن در ساختمان سابق امنیت ملی در صنعا به دست آورده، مقدمات جنگ داخلی برای یمن، در واشنگتن بین «جورج بوش» رئیس جمهور سابق آمریکا و صالح، همتای یمنی دست‌نشانده‌اش آماده شد

دیدار محمد عبدالسلام سخنگوی انصارالله با رهبر معظم انقلاب اسلامی ۲۲ مرداد ۱۳۹۸



حسین الحوثی

انداخت. از دیگر مؤسسان این گروه چهره‌هایی همچون محمد یحیی عزان، عبدالکریم جدبان، علی احمد الرازحی، صالح هیره و عبدالملک الحوثی بودند. همچنین محمد بدرالدین الحوثی (برادر رهبر قبلی و فعلی حوثی‌ها) که در دوره‌های آموزشی گروه‌شان، درست «انقلاب اسلامی ایران» را تدریس می‌کرد.

کمی بعد در امتداد این گروه، «حزب الحق» در چهارچوب رسمی شکل گرفت و «سید حسین الحوثی» یکی از نمایندگان برگزیده این حزب طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ در مجلس یمن بود. سید حسین، پس از پایان آن مجلس دیگر نامزد انتخابات نشد اما دبیرکل تشکیلات جوانان مؤمن شد. پس از مسئولیت حسین الحوثی بر این تشکیلات، این جریان در ادبیات سیاسی جهان به حوثی مشهور شد. او خواستار جواز فعالیت حزبی، تأسیس دانشگاه و به رسمیت شناخته شدن از سوی دولت بود اما دولت وقت یمن با بیان اتهاماتی در برابر آنها کارشکنی می‌کرد.

از ۲۷ دی‌ماه سال ۱۳۸۰ به ابتکار سید حسین الحوثی، در شرایطی که آمریکا به بهانه ماجرای پرابهام ۱۱ سپتامبر لشکرکشی به منطقه را آغاز کرده بود؛ این تشکیلات شعار «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود، و اسلام پیروز است» را نماد خود ساخت. حوثی با تکرار این شعار که به «صرخه» مشهور شده است در راهپیمایی‌ها و نیز پس از هر نماز روزانه، سعی به بروز اندیشه وحدت افزای خود میان گروه‌های مختلف یمنی داشت. دولت وقت که با آمریکا همبستگی داشت و مخالف توسعه اسلام سیاسی توسط این گروه بود و سرانجام در سال ۱۳۸۳ برخورد نظامی با آن را در دستور قرار داد. مقاومت این گروه در برابر

جنگ افروزی بود و تسلیم‌ناپذیری در برابر چنین دشمنی، اندیشه بنیادین جریان «مقاومت» است. امروز ریشه‌رفتارهای انصارالله دیگر مخفی نیست.

سازمان ارشاد اخلاقی یمن سه سال پیش سندی محرمانه را منتشر کرد که به دو تماس تلفنی بین «علی عبدالله صالح»، رئیس جمهور سابق یمن و «جورج بنت» رئیس سازمان سیا مربوط می‌شد و دخالت آمریکا در آن کشور را آشکار می‌ساخت. در همین خصوص، گزارشی از وزارت خارجه آمریکا در ۳۰ مه ۱۹۹۸ منتشر شد که طی آن پروژه ایجاد یک پایگاه دریایی آمریکا برای نیروهای «ماینز» در منطقه بریگا در استان عدن فاش شد. ماجرای که با مقاومت حوثی‌ها ناکام ماند.

براساس اسناد محرمانه‌ای که وزارت امنیت و اطلاعات یمن در ساختمان سابق امنیت ملی در صنعا به دست آورده، مقدمات جنگ داخلی برای یمن، در واشنگتن بین «جورج بوش» رئیس جمهور سابق آمریکا و صالح، همتای یمنی دست‌نشانده‌اش آماده شد. صالح در آن سفر که بسیار هم مورد توجه رسانه‌ها و محافل سیاسی قرار گرفته بود، علاوه بر بوش با «دیک چنی» معاون رئیس جمهور آمریکا، «گالین پاول» وزیر امور خارجه، «دونالد رامسفیلد» وزیر دفاع و دیگر مقامات سی. آی. اف. بی. آی. ملاقات کرده بود.

صالح شش روز پس از بازگشت از واشنگتن در ۲۴ خرداد ۱۳۸۳، جنگ علیه سید حسین بدرالدین الحوثی را در «نبرد اول باصعده» آغاز کرد و برای دستگیری با کشتن

داشت به عنوان دبیرکل جدید برگزیده شد. انتخابی که با نگاهی به نزدیک به ۲۰ سال دبیرکلی وی، نشان می‌دهد تا چه اندازه مناسب بوده و توانسته است تشکیلات خود را به صورت چشمگیری تقویت کند.

نقش آمریکا در ترور سید حسین برخلاف تصویری که رسانه‌های ضدمقاومت از حوثی‌ها ساخته‌اند، این جریان جویای جنگ نبود. حسین الحوثی همواره به عنوان شخصیتی که خواهان حفظ منافع کشور و وحدت و امنیت آن است، ظاهر می‌شد؛ او حتی عضو تیم مصالحه بین کنگره و احزاب اصلاحات از یک سو و کنگره با حزب سوسیالیست از سوی دیگر بود.

شهادت سید حسین الحوثی را در ۱۹ شهریور ۱۳۸۳ داشت، اما منجر به شکل‌گیری یک جنبش در میان باورمندان به «مقاومت» در برابر جریان ضداسلامی شد. سید حسین در دوره مسئولیتش اثرات زیادی بر جنبش شیعیان یمن داشت. او انتظار برای موعود راه‌هدف قرار داده بود و معتقد بود امام خمینی با زنده کردن سنت برائت از مشرکان، مردم را با معنای صحیح و قرآنی حج آشنا کرد. سید حسین از بنیانگذار جمهوری اسلامی با عنوان امام یاد می‌کرد و افکار او را نجات‌دهنده می‌دانست. و چندین بار به ایران سفر کرد.

سید حسین ۵۴ هزار دلار جایزه تعیین کرد. دو ماه پس از آغاز جنگ، دو فرمانده ارشد نظامی آمریکایی با هدف کمک به رژیم صالح در پیروزی در نبرد وارد صنعا، پایتخت یمن شدند. این جنگ ۸۸ روز به طول انجامید و در طی آن ورود آب، غذا و دارو به صعده ممنوع شد. سرانجام ۱۹ شهریور ۱۳۸۳ عوامل نظامی آمریکا سید حسین الحوثی را در منطقه «جرف سلمان» در مران، واقع در استان صعده محاصره کرده و مظلومانانه به شهادت رساندند.

اسناد امنیتی به دست آمده نشان می‌دهند که در همان روز، «جان ابوزید» ژنرال جان ابوزید فرمانده نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه که در عراق مستقر بود و چند ماه قبل از آن، از یک حمله جریان مقاومت در شهر فلوچه عراق جان به در برده بود، از علی عبدالله صالح به خاطر اینکه توانسته بود با کمک خودشان سید حسین الحوثی را از سر راه بردارد، تشکر کرد و آن را یک «پیروزی» دانست.

علامه بدرالدین

علامه بدرالدین الحوثی یکی از مراجع بزرگ شیعیان یمن به شمار می‌رود. وی به عنوان رهبر معنوی جنبش انصارالله، نقش مهمی در ارتقای فکری و فرهنگی زیدیه معاصر یمن و نزدیک کردن آنها به اندیشه انقلاب اسلامی دارد. او یکی از پایه‌گذاران حزب الحق به شمار می‌رود. بدرالدین حوثی برای خود مأموریت احیا و گسترش مکتب اهل بیت (ع) در یمن را قائل بود و در کنار برخی از علمای زیدی همچون مجدالدین مؤیدی برای مقابله با



از ۲۷ دی‌ماه سال ۱۳۸۰ به ابتکار سید حسین الحوثی، در شرایطی که آمریکا به بهانه ماجرای پرابهام ۱۱ سپتامبر لشکرکشی به منطقه را آغاز کرده بود؛ این تشکیلات شعار «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود، و اسلام پیروز است» را نماد خود ساخت



علامه بدرالدین



حمله پهپادی به کشتی های اسرائیلی

خود را از آنها اعلام کرد. این حمایت بیش از هر چیز، حمایتی معنوی بود و راه پشتیبانی از آن چندان هموار نبود. اما دستیابی انصارالله به طیف گسترده‌ای از موشک‌ها و هواپیماهای بدون سرنشین پیشرفته بدون پشتیبانی دانش از سوی ایران دور از ذهن به نظر می‌رسد. پهپادهایی با برد ۱۲۰۰ و ۱۵۰۰ کیلومتر که می‌توانست حامل بمب باشد، نه تنها در جریان مقاومت خود یمن استفاده شد، بلکه امروز در پشتیبانی از نبرد طوفان الاقصی نیز حاضر است. مرحوم حسین شیخ الاسلام او اولین مقاماتی بود که در قامت مشاور وزیر امور خارجه، به طور صریح به استراتژی بازدارنده منطقه‌ای ایران اشاره کرد و از حجم بالای موشک موجود در دستان جبهه مقاومت که می‌تواند اسرائیل را هدف قرار دهند، سخن گفت. از جمله این تسلیحات، موشک‌های بلند پرواز جنبش انصارالله بود. به عنوان نمونه مهرماه سال گذشته، انصارالله در رژه خود موشک کروزر قدس ۳ را به نمایش گذاشت. جدیدترین عضو خانواده موشک‌های کروزر قدس که در گذشته بارها علیه تأسیسات نفتی و نظامی عربستان سعودی مورد استفاده قرار گرفته بودند و اکنون نمونه جدید و با برد بیشتر آن رونمایی شده بود. موشک ضد کشتی عاصف با برد ۴۰۰ کیلومتر و وزن سر جنگی ۵۵۰ کیلوگرم شگفتی‌ساز دیگر آن رژه بود. این دو موشک، پهپادها و دیگر موشک‌ها تنها در آن رژه نمایش داده نشد؛ بلکه امروز در میان تنهایی ساکنان سرزمین قدس، به یاری برادران مسلمان شتافته است. پس از بی‌توجهی کشورهای مسلمان به تحریم اسرائیل و این راهبردی امام خامنه‌ای که فرمود «دولت‌های مسلمان [...] بایستی نگذارند که نفت و انرژی و کالا و امثال اینها وارد رژیم صهیونیستی بشود». اینک وارد عمل شده است و شریان باب‌المنند را بر رژیم اشغالگر قدس بسته است.

پیشگیری شود. اما منصور هادی استعفا کرد و با کارشکنی جریان غربی و برگزار نشدن جلسه مجلس جهت بررسی استعفا رئیس جمهور، خلأ سیاسی پدید آمد. انصارالله به سرعت مجلس ملی انتقالی را با ۵۵۱ عضو شکل داد. به دنبال این اقدام، منصور هادی به عدن گریخته و با اعلام پس گرفتن استعفا خود، اقدام به تشکیل دولت موقت در عدن کرد. همزمان با این اقدام، ائتلافی از کشورهای منطقه به رهبری عربستان سعودی در ۶ فروردین ۱۳۹۴، در حمایت از منصور هادی، حملات هوایی و دریایی شدیدی را به یمن آغاز کردند که به دنبال آن بسیاری از زیرساخت‌ها، مراکز نظامی و غیرنظامی یمن ویران شد. براساس برخی آمارها تا یازدهم تیر ۱۳۹۴ شمسی، بیش از سه هزار نفر شهید و بیش از هفت هزار نفر مجروح شدند. انصارالله و کمیته‌های مردمی نیز پس از حملات هوایی ائتلاف ابتدا مناطق مختلف یمن را برای مقابله با القاعده و نیروهای هم‌پیمان با ائتلاف به کنترل خود درآوردند. اما پس از به رهبری عربستان سعودی، جنبش انصارالله و نیروهای مردمی به همراه ارتش یمن در پاسخ به تجاوزات ائتلاف، عملیات‌های متعددی را علیه عربستان انجام داد. با گسترش حملات ائتلاف، انصارالله یمن با هدف توقف حملات، از موشک بالستیک علیه سعودی استفاده کرد که منجر به عقب‌نشینی عربستان شد. حوثی‌ها بیش از ۱۰ سال قبل از موشک‌های خود رونمایی کردند. سامانه موشکی «صرخه-۱»، «زلزل-۱»، «زلزل-۲» و «النجم الثاقب» اولین محصولات موشکی آنها بود.

اتحاد راهبردی جریان مقاومت

پس از اینکه ائتلاف به رهبری عربستان، جنگ هوایی خود را علیه حوثی‌ها در یمن، در اوایل فروردین ۱۳۹۴ آغاز کرد؛ ایران حمایت رسمی

مرکزی یمن و مداخله برخی کشورها (عربستان و آمریکا) در یک طرف و مبارزان حوثی در طرف دیگر بودند. این درگیری‌ها میانه زمستان ۱۳۸۸ برای مذاکره پایان یافت که شکستی برای ارتش به نظر می‌رسید. جنگ ششم نشانگر تقویت قدرت نظامی و عملیاتی شیعیان در روبرویی با نیروهای دولتی بود. آنها موفق به انهدام سه فروند هواپیمای جنگنده سوخو، یک فروند بالگرد نظامی و ده‌ها دستگاه از تانک‌های ارتش شدند.

بیداری اسلامی

این اما پایان ماجرا نبود، بهمین ۱۳۸۹، همزمان با سالگرد انقلاب اسلامی و با گسترش موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی، جوانان یمنی نیز برای سرنگونی حکومت یمن دست به قیام زدند. این قیام با حمایت حوثی‌ها و شخص عبدالملک حوثی روبه‌رو شد و دامنه اعتراضات مجدداً در صعدة بالا گرفت. در نتیجه این درگیری‌ها، حوثی‌ها توانستند در اسفندماه بر استان صعدة مسلط شوند و اداره این استان را در دست بگیرند.

فرجام بیداری اسلامی یمن در سال ۲۰۱۱ م به طرح شورای همکاری خلیج فارس یا المبادره الخلیجیه به رهبری عربستان سعودی منجر شد. در این طرح قرار بود گفت‌وگوهای ملی میان تمام احزاب و جریان‌های یمنی برای دست‌یافتن به توافقی جامع جهت تدوین قانون اساسی و حکومت جدید، از جمله تقسیم بندی یمن به چند اقلیم صورت بگیرد. اما در این مسیر نیز از مرز توافقات عبور شد و به نتیجه نرسیدن طرح تدوین قانون اساسی، استمرار فساد حکومتی و ناکامی دولت در تأمین نیازهای ضروری مردم و محقق نشدن طرح شورای همکاری خلیج فارس زمینه‌ساز موج دوم بیداری اسلامی در یمن شد. جنبش انصارالله با همراه کردن بسیاری از قبایل و بزرگان، انقلاب خود را فراگیر کرد. جنبش فراگیر انصارالله معتقد بود حکومت یمن به تمام معنا فاسد است که به عنوان نمونه می‌توان به امتیازات نفتی که در انحصار خاندان احمر و برخی افراد وابسته به عربستان سعودی است، اشاره کرد. حوثی‌ها در چند مرحله نهایتاً وارد صعدة شدند و پس از مدتی درگیری با حکومت یمن در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۹۳ توانستند بیشتر بخش‌های مهم پایتخت، از جمله کنترل مراکز دولتی و ساختمان رادیو-تلویزیون را در صعدة به دست بگیرند. انصارالله در این مقطع به منصور هادی در حد امکان همراهی کرد تا یک دولت توافقی شکل بگیرد و از تداوم جنگ



سجاده در صعدة و صنعا جمع‌آوری و به میدان مرکزی شهر صنعا به نام «ساحه الحریه» (میدان آزادی) منتقل شده و در برابر چشم مردم پایتخت به آتش کشیده شد. نیروهای نظامی به فرماندهی علی محسن الاحمر حملاتی به مناطق شیعه‌نشین داشتند و در این میان از سلاح‌های نامتعارف و بمب‌های خوشه‌ای استفاده کردند. برای بازدارندگی از جنبش شیعیان، نظامیان یمنی پس از سوزاندن پیکرهای برخی رزمندگان شیعه، آنان را با طناب به خودروهای نظامی بستند و در برابر چشم مردم کیلومترها روی خاک کشیدند.

قبل از امضای توافقنامه بین ارتش و انقلابیون حوثی، چهار دور دیگر به رهبری عبدالملک جنگ‌هایی ادامه یافت و در فاصله میان سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸، نیروهای ارتش یمن و حوثی‌ها چندین بار با یکدیگر روبه‌رو شدند که منجر به کشته شدن شماری از طرفین و بازداشت تعداد زیادی از وابستگان به حوثی‌ها شد. سنگین‌ترین این جنگ‌ها عملیات زمین سوخته بود. دولت یمن در مرداد ۱۳۸۸ این عملیات را علیه حوثی‌ها در صعدة آغاز کرد که به جنگ ششم صعدة نیز معروف است. در این جنگ، دولت یمن از امکانات گسترده‌ای برای دستیابی به اهدافش استفاده کرد و صدها نفر از مردم و نیروهای نظامی کشته شدند و صدها تن از علما و فعالان سیاسی و فرهنگی به دست نیروهای امنیتی ترور شده یا به زندان افتادند.

رهبری شیعیان در این جنگ با سید عبدالملک حوثی و برادرش سید یحیی الحوثی بود. سید یحیی از نمایندگان مجلس یمن بود که مجلس نمایندگان مصونیت سیاسی وی را سلب و درخواست بازداشت وی از اینترپول را صادر کرد.

این درگیری به خاک عربستان سعودی هم کشیده شد و سبب شد ارتش عربستان به مواضع این گروه حمله کند. در این درگیری‌ها حکومت

سلفی‌گری و وهابیت نقش ایفا کرد. وی با شروع قیام امام خمینی از انقلاب ایشان حمایت کرد و تحت تأثیر اندیشه‌های امام قرار گرفت. بدرالدین الحوثی بر اثر فشارها و تهدیدهای وهابیت، از یمن به ایران آمده و مدتی در قم اقامت کرد. در طول این مدت با محافل علمی حوزه علمیه قم آشنا شد و به تقویت اندیشه خود پرداخت و همچنین با اندیشه‌های انقلاب اسلامی بیشتر آشنا شد. او در اولین فرصت ممکن به یمن بازگشت و به نهضت مقابله با وهابیت ادامه داد.

وی پس از شهادت فرزندش حسین، به رگم داشتن ۸۰ سال سن، سکونتش در صنعا را ترک کرد و به کوهستان‌های صعب‌العبور صعدة رفت و با رد پیشنهادهای حکومت به نبرد با دولت مرکزی در شمال یمن پرداخت و رهبری مستقیم جنبش حوثی‌ها را برعهده گرفت. او به علت کهنسنت سن امور مبارزه را به فرزندش سید عبدالملک واگذار کرد و سرانجام در سن ۸۶ سالگی، در چهارم آذر ۱۳۸۹ چشم از دنیا فرو بست. گروه القاعده مدعی شد او را روز عید غدیر با یک خودرو بمب‌گذاری شده بین صعدة و الجوف ترور کرده است.

تداوم جنگ ارتش علیه مقاومت یمن

پس از شهادت سید حسین، دولت یمن برای سرکوب مجدد حوثی‌ها در آخرین روز اسفند ۱۳۸۳ جنگ دوم را در صعدة شروع کرد. مقاومت غیرقابل انتظار آنها موجب شد هفتم فروردین، دولت یمن پایان جنگ دوم را اعلام کرد اما فشارها علیه شیعیان پایان نیافت. آنها هدف حملات نظامی قرار گرفتند و برگزاری هرگونه مراسم مذهبی ممنوع شد.

دولت یمن به دستور علی عبدالله صالح به مساجد شیعیان حمله کرد، تمامی کتاب‌های مقدس از جمله نهج البلاغه و صحیفه

شعار صرخه پشت سر
عبدالملک



همزمان با
سالگرد انقلاب
اسلامی و با
گسترش موج
بیداری اسلامی
در کشورهای
عربی، جوانان
یمنی نیز برای
سرنگونی
حکومت یمن
دست به قیام
زدند. این قیام با
حمایت حوثی‌ها
و شخص
عبدالملک حوثی
روبه‌رو شد و
دامنه اعتراضات
مجدداً در صعدة
بالا گرفت

عربستان پس از
ناکامی در جنگ
به مذاکره روی آورد





به مناسبت سالروز وفات حضرت ام البنین وروز تکریم مادران و همسران گرامی شهدا

وداع مادرانه

نفیسه زارعی
نویسنده

پدر مقایسه کرد؟ روح لطیف زنانه، آن هم نسبت به جگرگوشه، این را پرورش بدهد، بزرگ کند مثل دسته گل، بعد راضی بشود که او پرود میدان جنگ و به شهادت برسد؛ بعد برای اینکه جمهوری اسلامی دشمن شاد نشود، بر جنازه او گریه هم نکند! که بنده مگر به این خانواده های شهدا گفتم گریه کنید؛ چرا گریه نمی کنید؟ گریه ایرادی ندارد. گریه نمی کردند، می گفتند می ترسیم جمهوری اسلامی دشمن شاد شود. «زن مگو، مرد آفرین روزگار»، زن های ما اینها پند؛ امتحان خوبی دادند. وداع، چشم انتظاری، اشک و لبخند سهم مادران و همسران شهدای این سرزمین است، مادر وطن بردبارانه همچون سروی آزاد ایستاده و خواهد ایستاد، عکس ها گویای راز این استواری اند:

خاک ریز شهیدادر مقابل دشمنان دین و حقیقت، خاک ریز اول است؛ خاک ریز دوم، خانواده های شهدا هستند. پشت سر آنها شما هستید. این رنج های شما و این فراق ها و غصه ها و محرومیت از دیدن و احساس کردن حضور عزیزانتان، پیش خدای متعال اجر دارد. انکار خدا خانه ای کنار شهید، برای مادرش در بهشت خشت زده از نور، از صبر و از داغی که بر جگر دارند، داغی که شاید پدر بر آن صبری نیست اما مادر، مادرانه صبوری می کند، اینجا کمیت صبر در مقابل این استواری می لنگد. چنانچه امام خامنه ای در این باره می فرمایند: بارها من این را گفته ام؛ در زیارت خانواده های شهدا، اغلب اوقات مادران شهید را شجاع تر و مقاوم تر از پدران شهید یافتم. مگر محبت مادر را می شود با محبت

برای داماد که سیاه نمی پوشند، این حجم انبوه آرامش در قلبت را شاید تنها در مادر ابوالفضل العباس (ع) بتوان دید، آن لحظه که خبر شهادت فرزند را به مدینه آوردند و پیش از آنکه از عباس بپرسد از تارالله پرسید و سپس مویه کرد...

* زن مگو، مرد آفرین روزگار

پای واژه ها لنگ است از تفسیر و تأویل حال تو، تأویل مادرانه ای که آرام است و صبور، مقاوم است و بردبار و مصداق واقعی زن در تاریخ شیعه است، مصداق زینب (س) در عاشورا، مصداق ام البنین در مدینه و مصداق هزاران هزار زن که میراث دار شهیدند و شاید بهتر عبارت برای تو همه مادران شهید خاک ریز دوم باشد، همان که رهبر انقلاب درباره اش گفت: «بارها گفته ام،

رفتی امید داشتی تا تازه دامادت مثل همیشه که از راه دور تماس می گرفت، با اندکی مکث بگویی: سلام مادر، سلام نور چشم... مأموریتم تموم شده دارم میام، سلامت رو به حضرت زینب رسوندم... تلفن را که برداشتی کسی چیزی گفت که نباید می گفت، دیدم نفست تمام شد انکار قلبت نمی زد، به گمانم همان لحظه خون توی رگ هایت یخ بست. سکوت... سکوت... سکوت... تو در ظاهر تمام شدی و سهمت همین بود یک قاب عکس روی دیوار، یک دنیا خاطره اما من دیدم که آن لحظه همچون ام وهب گفتمی فرزندم فدای حسین (ع)، نفس تازه کردی و ایستادی، لباس مشکی نپوشیدی گفتمی سپرم تازه داماد است!

هر بار به عقربه های ساعت که نگاه می کنی، قلبم تندتر از هر زمان دیگری می تپد؛ به خودم می گویم: نکند باز این دلتنگی که به سراغ آمده باشد، این دلتنگی که سال هاست عکسش را قاب گرفته ای روی دیوار و هرازگاهی که نگاهش می کنی، آه و اشک توأم از چشم جانت جاری می شود اما بعد می گویی: جوان من که عزیزتر از جوان لیلا نبود! می دانم هر روز در ذهنم مرور می کنی آن روز را، روزی که آن خبر را آوردند، همان روز داشتی کنار حوض به شمعدانی های قرمز آب می دادی همان لحظه ها توی فکرت داشتی سفره عقدش را می چیدی و ذوق می کردی، آخر گفته بود این بار که آمد باید برایش آستین بالا بزنی، صدای زنگ تلفن ناگهان خانه را در خودش غرق کرد، از پله ها که بالا



پایان ۳۰ سال انتظار مادر محسن رجیبی



مادر شهید آخوندی پس از ۶۰ سال دوباره قنداق پسرش را گرفت



دیدار مادر «شهید معروفوند» با فرزند ۱۵ ساله پس از ۳۱ سال



وداع مادر با پیکر شهید خسرو قادری قمصری



وداع مادر با شهید دفاع مقدس مرتضی کردی



دلتنگی مادر برای فرزند شهیدش سجاد زبرجدی



دیدار مادر با فرزند شهیدش محمدرضا پیرهادی پس از ۳۱ سال



وداع خانواده با پیکر مطهر شهید مدافع حرم سید مصطفی صادقی



وداع خانواده با شهید مدافع امنیت امیر کمندی



وداع خانواده با پیکر شهید تازه تفحص شده عیسی شجاعی



وداع خانواده با پیکر شهید امنیت آرمان علی وردی



وداع جانسوز مادر شهید مدافع حرم سعید کمالی با پیکر فرزندش



مادر شهید در مراسم وداع با پیکر شهید مدافع حرم مرتضی کریمی



وداع مادر با شهید مدافع حرم عباس آبیاری



وداع مادر با پیکر مطهر شهید مدافع امنیت سید روح اله عجمیان



وداع خانواده علی آقا عبداللهی با پیکر شهیدشان



وداع مادر با پیکر مطهر شهید مدافع حرم مهدی ذاکر حسینی



وداع مادر با پیکر شهید پوریا احمدی بسیجی مدافع امنیت



وداع مادر شهید جلال رئیسی با پیکر تازه تفحص شده فرزندش

کتاب

از صمد بهرنگی و سادگی ورنندی
و خلاقیت توأمان در آثارش

بیست و نه سال و این همه قصه؟

لادن عظیمی
خبرنگار

بخشی از ادبیات همواره با باورهای کهن گره خورده است. با قصه‌ها و افسانه‌های ملل مختلف، و در مقیاس‌های کوچکتر، افسانه‌های اقوام و شهرهای گوناگون. قصه‌ها و افسانه‌هایی که سینه به سینه نقل شده‌اند و هر که آنها را شنیده‌اند و از نو تعریف کرده چیزی بر آن افزوده است. کسی نمی‌داند اولین بار چه کسی آن قصه‌ها را آفریده است و اصلاً شیرینی این قصه‌ها به همین ندانستن و نشناختن خالق آنهاست. قصه‌هایی که بخش مهمی از فرهنگ عامه را در خود گنجانده‌اند و موجب آفرینش مفهومی به نام ادبیات فولکلور شده‌اند.

نویسندگان و پژوهشگران بسیاری در حوزه ادبیات فارسی به بازنویسی و گردآوری داستان‌ها، اشعار، لالایی‌ها، افسانه‌های فولکلور پرداخته‌اند. تعدادی از آنان نیز افسانه‌های اقوام مختلف ایرانی را گردآوری و به زبان فارسی بازنویسی کرده‌اند. در این میان نام صمد بهرنگی نامی آشناست. صمد بهرنگی که اصالتی تبریزی داشت و ترک زبان بود؛ یکی از سرشناس‌ترین نویسندگان کودک و نوجوان است. از او علاوه بر داستان، مقاله و ترجمه از ترکی به فارسی و فارسی به ترکی نیز باقی مانده است اما آنچه موجب شهرت اوست نه خود داستان‌هایش به تنهایی بلکه خلاقیت او در شیوه داستان‌پردازی است. داستان‌های صمد بهرنگی را می‌توان به طور کلی به دو دسته تقسیم کرد. آثاری که بازنویسی داستان‌های فولکلور آذربایجان‌اند و بهرنگی با فارسی نویسی و دخل و تصرف در پیرنگ داستان و تغییر حوادث پیش روی قهرمان و وارد کردن مفاهیم و مسائل روز اجتماع به داستان‌ها به بازنویسی و بازآفرینی آن آثار پرداخته است. در این

شب چله سرخ در غزه

فیزیک کوانتوم
در میان نسل کشی!

محمد علی یزدانیار
دبیر گروه کتاب

Mohammadaliyazdanyar@gmail.com

اول: این ماجرای خودم از شب چله را حداقل دو بار به قلم - کیبورد البته! - درآورده‌ام! بار اول سال‌ها پیش و در وبلاگ شخصی‌ام و دومین بار در سال ۱۴۰۰، همین موقع‌ها و در مطبوعه‌ای که زیر سایه ستون همین هفته‌نامه یعنی محمد صادق علیزاده کار می‌کردم، به زیور طبعش آراستم. ماجرا را بسیار دوست دارم. من بچه که بودم فکر می‌کردم دلیل طولانی بودن شب چله این است که زمان در آن کش می‌آید، یعنی من خیلی قبل‌تر از نولان، نولان بودم و در واقع نولان یزدانیار شده است! بر اساس همین اعتقاد پوچ و توخالی تکالیف مدرسه را به کناری می‌گذاشتم تا در آخرین دقیق کش‌آسای شب چله انجامشان بدهم و بعد می‌فهمیدم که نه! این زمان کافی نیست، جالبش اینجاست که عبرت هم نمی‌گرفتم، صرفاً احساس می‌کردم که کش آمدن زمان را درست اندازه نگرفتم و سال بعدی سعی می‌کردم میزان این کش را درست حدس بزنم، بعد از شکست‌های زیاد بود که رفتم و از پدر خدایم بزم پرسیدم ماجرا از چه قرار است؟ او هم گفت که بله باباجان! درکل یک دقیقه بیشتر شب است، معنی طولانی بودن این نیست که زمان در این شب خاص کش می‌آید... قول می‌دهم این خاطره را سال بعد هم حتماً بنویسم!

دوم: غزه هنوز بمباران می‌شود، غزه هنوز دغدغه من است و غزه هنوز تنهاست. نورمن فینکلشتاین که دو هفته پیش در موردش نوشتم در یک مصاحبه گفت من بعد از ۴۰ سال تلاش برای غزه عملاً به جایی رسیدم که بی‌خیال ماجرا شدم. عمر زیادی برایم نمانده و هیچ‌کس هم نیست که دلش بخواهد حقیقت را ببیند. او گفت که اگر این جنگ جدید پیش نیامده بود به موضوع غزه بر نمی‌گشت. در دنیایی که تنها «متخصص امور غزه» در جهان به جایی رسیده بود که دست از تلاش برداشت، اهل غزه بودن باید خیلی دردناک باشد، نه؟

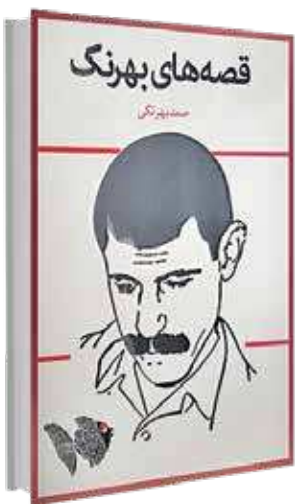


بچه که بودم فکر می‌کردم دلیل طولانی بودن شب چله این است که زمان در آن کش می‌آید، یعنی من خیلی قبل‌تر از نولان، نولان بودم و در واقع نولان یزدانیار شده است! بر اساس همین اعتقاد پوچ و توخالی تکالیف مدرسه را به کناری می‌گذاشتم تا در آخرین دقیق کش‌آسای شب چله انجامشان بدهم



ورود به جهان تاریکی که بعد از عبور از نوجوانی وارد آن می‌شوند آماده کرد. او این دیدگاه را به طور مبسوط در مهمترین کتاب غیرداستانی خود یعنی «کند و کاو در مسائل تربیتی ایران» شرح داده است.

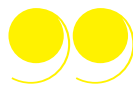
با وجود این دیدگاه و با توجه به ترسیم تیره بختی در آثار بهرنگی، که بحق آیین تمام نمای زیست مردم آن روزگار بوده، شاید به سختی بتوان آثار این نویسنده را مختص کودکان دانست. راستش را بخواهید خود من دلم می‌خواهد دوباره و چند باره قصه‌های صمد را بخوانم اما در اینکه همه آن قصه‌ها را برای کودک مناسب بدانم، مرددم. اما این هرگز اصل ماجرا را تغییر نمی‌دهد. اینکه بهرنگی از مهمترین نویسندگان فولکلور روزگار ماست. او که فقط بیست و نه سال عمر کرد.



با وجود این دیدگاه و با توجه به ترسیم تیره بختی در آثار بهرنگی، که بحق آیین تمام نمای زیست مردم آن روزگار بوده، شاید به سختی بتوان آثار این نویسنده را مختص کودکان دانست. راستش را بخواهید خود من دلم می‌خواهد دوباره و چند باره قصه‌های صمد را بخوانم اما در اینکه همه آن قصه‌ها را برای کودک مناسب بدانم، مرددم



محمد قاسم زاده تصمیم گرفت عمر، وقت، انرژی و تلاش زیادی برای مدون کردن چنین افسانه‌هایی صرف کند. اولین جلد این مجموعه سال ۱۳۹۰ و آخرین آن در سال ۱۳۹۹ و همگی توسط نشر هیرمند منتشر شد. ناگفته پیداست که قاسم زاده خیلی بیشتر از این ۹ سال برای جمع‌آوری، پژوهش و راستی‌آزمایی افسانه‌ها وقت گذاشته است



فرهنگ ایرانی
زادگاه برخی
افسانه‌های کهن
جهان است.
اگر افسانه‌ای
در این سرزمین
زاده نشده باشد،
بی‌شک در گذر از
فرهنگ ایران هم
راه خود را به سوی
سرزمین‌های دیگر
باز کرده است.
ایران واسطه میان
هند و نقاط غربی
و در گونه‌گونی و
شباهت افسانه‌ها
نقشی مؤثر
داشته. طیف
وسیع افسانه‌ها
در ایران، میراثی
گرانقدر در
فرهنگ ماست

آنچنان گستردگی دارد که می‌توان به جرأت آن را شاخه اصلی افسانه‌های عامیانه دانست؛ حتی جادو و عناصر خارق‌العاده در بسیاری موارد در خدمت مضمون عاشقانه است.

افسانه‌های ایرانی ۵ و ۶: افسانه‌های پهلوانان، عیاران، رندان

افسانه‌های ایرانی همانند آثار ادبی جلوه‌گامی است برای دل‌آوری پهلوانان و ترفندهای عیاران و رندان و شیرین‌کاری آنان، مردم در کار اینان نمودی از آرزوهای به‌بادرفته یا برنیامده خود را می‌بینند. این افسانه‌ها همراه با آثار ادبی مکتوب تعاملی چندجانبه دارند و گاه از آثار ادیبان بخشی به افسانه منتقل شده و گاه برعکس.

افسانه‌های ایرانی ۷: افسانه‌های فانتزی و تمثیلی

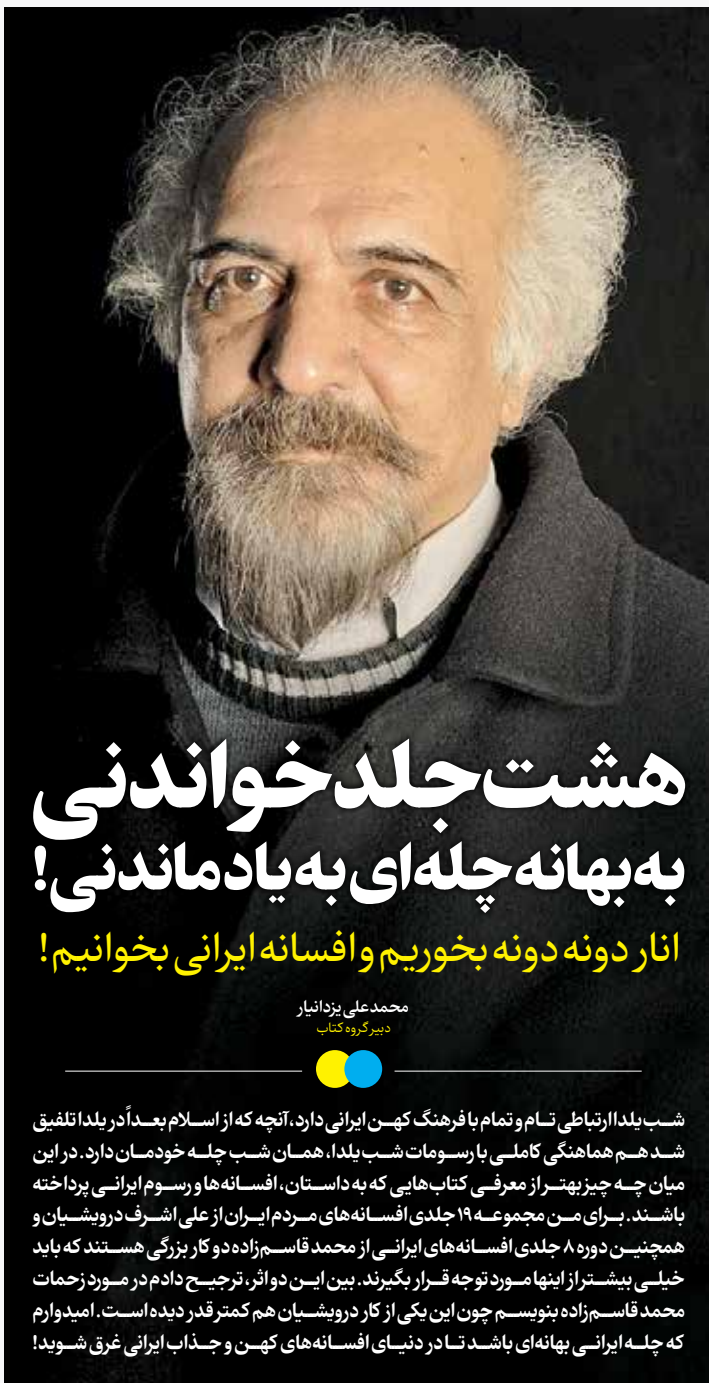
افسانه‌های تمثیلی و فانتزی بیش‌تر رویکردی به جهان کودکان دارد. این افسانه‌ها در جهانی سیر می‌کنند که واقعیت عینی کم‌تر در آن دخالت دارد، قهرمانان آنها بیش‌تر حیوانات و اشیا هستند و کودکان در این میانه جهانی رامی‌پسندند که به پویانمایی پهلومی‌زند. در جهان ماقبل مدرن، پیش از آنکه رادیو و تلویزیون به زندگی ما رسوخ کند، افسانه‌های فانتزی بیش‌ترین کاربرد را در ذهن کودکان داشت.

افسانه‌های ایرانی ۸: افسانه‌های طنز

طنز، مطایبه، هزل و هجو در ادبیات فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد. گاه مرز معنایی این مصطلحات روشن نبوده و آنها را بجای نایجاب به کار می‌بردند. اکنون هزل و هجو را برای سخن سخره‌آمیزی که بیش‌تر جنبه شخصی دارد، در سخن می‌آورند. طنز اما سخنی است که به قصد شوخی و ایجاد مطایبه به کار می‌رود. در فرهنگ عامه، بویژه افسانه‌ها همان بازتابی را دارد که در ادبیات مکتوب فارسی می‌بینیم و گاه حتی از آن هم فراتر می‌رود، چرا که فرهنگ شفاهی در ایران گسترده‌ای وسیع‌تر دارد. چه بسا سخنی را به زبان می‌آوریم که از نوشتن آن ابا داریم.

سخن آخر...

بلند نیستم چطور بنویسم که شعارزده به نظر نیاید، شما هم شعارزذکی مستتر در این سطور را ببخشید، اما لطفاً این کتاب‌ها را بخوانید. حواستان باشد که شما مادامی که با فرهنگ خودتان ارتباطی فعال داشته باشید ایرانی هستید. پس اگر ایران و ایرانی برایتان مهم است، ریشه‌هایتان را سفت بچسبید. هر کسی هر چیزی غیر از این خواست و گفت، بگوید یزدانیا! گفت این ریشه‌ها را بچسب! باقی، بقای شما تا صدها شب چله بعدی!



هشت جلد خواندنی به بهانه چله‌ای به یادماندنی!

نار دونه دونه بخوریم و افسانه ایرانی بخوانیم!

محمد علی یزدانیار
دبیر گروه کتاب

شب یلدا ارتباطی تام و تمام با فرهنگ کهن ایرانی دارد، آنچه که از اسلام بعداً در یلدا تلفیق شد هم هماهنگی کاملی با رسومات شب یلدا، همان شب چله خودمان دارد. در این میان چه چیز بهتر از معرفی کتاب‌هایی که به داستان، افسانه‌ها و رسوم ایرانی پرداخته باشند. برای من مجموعه ۱۹ جلدی افسانه‌های مردم ایران از علی اشرف درویشیان و همچنین دوره ۸ جلدی افسانه‌های ایرانی از محمد قاسم زاده دو کار بزرگی هستند که باید خیلی بیشتر از اینها مورد توجه قرار بگیرند. بین این دو اثر، ترجیح دادم در مورد زحمات محمد قاسم زاده بنویسم چون این یکی از کار درویشیان هم کمتر قدر دیده است. امیدوارم که چله ایرانی بهانه‌ای باشد تا در دنیای افسانه‌های کهن و جذاب ایرانی غرق شوید!

افسانه‌های ایرانی ۴

مضمون عاشقانه، بی‌شک هم در ادبیات رسمی و هم در افسانه‌های عامیانه مضمون اصلی به حساب می‌آید. تخیل مردم در طی هزاره‌ها و قرن‌ها این درون‌مایه را به صورت‌های گوناگون پروراند است. رگه‌ها و ریشه‌های بسیاری از آثار ادبی و عرفانی را می‌توان در افسانه‌های عامیانه پیدا کرد. افسانه‌های عاشقانه در فرهنگ ایرانی

افسانه‌های ایرانی ۳: قصه‌های پریان

افسانه‌های پریان ایرانی با گونه‌های متفاوت، سازگار شگفت‌انگیز و حضور پریان و دیوها در کنار آدمیان و تأثیر شگرف جاودانه سرزمینی خیالی را می‌ریزد که در میان سرزمین‌های جادویی افسانه‌های جهانی، برجستگی خاص خود را دارد. این افسانه‌ها نمودی ممتاز از زیست و کار مردمان ایران است.

افسانه‌های ایرانی ۲

جادو در افسانه‌های ایرانی سازگاری ویژه دارد. ذهنیت خیال‌پرداز ایرانی در این عرصه حد و مرزی نمی‌شناسد. تمام رؤیاهای مردم با بهره‌گیری از جادو صورت عینی به خود می‌گیرد و آنجا که دستیابی به این رؤیا در عرصه اجتماعی ناممکن می‌شود، در جهان جادو سهل و آسان یاب خواهد بود.

اطلاعات ویکی‌پدیایی محمد قاسم زاده

محمد قاسم زاده (زاده ۱۸ تیر ۱۳۳۴) نویسنده، پژوهشگر، رمان‌نویس و منتقد ایرانی، از اعضای بازنشسته هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و برنده ایرانی جایزه ادبی «پائولو کوئلیو» است. او پس از ورود به دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳ در این دانشگاه زبان و ادبیات فارسی خواند و در سال ۱۳۵۷ لیسانس گرفت. مدت ۹ سال از مهرماه ۱۳۵۸ تا مهر ۱۳۶۷ در قائمشهر مازندران دبیر ادبیات بود؛ در مهر ۱۳۶۴ در دانشگاه تهران، بار دیگر شروع به تحصیل کرد و در رشته ادبیات فارسی در ۱۳۶۷ فوق‌لیسانس گرفت. بعدها او به چین رفت، سپس به ایران برگشت و در مرکز تحقیقات علمی کشور مشغول به کار شد و سپس به فرهنگستان زبان فارسی رفت و پس از فراغت از آنجا برتالیف، ترجمه و پژوهش متمرکز شد.

افسانه‌های ایرانی از کجا آمد؟

از آنجایی که محمد قاسم زاده تصمیم گرفت عمر، وقت، انرژی و تلاش زیادی برای مدون کردن چنین افسانه‌هایی صرف کند. اولین جلد این مجموعه سال ۱۳۹۰ و آخرین آن در سال ۱۳۹۹ و همگی توسط نشر هیرمند منتشر شد. ناگفته پیداست که قاسم زاده خیلی بیشتر از این ۹ سال برای جمع‌آوری، پژوهش و راستی‌آزمایی افسانه‌ها وقت گذاشته است. هر جلد از این مجموعه موضوعی خاص دارد، این گونه هم نیست که همه جلد‌های آن برای مخاطب کودک و نوجوان هم مناسب باشد. در ابتدای هر جلد و در مقدمه‌ای اهمیت، تاریخچه و موضوع کتاب مورد بررسی قرار گرفته است و توضیحاتی در مورد آن داده شده است. ما با استفاده از اطلاعات این مقدمه‌ها هر جلد را به صورت کوتاه برای شما معرفی خواهیم کرد.

افسانه‌های ایرانی ۱

فرهنگ ایرانی زادگاه برخی افسانه‌های کهن جهان است. اگر افسانه‌ای در این سرزمین زاده نشده باشد، بی‌شک در گذر از فرهنگ ایران هم راه خود را به سوی سرزمین‌های دیگر باز کرده است. ایران واسطه میان هند و نقاط غربی و در گونه‌گونی و شباهت افسانه‌ها نقشی مؤثر داشته. طیف وسیع افسانه‌ها در ایران، میراث گرانقدر در فرهنگ ماست.



یلدا و زمستان در شعر و ادب فارسی

به مناسبت شب یلدا گزری در ادبیات کلاسیک زیبای فارسی

ریحانه میرحسینی
کارشناس ارشد ادبیات

آنقدر یلدا و مضامینی که از آن در ادب فارسی کلاسیک و حتی معاصر سرورده اند بسیار است که نمی توان در چند خط به آن پرداخت و این نشان از آن دارد که شاعران و ادبا چقدر به یلدا و شب یلدا توجه داشته اند. در اینجا اشاره ای کوتاه به شب چله، شب یلدا و حضور یلدا در ادب فارسی می کنیم و چند بیت از شاعران معروف را می خوانید.



در شعر و ادب کلاسیک و حتی معاصر فارسی، از واژه یلدا بسیار استفاده شده و شاعران در موقعیت های بسیاری مثل طولانی بودن شب های فراق، زلف معشوق که بلند و سیاه است یا نمونه های دیگری که در ادامه می آورم از یلدا و شب یلدا استفاده کرده اند

این شادی شریک می کردند. در نتیجه به مبارکی روزی که خورشید از چنگ شب های اهریمنی نجات پیدا می کند آن را جشن گرفته و روزی مقدس برای مهر پرستان است. در چند دهه اخیر این رسم آمده که در شب یلدا هنگامی که همه خانواده در کنار یکدیگر جمع شده اند

بوده حتی کشاورزان هم در این روز چون پایان برداشت محصول صیفی و شروع فصل استراحتشان بود شاد بودند و همه را نیز در

چرا شب چله؟

شب چله یکی از جشن های باستانی ایرانیان است که نسل به نسل منتقل شده و تا به امروز هم عده بسیاری آن را برگزار می کنند. ولی معنی اصلی که چرا به آن شب چله می گویند این است که چله، زمان اول ماه زمستان یعنی ماه دی است که چهل روز به دراز می کشد و به آن چله بزرگ می گویند. این جشن که سابقه کهن دارد حتی در شاهنامه فردوسی هم به اعتقاد بعضی ها اشاره ای به آن شده، فردوسی به هنگامی که روز اول ماه دی است به خودش می گوید فعلاً یک امشب شب را دست از سرایش شاهنامه بکش و به شادی مشغول شو:

شب اورمزد آمد از ماه دی

ز گفتار بیاسای و بردار می

در متون کهن ممکن است شواهد بسیاری از شب یلدا و یا جشن و آیین نباشد و اینها از قرن دهم به بعد مشاهده می شود. رسوم بسیار زیبایی که در آخرین روز از فصل پاییز و اغلب در خانه بزرگ خانواده برگزار می شود. این شب باعث جمع شدن همه خانواده در کنار یکدیگر شده و رسم است که از کرسی استفاده می کردند و می بینید که چقدر رنگ سرخ به چشم می خورد. چرا؟ چون روز زایش و تولد خورشید است به همین دلیل اغلب این رنگ استفاده و شکوهی مانند خورشید به مجلس می دهد.

شب یلدا و قدمت آن در میان ایرانیان

یلدا بلندترین شب سال، نام دیگری است که ایرانیان برای شب چله انتخاب کرده و به کار می برند. این واژه یعنی یلدا، ریشه سریانی دارد و به معنی ولادت خورشید است. روایت های بسیار زیادی از این شب وجود دارد ولی یکی از معروف ترین آنها این است که پیشینیان در پایان این شب طولانی، که در بیشتر نقاط ایران که در آن مراسمی انجام می شود، به شادی می پردازند زیرا به این اعتقاد داشتند که نامبارک و شوم بوده و حالا که این شب دراز می رود و تاریکی قرار است شکست بخورد و روشنایی خورشید پیروز شود، به جشن و سرور مشغول می شوند. در این جشن بزرگ که خورشید متولد می شود و آیین ها و فرهنگ های بسیاری از سرزمین های کهن از آن به عنوان آغاز سال نو هم یاد می کنند، از قدیم رسوم بسیاری برای برگزاری آن در میان مردم، پادشاهان و ... رایج



در چند دهه اخیر این رسم آمده که در شب یلدا هنگامی که همه خانواده در کنار یکدیگر جمع شده اند تقالی هم به دیوان حافظ زده شود.

چه رسمی از این پسندیده تر و نیکوتر؟ در شب یلدا صدای خواندن غزلیات دیوان حافظ، خانه ها را رنگین تر کرده و انس و الفت بیشتری در بین خانواده ها و ادبیات فارسی رونق می گیرد

تقالی هم به دیوان حافظ زده شود. چه رسمی از این پسندیده تر و نیکوتر؟ در شب یلدا صدای خواندن غزلیات دیوان حافظ، خانه ها را رنگین تر کرده و انس و الفت بیشتری در بین خانواده ها و ادبیات فارسی رونق می گیرد.

واما برسیم به یلدا و ادب فارسی

در شعر و ادب کلاسیک و حتی معاصر فارسی، از واژه یلدا بسیار استفاده شده و شاعران در موقعیت های بسیاری مثل طولانی بودن شب های فراق، زلف معشوق که بلند و سیاه است یا نمونه های دیگری که در ادامه می آورم از یلدا و شب یلدا استفاده کرده اند. قبل از آوردن نمونه هایی از شعرهای بسیار زیبای کلاسیک ادب فارسی، لازم است به پیشینه آن هم اشاره ای شود تا بدانید از چه زمانی پای یلدا به شعر فارسی باز شده است.

نخستین باری که واژه یلدا در متون ادب فارسی کاربرد پیدا کرد به نیمه نخست سده پنجم هجری می رسد. استفاده از این واژه در سده پنجم و ششم نشان از این دارد که ادبا و شعرا یلدا را شب میلاد حضرت مسیح (ع) و همچنین بلندترین شب سال می دانستند. اکثر شاعران با یلدا و شب یلدا شعر گفته اند ولی در این میان غزلیات حافظ و سعدی شناخته شده تر است مانند این بیت از حافظ:

صحبت حکام ظلمت شب یلداست

نور ز خورشید جوی بو که برآید

که به تاریکی شب یلدا اشاره دارد. یا صائب تبریزی که در عاشقانه ترین حالت ممکن این بیت را گفته است:

شد دام زیر خاک ز گرد و غبار

زلفی که بود از شب یلدا بلندتر

شاعران معروف دیگری مانند منوچهری، انوری، خواجه کرمانی هر کدام به نوعی از یلدا استفاده کرده و شعر گفته اند و در همه قرن ها و سبک ها آن را می بینیم. شب یلدا را شاعرانی مانند: ناصر خسرو، عطار نیشابوری، امیر معزی، رشیدالدین وطواط در برابر شب قدر آورده اند. امیر معزی می گوید:

ایزد دادار مهر و کین تو گویی

از شب قدر آفرید و از شب یلدا

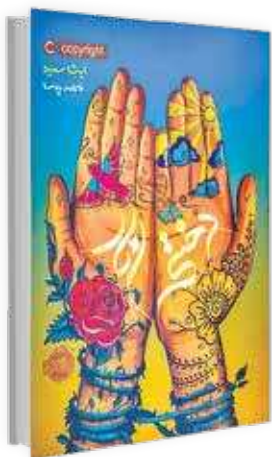
در مثنوی عاشقانه گل و نوروز که جلال طبیب شیرازی در سال ۷۳۴ قمری آن را سرود، یلدا نام عیار سیه رویی است که گل و نوروز را پس از فرارشان از کاروان گرفتار می کند و به نزد خاقان چین می برد.

و در نهایت می توان گفت در ادب فارسی نه تنها شب های هجران در تیرگی و درازی به شب یلدا تشبیه می شد بلکه زلف و موی یار هم شاعرانی مانند: صائب تبریزی، عبید زاکانی و ابن حسام خوسفی در سیاهی و درازی به شب یلدا همانند کرده اند. با بیتی از سعدی شیرازی صحبت را به انتها می برم و شب یلدا را سرشار از نیکی برای شما آرزو مندم.

هنوز با همه دردم امید درمانست

که آخری بود آخر شبان یلدا را

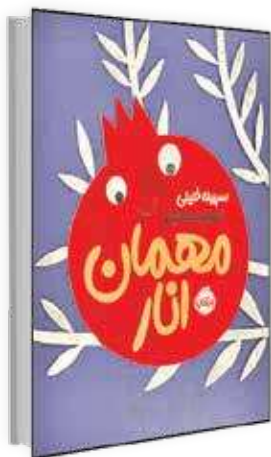




به تلخی دوری به شیرینی انار

«دخترانار» تجربه ای خواندنی
در قلب پاکستان

ریحانه عارف نژاد
خبرنگار



میهمان اناری در میهمانی اناری

قصه خانواده دانه های انار
در یک شب سرد طولانی

زهرابزرگ زاده
روانشناس کودک

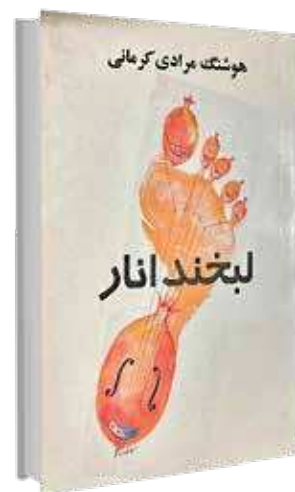


صد دانه یا قوت شب یلدا با کتاب های اناری

مریم رحیمی پور
معلم

در کتاب «شاگرد ته کلاس» یک دانش آموز سوریه ای به کلاس دانش آموزان انگلیسی می رود. همکلاسی هایش برای اینکه بتوانند او را خوشحال کنند، تصمیم می گیرند به او چیزی هدیه بدهند که یادآور سرزمینش باشد. پس تصمیم می گیرند که یک «انار» پیدا کنند. ماجرای جست و جوی انار بخش کوچکی از این کتاب است، خود کتاب هم نخواندنی است و داستان و محتوای چندان جذابی ندارد (چندین شماره پیش هم در یادداشتی مفصل در مورد این صحبت کردیم که چرا نباید این کتاب را بخوانیم). اما همین قسمت مربوط به انار همیشه در ذهن من مانده است. اینکه انار در انگلستان چیزی شبیه پشن فروت در ایران است. بچه ها برای پیدا کردن یک دانه انار مجبور می شوند به یک بازار دور دست بروند و در نهایت اناری گیرشان می آید که کوچک و

چروکیده است. در حالی که ما چند هزار کیلومتر این طرف تر هر پاییز را با صد دانه یا قوت تجربه می کنیم. برایش شعر می گوئیم و حتی در شب یلدا لباس هایی می پوشیم که شبیه انار است. حالا که دوباره یلدا رسیده و اغلب فروشگاه ها فضای هندوانه ای و اناری گرفتند و بعضی ها هم دارند از خودشان می پرسند: «واقعاً کسانی هستند که شب یلدا لباس یا طرح انار و هندوانه می پوشند؟» ما تصمیم گرفتیم چند کتاب اناری برای کودکان و نوجوانان، معرفی کنیم. امسال می توانیم به جای طراحی خانه با انار یا خوردن انار یا پوشیدن لباس هایی شبیه انار، کتاب هایی بخوانیم که ربطی به انار دارند. پیشکسوت این عرصه، کتاب «لبخند انار» اثر هوشنگ مرادی کرمانی است که مجموعه ای از داستان های کوتاه است. داستان کوتاه لبخند انار ماجرای گروهی از دانش آموزان قدیمی را روایت می کند که برای تجلیل از ناظم دوران مدرسه خود کنار هم جمع شده اند و همه آنها خاطره ای از ترکه اناری دارند که ناظم برای تنبیه بچه ها از آن استفاده می کرده است. فضای داستان ها مانند باقی آثار مرادی کرمانی طنز و ساده است و به همین خاطر برای نوجوانان و جوانان قابل فهم دارد اما در کنار این نکته باید توجه کرد که فضای داستان های این نویسنده برای بچه های امروز تا حدی ناملموس و درک نشدنی است. مثل تصویر ناظمی که خیلی رسمی و جدی بچه ها را با ترکه انار می زند اما می شود به همین بهانه با آنها در مورد نوجوانی نسل های قبلی صحبت کرد. از طرفی طنز موجود در داستان های مرادی کرمانی مناسب یک شب و شب نشینی طولانی، آن هم در شبی که اغلب چیزها طرحی از انار دارند، مانند جلد روی این کتاب.



احتمالاً اسم پاکستان ما را بیشتر یاد محصولاتی مثل موز و انبه و ادویه می اندازد. تصورات خودم هم از این کشور خلاصه می شد به چیزهایی که قبلاً از دوستان پاکستانی می شنیده بودم. راستش را بخواهید، اصلاً فکر نمی کردم که کتابی در آن حال و هوا را بپسندم. ولی «دختراناری» از چیزی که منتظرش بودم تجربه جالب تری بود؛ داستانی دخترانه در محیطی کاملاً متفاوت و جدید. امل، اولین دختر خانواده ای پرجمعیت است که در روستایی کوچک در پاکستان زندگی می کند. دختر بزرگ خانه، به ناچار باید بخش زیادی از کارهای منزل را به عهده داشته باشد. خصوصاً وقتی مادرش بچه دیگری به دنیا می آورد که در کمال تأسف بزرگترها، پسر نیست. امل اهل دنیای کتاب هاست و عطش آموختن رهاش نمی کند. ولی با متولد شدن نوزاد، ناچار است مدرسه را رها کند تا تمام وقت به کارهای خانه برسد و در دوران نقاهت مادر، مراقب خواهرهای کوچک ترش باشد. این اتفاق از نظر او هیچ منفصانه نیست و شاید اگر پسر بود، مجبور نمی شد خانه نشین شود. امل از شرایط پیش آمده متنفر است، اما خبر ندارد که همه چیز می تواند بدتر هم بشود. پدر او بدهی هایی دارد و این دختر تنها راه صاف شدن بدهکاری های او به ثروتمندترین و با نفوذترین خانواده منطقه است. حتی اگر امل از خانه و کسانی که دوستشان دارد دور دورتر شود، نباید امیدش را به راحتی از دست بدهد. همانطور که خودش می گوید، اگر همه باور کنند که اوضاع همیشه یکسان خواهد بود، هیچ وقت تغییری ایجاد نمی شود. امل جرأت و جسارت انجام خیلی کارها را دارد و حتی با وجود ترس و تردید، شجاعانه مقابل خطرناک ترین افراد قرار می گیرد. دختر اناری، کتاب خوشخوان و سریعی است که باعث می شود به رؤیاهایتان جدی تر فکر کنید و از داشته هایتان لذت ببرید. همانطور که انار به امل امید تازه می دهد و کاهش را بعد از تلخی ها شیرین می کند.

شب یلدا، طولانی ترین شب سال است که در دل خود پیوندی کهن با کتاب و کتابخوانی دارد. حافظ خوانی و شاهنامه خوانی این شب تاریک و بلند را روشن و کوتاه می کند. اما بچه ها هم در بین بزرگ ترها شب را سحر می کنند و چه خوب می شود اگر مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها برای بچه ها هم قصه تعریف کنند یا کتاب بخوانند. کتاب های بازویسی شده ادبیات کهن برای کودکان، کتاب های مناسبی برای خواندن در شب نشینی یلدا هستند اما اغلب برای سنین بالاتر از ۴-۳ سال مناسبند. در این نوشتار می خواهم کتاب «میهمان اناری» را برای کودکان این سنین معرفی کنم.

این کتاب را سفید خلیلی نوشته و انتشارات پرتقال آن را به چاپ رسانده است. داستان میهمان اناری، داستان کرم سفیدی است که شب سردی داخل اناری می شود. مادر انارها نگران می شود و می خواهد کرم سفید را بیرون کند اما دانه های انار دلشان می سوزد و او را بین خودشان جا می دهند... جان بخشی به میوه ها اغلب برای کودکان خیلی جالب و قابل درک است. میل کردن انار و شنیدن یک داستان اناری از زبان مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها در طولانی ترین شب سال در زیر کرسی قطعاً تجربه ای لذت بخش خواهد بود. امیدوارم تجربه شب نشینی شیرین و پر خاطره ای در کنار خانواده داشته باشید.

داستان میهمان اناری، داستان کرم سفیدی است که شب سردی داخل اناری می شود. مادر انارها نگران می شود و می خواهد کرم سفید را بیرون کند اما دانه های انار دلشان می سوزد و او را بین خودشان جا می دهند...

حتی اگر امل از خانه و کسانی که دوستشان دارد دور و دورتر شود، نباید امیدش را به راحتی از دست بدهد. همانطور که خودش می گوید، اگر همه باور کنند که اوضاع همیشه یکسان خواهد بود، هیچ وقت تغییری ایجاد نمی شود.



زندگی

معرفی رصدخانه‌های باستانی و امروزی

گردش لیل و نهار، از گذشته تا امروز

عطیه عطار
نویسنده

یک سیارک را به نام او کرد. در متون اروپایی او را به نام آزوف (Azof) می‌شناسند. صوفی در شیراز به خاک سپرده شده اما متأسفانه محل دفن او مشخص نیست.



منجمی باید که اسطرلاب بداند

اولین ابزار مکانیکی ساخته دست بشر برای نظاره اجرام و کواکب آسمان اسطرلاب است. این روزها این کلمه در ترکیب «رمل و اسطرلاب» تداعی گر فالگیری و کلاهبرداری است. اما در واقع یکی از قدیمی‌ترین ابزار علمی ساخته ایرانیان است برای محاسبات پیچیده نجومی. اسطرلاب در شاهنامه و دوران جمشید آمده که با آن همه دنیا را می‌دیدند و از همه چیز آگاه می‌شده است. این ابزار در طول قرون به مرور تکمیل و پیشرفته شد. از جمله کسانی که در این راه نقش بسزایی داشتند، خواجه نصیرالدین طوسی و عبدالرحمان صوفی بودند. جالب است بدانید واژه اسطرلاب کاملاً فارسی است. زبان‌شناسان آن را ترکیبی از دو واژه «استاره/ استاره» به معنی ستاره و «لابیدن» مصدری پارتی به معنی تابیدن می‌دانند. یعنی در واقع نامش «استاره‌لاب» یا «ستاره‌یاب» است. اسطرلاب عربی شده این ترکیب فارسی است.

مسلمانان با این ابزار ایرانی در قرن دوم هجری آشنا شدند. همچنین در قرن نهم هجری به اروپا راه یافت و کم‌کم از ابزاری خاص دانشمندان به وسیله‌ای در دست عموم مردم تبدیل شد که برای تعیین وقت روزانه، تعیین جهت قبله یا پیدا کردن موقعیت کشتی در سفرهای دریایی استفاده می‌شد.

با این قدمتی که از اسطرلاب سراغ داریم، دیگر چیز عجیبی نیست که بدانیم مثلاً سه هزار سال قبل، مردم ایران باستان، بلندترین شب

اسطرلاب را کامل معرفی کرد و در همان کتاب به گردش زمین به دور خودش اشاره کرده است. پس از رصدخانه اصفهان، رصدخانه مراغه به همت خواجه نصیرالدین طوسی در قرن هفتم و در دوران هلاکوخان مغول ساخته شد. اقدامات خواجه نصیرالدین آنقدر مهم بود که سال ۱۹۷۹ سیارکی تازه کشف‌شده به نام او شد.



ما چون صوریم که اندر او گردانیم

۱۵ آذر ۲۸۲ خورشیدی در شهری دانشمند نابغه‌ای به دنیا آمد که به «عبدالرحمان صوفی رازی» معروف شد. جناب صوفی با امکانات قرن چهارم هجری (ششم میلادی) اجرامی را در آسمان کشف کرد که اروپایی‌ها تا قرن شانزده ندیده بودند. یکی از آنها پدیده‌ای است که الان به «ابرمائزلان» معروف است چون دریا سالار مائزلان آن را در سفر دریایی خود دیده بود. صوفی در سفر به یمن آن را کشف کرده و نامش را «البکر» گذاشته بود. همچنین اولین کسی بود که کهکشان «زن در زنجیر» (الان می‌گویند آندرومدا) را کشف کرد.

او در دوره آل بویه به رصدخانه شهر گور فیروزآباد (استان فارس فعلی) رفت و در آنجا رساله‌های دانشمندان یونانی مثل بطلمیوس را ترجمه کرد. رصدهایش را خود شخصاً انجام می‌داد. برای همین نظرات و کشفیاتش دقیق بود. از معروف‌ترین کتاب‌هایش «صورالکواکب» است. ابوریحان بیرونی در کتاب قانون مسعودی خود گفته صوفی از بطلمیوس هم بهتر و بالاتر بود. کتاب‌های صوفی را بعدها خواجه نصیرالدین طوسی به فارسی ترجمه کرد و در دنیا هم محل ارجاع دانشمندان قرن‌های بعدی بود. اهمیت کارهای او در حدی بود که انجمن بین‌المللی نجوم یکی از دهانه‌های ماه

می‌کرد و از همه وقایع جهان آگاه می‌شد، اشاره به ابزاری برای رصد آسمان داشت که امروزه آن را به اسطرلاب می‌شناسیم. حتی در آیین‌های غیروحدانی ایرانی مثل میترائیسم، میترا خدای خورشید بود. در روایت‌ها آمده که زرتشت پیامبر، خود ستاره‌شناس بود و دامادش جاماسب حکیم از ستاره‌شناسان سرآمد روزگار به حساب می‌آمد. رد بررسی گردش کواکب و استفاده از آنها برای تعیین فصل‌ها و ماه‌ها و روزها را می‌توان در رسوم بجا مانده مثل جشن سده، مهرگان یا یلدا دید.

این علم در طول زمان تکمیل و به روز می‌شود تا به دوران خسرو انوشیروان، از بزرگترین شاهان ساسانی می‌رسد. در زمان وی یکی از معروف‌ترین «زیج»‌ها تهیه شد. زیج‌ها جدول‌هایی برای بررسی سیاره‌هاست و دانشمندان قرون بعدی برای مطالعه همواره به آنها مراجعه می‌کردند. پس از ساسانیان و در دوره اسلامی ایران، بسیاری از دانشمندان ایرانی به واسطه ارتباط ایجاد شده بین شرق و غرب، رساله‌های دانشمندان هندی و یونانی را ترجمه کردند. برای همین در حوزه‌های مختلف از جمله نجوم و ستاره‌شناسی رویکرد ایرانی‌ها دقیق‌تر و علمی‌تر شد.

در دوره عباسیان (قرن سوم) دانشمندان معروفی مثل خوارزمی، علم نجوم را بر پایه نوشته‌های بطلمیوس و منجمان ایرانی پیش از اسلام جلو بردند. در قرن چهارم، عضدالدوله دیلمی رصدخانه‌های متعددی در ایران ساخت که یکی از آنها در شهر گور فیروزآباد در اختیار عبدالرحمن صوفی بود. زمان ملک‌شاه سلجوقی یکی از نخستین و بزرگترین رصدخانه‌ها در اصفهان ساخته شد. حکیم عمر خیام در همین رصدخانه مشغول کار بود و گاهنامه جلالی را تدوین کرد. از دیگر دانشمندان مشهور این دوره ابوریحان بیرونی بود که در یکی از آثارش

از قدیم گفته‌اند «گیرم پدر تو بود فاضل / از فضل پدر تو را چه حاصل». اما گاهی پدرهای ما طوری افتخارآفرینی کرده‌اند که اصلاً نمی‌شود از کنارش راحت گذشت. چون، علاوه بر اینکه پایه‌ای برای پیشرفت‌های بعدی نوع بشر فراهم کرده‌اند، بلکه خود ما نیز در زندگی روزمره و لحظه لحظه آن از فضل آنها بهره‌مندیم. یکی از این فضایل علم نجوم است. ایرانی‌ها از دوران باستان در نجوم سرآمد بوده‌اند. این دوران باستان که می‌گوییم یعنی چیزی حدود هشت هزار سال قبل!



با هفت هزار سالگان بسر بریم

۱۵ آذر روز تولد یکی از بزرگترین منجمان ایران بود. شب یلدا هم که یکی از شاهکارهای ستاره‌شناسی ایران است. این دو مناسبت فرصت خوبی بود تا به بررسی تاریخ علم نجوم در ایران، دانشمندان این حوزه و همچنین آثار بجا مانده از آنها بپردازیم و ببینیم این هشت هزار سال سابقه از کجا شروع شده و چه کسانی در این سال‌ها نام ایران را بالا برده‌اند.



آن قصر که جمشید در او جام گرفت

از نظر تاریخی، بابلی‌ها (در عراق فعلی) مبدع علم ستاره‌شناسی محسوب می‌شوند. آنها صور فلکی را بررسی می‌کردند تا بتوانند آینده را پیش‌بینی کنند. در آیین ایران باستان آسمان محل حضور اهورامزدا و فرشتگان مقربش (امشاسپندان) است. برای همین علوم مربوط به افلاک و اجرام آسمانی را از بابلی‌ها آموختند. اگر به سلسله کیانی که در شاهنامه اولین سلسله بشری هستند نگاه کنیم، سابقه ستاره‌شناسی در ایران را می‌بینیم. «جام جم» یا جام جهان‌نمایی که جمشید در آن نگاه



۱۵ آذر ۲۸۲ خورشیدی در شهری دانشمند نابغه‌ای به دنیا آمد که به «عبدالرحمان صوفی رازی» معروف شد. جناب صوفی با امکانات قرن چهارم هجری (ششم میلادی) اجرامی را در آسمان کشف کرد که اروپایی‌ها تا قرن شانزدهم ندیده بودند.



رصدخانه بیرجند (دکتر مجتهدی)

به خاطر دوری این مجموعه از شهر و روستاها، آسمان کویری و پرستاره بیرجند و درصد بخار کم منطقه، این رصدخانه یکی از بهترین مکان‌ها برای بررسی علمی و همچنین زمانی نامزد احداث رصدخانه ملی بوده است.



رصدخانه فسا

در ابتدا یک مجموعه‌ای کوچک و محدود بود. اما به مرور با علاقه‌ای که مراجعان و مردم نشان دادند گسترش پیدا کرد و در حال حاضر، بزرگ‌ترین رصدخانه آماتوری جنوب ایران است. پس اگر در این شهر هستید یا امکان مسافرت دارید حتماً از امکانات آن استفاده کنید. سال ۱۳۸۷، گروه رصدخانه فسا به عنوان قوی‌ترین گروه رؤیت هلال ماه در کشور معرفی شدند و در همین زمینه رکورد جهانی هم ثبت کرده‌اند.



رصدخانه آلاشت

تنها رصدخانه شمال ایران است که در ارتفاع ۱۸۱۵ متری از سطح دریا ساخته شده و بلندترین رصدخانه ایران است که از سه طرف به پرتگاه می‌رسد و تنها از یک طرف به دامنه کوه می‌رسد. برای همین دسترسی به آن فقط با پای پیاده و بعد از کوهنوردی ممکن است.

شد. این مجموعه در ۳۳ کیلومتری جنوب غرب کاشان در ارتفاع ۳۶۰۰ متری قله گرگش از رشته‌کوه‌های کرکس احداث شده است. تلسکوپ آن بزرگترین تلسکوپ ایران است و بلافاصله پس از آغاز به کار با فعالیت‌های خود تحسین اهالی نجوم را برانگیخت.



رصدخانه ابوریحان بیرونی

در میان رصدخانه‌های عصر جدید ایران قدمت بیشتری دارد. سال ۱۳۵۵ در شمال شیراز ساخته شد و متعلق به دانشگاه شیراز است. همچنین پس از رصدخانه مراغه، دومین رصدخانه بزرگ کشور محسوب می‌شود.



رصدخانه کاسین

مدرن‌ترین رصدخانه غرب آسیا در شهر خرم‌آباد خودمان است. جذاب‌ترین جای این سازه برای عموم مردم، آسمان‌نماست که همه علاقه‌مندان به اسرار آسمان می‌توانند در آن از رصد گنبد آبی لذت ببرند.



رصدخانه خواجه نصیرالدین طوسی

بزرگ‌ترین رصدخانه فعال ایران است که در ۴۵ کیلومتری تبریز و در ارتفاعات کوه سهند ساخته شده است.



رصدخانه کاشان

قرن‌ها پس از قتل غیاث‌الدین جمشید کاشانی، منجم بزرگ ایرانی، دوباره در کاشان رصدخانه‌ای به نام او احداث شد. این رصدخانه با تجهیزات بالا در اختیار دانشگاه کاشان است.

طوسی در قرن هفتم هجری ساخته شد. زمانی این رصدخانه بزرگ‌ترین رصدخانه جهان بود اما الان بخش‌های کوچکی از آن باقی مانده است. در همان دوران قدیم، الگوی ساخت رصدخانه‌های بزرگ و مهم قلمروهای دیگر شد. رصدخانه الغ بیگ در سمرقند، تقی‌الدین در قسطنطنیه و جی‌سینگ در جیپور هند تکرار رصدخانه مراغه بودند. این رصدخانه در قرن هفدهم تعطیل و به فراموشی سپرده شد.

سال ۱۳۵۱ پس از کاوش‌های باستان‌شناسی دانشگاه‌های تهران و تبریز، رصدخانه مراغه دوباره سر از خاک برآورد. برج اصلی که استوانه‌ای با قطر ۲۲ متر بود، محوطه‌هایی با سکوهاي مختلف که احتمالاً محل نصب ابزار نجوم و رصد آسمان بوده و ابزار پیشرفته‌ای مثل ذات‌الربع (دیواری به شعاع ۴۳۰ سانتی‌متر) در آنجا کشف شد. بعد از این کاوش‌ها بود که عظمت این مجموعه و همه امکانات بی‌نظیرش برای همه مشخص شد. امروزه با احداث یک سازه گنبدی محافظ روی بقایای اندک رصدخانه مراغه، از آن محافظت می‌شود.

در حال حاضر رصدخانه تاریخی درون شهر مراغه واقع در خیابان رصدخانه است و یکی از بزرگ‌ترین مراکز محاسباتی نجوم در اوراسیا محسوب می‌شود.



رصدخانه‌های مدرن

این میراث ایرانی امروزه هم اوضاع خوبی دارد. گواه آن انواع رصدخانه‌های تخصصی، آماتور و دانش‌آموزی در سراسر کشور است. چند نمونه از آنها را ببینیم.



رصدخانه ملی ایران

مکان‌یابی و ساخت این رصدخانه از دهه شصت شروع شد و برای رسیدن رصدخانه ملی به استانداردهای بین‌المللی پس از بررسی‌های زیاد، در نهایت سال ۱۴۰۰ از آن بهره‌برداری

سال را شناسایی کرده بودند و دور هم جمع می‌شدند و تا صبح در انتظار بازگشت خورشید و ارمغان نور و گرمایش می‌ماندند.



زهره و ماه در آسمان گشت پدیدی

خیلی جالب می‌شود اگر در این ایام که به نوعی بیانگر پیوند انسان ایرانی با نجوم و آسمان هاست، درباره آنها بدانیم و اگر شد برنامه‌ای بچینیم و به دیدن سازه‌های قدیمی باقی مانده یا مدرن برویم. زیرا بعضی از آنها امکان بازدید عموم را دارند.



رصدخانه شهر گور

یکی از قدیمی‌ترین و شاید اولین رصدخانه پیشرفته ایران در زمان خود، در استان فارس امروزی و در شهر گور فیروزآباد بنا شده بود. در کاوش‌های باستان‌شناسی این شهر سازه‌ای دایره‌ای شکل پیدا شد که بررسی‌های نشان داد رصدخانه بوده است. زمان ساخت این سازه به دوران ساسانی و سیمصد سال پیش از رصدخانه مراغه می‌رسد. شهر گور در دوران اردشیر بابکان ساخته شد و تا دوران عضدالدوله دیلمی (قرن چهارم هجری) اهمیت زیادی داشت. در دوره دیلمی هاشم‌گور که به فیروزآباد تغییر نام داده بود، مرکز علوم ستاره‌شناسی دوران بود. در همین دوران این رصدخانه ساخته شد و مدیریت آن به عبدالرحمن صوفی سپرده شد. در حال حاضر از این شهر باستانی جز خرابه‌هایی بیش برجا نمانده است.



رصدخانه اصفهان

رصدخانه اصفهان یا ملک‌شاه همان‌طور که از اسمش پیداست در دوران ملک‌شاه اول سلجوقی (قرن پنجم هجری) بنا شد. ملک‌شاه و وزیرش خواجه نظام‌الملک با احداث این رصدخانه از خیام دعوت کردند تا تقویم رایج آن روزگار را اصلاح کند. در نتیجه حمایت او و تحقیقات حکیم خیام، سال ۴۵۸ هجری

قمری تقویم تهیه و تنظیم شد. به خاطر نام جلال‌الدین ملک‌شاه، تقویم به گاه‌شمار جلالی معروف شد که دقیق‌ترین گاه‌شمار جهان است. خیام به مدت ۱۸ سال سرپرست این رصدخانه بود. اما پس از مرگ شاه و کشته شدن نظام‌الملک، این رصدخانه دیگر از حمایت‌های مالی و معنوی دربار برخوردار نبود و تعطیل و متروک شد.



رصدخانه مراغه

رصدخانه مراغه واقع در شهر مراغه (آذربایجان شرقی) قدیمی‌ترین رصدخانه بجا مانده ایران است. این سازه شامل یک رصدخانه، اتاقی برای استراحت و اقامت دانشمندان، کتابخانه‌ای با ۴۰۰ هزار نسخه کتاب و محوطه وسیع رصد بوده است و قدمت آن به هشتصد سال پیش و سلسله ایلخانی می‌رسد. در آن زمان، دانشمندان ایرانی در دربار مغول‌های حاکم بر ایران نقش مهمی داشتند و از حمایت آنها برای گسترش علم نیز برخوردار بودند. این رصدخانه به دستور هلاکو خان و با نظارت خواجه نصیرالدین



درباب کم لطفی ادبیات

و موسیقی و سینما در حق یلدا

برایم چه داری در این جشن ها...

سارا مؤمنی
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

در آن نوشتنم و گفتم جمع در نهایت با آنها همراه شد و لبخند روی لب همه نشست. این همان پذیرش است؛ پذیرش هویت ملی فرهنگی متفاوت، وقتی که عقل و منطق، مطلوب بودن آن را درک کند، می پذیرد. حالا برگردیم به کشور خودمان. جایی که مثلاً جاسوئیچی و بافت و کلاه و کیف با طرح بابانوئل یا درخت کریسمس جذاب تر از انار و دانه برف و دیوان حافظ و یلدا و نمودهای بی جشن یلدا برای نوجوانان و جوانان است. این اصلاً به ماهیت جشن ها و مراسم بر نمی گردد که بخواهیم این طور توجیه کنیم که خوب، موسیقی و فیلم و مراسم غربی ها جذاب تر از موسیقی و فیلم و جشن های خودمان است. بلکه چگونگی معرفی، چگونگی نمایش و تکرار این هاست که اهمیت دارد و باعث پذیرش و درونی شدن آن می شود. اما همین مثلاً جشن شکرگزاری و کریسمس که در میان نسل جوان (و اغلب دین گریز) محبوب است؛ عمیقاً و مشخصاً برآمده از دین است. خیلی کوتاه، ماجرای جشن شکرگزاری در سریال «فرندز» را به یاد بیاورید. لبخند به لب تابان نشست و دوست دارید دوباره آن قسمت را ببینید؟ «جشن شکرگزاری» روز نیایش و شکرگزاری خدا به خاطر نعمات و برکاتی چون پایان خشکسالی است. حالا چرا و چطور ما چنین جشنی را دوست داریم و با آن ارتباط برقرار می کنیم و برای نسل جوان ما چه چیزی دارد که جشن های داخلی مان که پراز داستان و قصه و ماجراهای جذاب تر و متنوع تر است، ندارد؟ نه من نمی خواهم چیزی را تقبیح کنم و چیزی دیگر را بهتر نشان دهم، بلکه می خواهم بگویم تمام این جشن ها که برگرفته از اصالت، زیبایی و سادگی هستند، برای تمام آدم ها مطلوب هستند. فقط شکل ارائه آن هاست که باعث می شود به آنها نزدیک شد یا از آنها فاصله گرفت.

تلنگر به خواب دلم می زند...

چطور نسل جدید را متوجه جشن های داخلی کنیم؟ درباره شکل ارائه گفتم. اینکه ما در نقش والد، تولیدکننده محصول فرهنگی، کارگردان، نویسنده، ترانه سرا و غیره انتخابمان پرداختن به یک نمود از هویت مانند جشن یلدا باشد، مهم است. این هم که چگونه آن را تولید کنیم، نمایش و ارائه بدیم هم مهم است. اینکه از جشن یلدا یک تصویر یا قصه شاد، مفرح و حتی کمدی متناسب با نسل جدید تولید کنیم یا اینکه همان تصاویر سنتی و قدیمی را که خودمان بیشتر دوست داریم تولید و منتشر کنیم، با هم تفاوت دارد. نکات و توجه به جزئیات ریز برای ارائه و معرفی یک جشن فرهنگی به نوجوانان و جوانان در قالب های مختلف همان چیزی است که به آن نیاز داریم. بدون اینکه بدانیم داریم کار بزرگی می کنیم؛

ترکیبی تلویزیون دیدیم. تازگی، جذابیت و به روز شدن این جشن ها را در عصر رسانه و جهان جدید در نظر نگرفتیم و دیدیم که نسل جدید با جشنی مانند یلدا احساس نزدیکی ندارد و آن را یک میهمانی خانوادگی کسل کننده می بیند و انتخابش شرکت، لذت بردن و ساختن خاطره در آن نیست. من علت این مسأله را در یک چیز می بینم. کم لطفی ادبیات، فیلم، موسیقی و در یک کلام رسانه های داخلی در حق مراسم و جشن های فرهنگ ایرانی.

همینقدر جدی: فراغت ما، هویت ملی ما

فارغ از زبان نوشتاری و گفتاری که نمود اصلی هویت ملی هر کشوری است، جشن ها و مراسم فرهنگی که اغلب در بُعد فراغت سبک زندگی قرار می گیرند هم نمودهای دیگری از هویت ملی هستند. این طوری که مسأله فراغت امری کم اهمیت و غیرجدی دیده شده، باعث شده که به حاشیه رفته و از یک امر اجتماعی اثرگذار در فرهنگ، به یک امر فردی یا در نهایت امر خانوادگی خصوصی تبدیل شود. در حالی که در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اثرگذار است. اگر مثال بهتری پیدا می کردم به این اشاره نمی کردم؛ اما چند روز پیش کلیپی از یکی از هنرمندان ایرانی در کشوری دیگر منتشر شد که در یک میهمانی رسمی با رسوم جدی و سخت حضور داشت و به ناگه بلند شد و گفت: من می دانم که این رسوم شما بسیار محترم است، اما شما هم با رسوم ما آشنا شوید و همزمان با دو ایرانی دیگر شروع به خواندن یک ترانه ایرانی سنتی کردند. نمی خواهم وارد این مبحث حاشیه ای بشوم که آیا این کار درست بود یا نه، مسأله ام مواجهه آدم ها با آن است. جمع حاضر در ابتدا کم و سخت مایل به همراهی بود، اما در نهایت همراه شد و لبخند روی لب همه نشست. نکته اینجاست که سادگی، زیبایی و اصالت اغلب پذیرفته می شود؛ چیزی که در بسیاری از جشن ها و نمودهای فرهنگی ما وجود دارد. اما چرا و چطور نسل جدید مان با این جشن ها و مشخصاً جشن یلدا ارتباط برقرار نمی کند؟

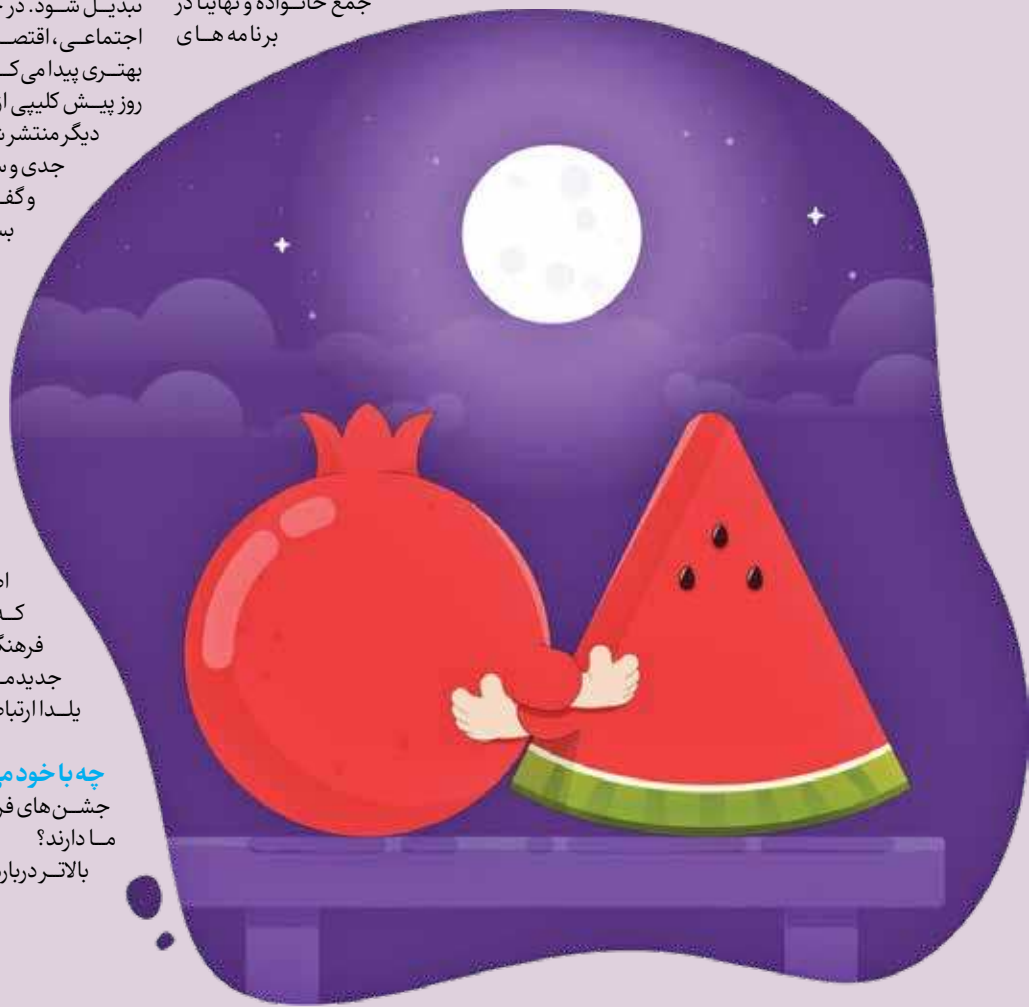
چه با خود می آوری در آن جشن ها؟

جشن های فرهنگی خارجی چه آورده خاصی برای ما دارند؟ بالاتر درباره یک جشن و ترانه خواندن ایرانی ها

وقتی فراغت را به عنوان یکی از ابعاد سبک زندگی می بینیم، دورهمی ها، گردش و تفریح و سفر، جشن ها، مراسم و مناسبات مختلف شادی بخش به ذهنمان می آید. اغلب از فراغت انتظار داریم برایمان شادی بخش، آرام بخش، مفرح و خاطره انگیز باشد. گفتم خاطره انگیز، یاد این افتادم که خیلی از نسل ما که مخاطب سریال ها و فیلم های سینمایی، موسیقی و ادبیات و در یک کلام رسانه جهان هستیم، جشن ها و مراسم مختلف فرهنگی آنها را بیشتر از جشن های خودمان به خاطر داریم. ما از طریق فیلم، داستان، موسیقی و غیره با چیزی به اسم جشن شکرگزاری، کریسمس و غیره آشنا شدیم، این آشنایی به قدری عمیق در مارش زده که با آن انس گرفتیم و هرچند وقت یکبار آن را مرور می کنیم. حتی از این هم بیشتر، شبیه، همراه و همزمان با مردمی که این فرهنگ به آنها تعلق دارد، این جشن و مراسم را برگزار می کنیم و سعی می کنیم لذت ببریم. در حالی که خودمان هم جشن ها و مراسم مختلفی داریم. اما آن را محصور شده در جمع خانواده و نهایتاً در برنامه های



تازگی، جذابیت و به روز شدن این جشن ها را در عصر رسانه و جهان جدید در نظر نگرفتیم و دیدیم که نسل جدید با جشنی مانند یلدا احساس نزدیکی ندارد و آن را یک میهمانی خانوادگی کسل کننده می بیند



نوجوان و جمع خانوادگی

یلدا، تماشاچی نمی خواهد

الهام اسماعیلی
نویسنده

آخرین روز فصل پاییز و کوتاه ترین روز سال را با شور و اشتیاق برای جمع شدن در کنار هم و خانواده مان آغاز می کنیم. همه بزرگترها برای این جشن، در تدارک هستند، از خرید آجیل و شیرینی و انار و هندوانه تا پختن انواع آش میوه یا رشته. در این جشنواره رنگ و خوراکی بچه ها چه جایگاهی دارند؟ کودکان مادر این شب در چه شرایطی هستند؟ بچه ها عموماً در حال تماشا هستند. در سال های گذشته - که تعداد کودک و نوجوانان فامیل زیاد بود و هر یک برای خودشان یار و یاور داشتند - به شوق دیدار هم در خانه بزرگ فامیل جمع و به بازی مشغول می شدند از بازی های حرکتی و خاله بازی تا اسم و فامیل بین نوجوان ها. اما در سال های اخیر و با ظهور پدیده تلفن هوشمند و سروکله زدن نوجوان ها با این اسباب بازی جدید، باعث شد که صدای اعتراض ریش سفیدها بلند شود که «دو دقیقه اومدیم خودتون رو ببینیم، همه ش سرتون تو گوشی بود.» بعد از این واقعه بود که برنامه جمع کردن گوشی ها در ابتدای شب و گذاشتن آن ها در یک سبد، به یکی از آیین های شب چله اضافه شد و بسیار مورد تقدیر همگان از جمله مادر بزرگ ها قرار گرفت. البته که باعث ناراحتی نوجوان ها شد. با شروع پاندمی کووید ۱۹ و تغییر در شرایط ارتباطات اجتماعی، منع رفت و آمد در سال انزوا و خانه نشینی، همین گوشی که شیبی موجب فصل بود، حالا شب یلدا بانی وصل شده بود. اعضای فامیل با تماس های تصویری با کیفیت که آن زمان خبری از فیلترهای گسترده نبود، دور هم جمع شدند و نوجوان ها با فیلترهای مختلف اینستاگرام و اسنپ چت شب خوشی را با دوستان شان در فضای مجازی گذراندند. چرا سال های کرونا، شب یلدا از دید نوجوان ها بهتر بود؟ چرا هر چه پیش می رویم برگزاری این مراسم برای کودک و نوجوان کسل کننده تر است؟ و خوشایند نیست

اما چه کنیم که این دو قطبی اتفاق نیفتد؟

می توانیم با یک شبیه سازی مثبت و کوچک، برای شب چله هم با مشورت نوجوان، تم انتخاب کنیم و از نوجوان ها یا بزرگترها بخواهیم که با آن همراهی کنند، تم هم می تواند محتوایی باشد، هم یک رنگ یا لباس خاص. گمان می کنم که بزرگان فامیل هم برای تنوع و هم دیدن نوجوانان دست همکاری به شما می دهند و برای خودشان نیز لحظات شاد و مفرحی را به وجود خواهند آورد. اگر اصل در کنار هم بودن تمام اعضای فامیل از کوچک تا بزرگ است، می توانیم با تغییر جزئی در روند اجرای مراسم و با حوصله ای بیش از گذشته، بدون نصیحت و تزریق احساس گناه به کودک و نوجوان مان، همراهی آنها را با خودمان برانگیزیم و یک خاطره خوش از دورهمی فامیل برایشان بسازیم.



اگر اصل در کنار هم بودن تمام اعضای فامیل از کوچک تا بزرگ است، می توانیم با تغییر جزئی در روند اجرای مراسم و با حوصله ای بیش از گذشته، بدون نصیحت و تزریق احساس گناه به کودک و نوجوان مان، همراهی آنها را با خودمان برانگیزیم



تمرکز و توجه نوجوان و جوان را از چیزی که به آن مشغول است

می گیریم و ارائه ای جدید برای او داریم. ذائقه سازی می کنیم و چون اصالت، زیبایی و سادگی را حفظ کرده ایم، پس پذیرفته می شویم. به این نیاز نداریم که مستقیم و جدی به آن اشاره کنیم. بلکه در سیر ماجرا، شکل، رفتار و واکنشی که نسبت به این نمود فرهنگی داریم، آرام آرام می بینیم که تمایل نوجوان و جوان به آن شکل می گیرد. حتی در ادامه و در سال های بعد دیگر مصرف کننده صرف جشن نیست، بلکه خودش هم با خلاقیت و ایده های نو دست به تولید می زند و این فرهنگ و هویت ملی را در گذر زمان حفظ می کند.

دریچه به آفاق باز می شود

یک فرصت راهبردی برای حوزه محتوا در فرهنگ و رسانه در مرورگر گوگل جست و جو کردم، کتاب ایرانی درباره یلدا، فیلم سینمایی درباره یلدا، سریال درباره یلدا، موسیقی و ترانه درباره شب یلدا. چیز دندان گیری پیدا نکردم. سعی کردم به خاطر بیاورم کدام نما، تصویر، صحنه و قصه درباره جشن یلدا بوده یا در شب یلدا اتفاقی افتاده و ادبیات ما از آن به عنوان محتوا استفاده کرده؟ متأسفانه کم و کیفش کمتر از انگشتان دست بود. باورم نشد که یک چنین فرصت راهبردی در حوزه فرهنگ داریم و از آن غافلیم؛ چیزی که کشورهای دیگر خیلی سال ها قبل به آن رسیده اند و هر طوری هست اندازه یک سر سوزن به فرهنگ و هویت خود در داستان ها و تولیداتشان اشاره می کنند و حتی دل ما را در این سوی کره خاکی می برند. اما با اینکه یک ایده خام اما غنی به نام جشن یلدا یا عید نوروز و غیره داریم، اما محتوا، تصویر، داستان، فیلم، سریال و ادبیات روشن، قابل اتکا و جدیدی از جشن یلدا نداریم. آن را در فروشگاه های آنلاین جوراب و لباس و کیک یلدا و میهمانی های خانوادگی محصور کرده ایم. منظوری این نیست که مشخصاً و مستقیماً و خیلی تیز درباره این جشن ها تولید محتوا شود، بلکه منظوری این است که مثلاً در یک سریال چند فصلی تلویزیونی یا نمایش خانگی، قصه یک قسمت مثلث در جشن یلدا پیش برود. یا در یک انیمیشن، جهان داستانی فانتزی و خیالی از جشن یلدا برای کودک و نوجوان تولید و ارائه شود. یا در مجموعه داستانی مصور یا مکتوب رمان های جذاب و مختلفی نوشته شود. یا ترانه خوان ما آلبومش را در این ایام منتشر کند و کمترین لطفش به هویت ملی، نامگذاری آلبوم یا ترانه اش به نام این جشن های فرهنگی باشد و غیره. راستش را بخواهید من ظرفیت پرداخت به جشن یلدا یا نوروز و ماندگاری آن در هر قالبی از رسانه را چیزی شبیه مجموعه هری پاتر می بینم، چیزی که حتی بین المللی شود و در کنار اینکه ما به یاد ترانه ای مرتبط با کریسمس بیفتیم، فردی در آن سوی کره خاکی را به یاد جشن طولانی ترین شب سال ما بیندازد و شوق شرکت در آن را داشته باشد. اما کودل ناغافل و بالاخواه فرهنگ و دلسوز مردم!؟

شاید امشب رسوایی بهتر از هم‌رنگ جماعت شدن باشد

شبی برای دورهم بودن

الناز موسوی یکتا
نویسنده

از بازارگردی و از این پاساژ به آن پاساژ رفتن خوشم نمی‌آید و حقیقتاً فرصتش را هم ندارم. سری به فضای مجازی می‌زنم و جست‌وجو می‌کنم پیراهن قرمز دخترانه. با سیل محتواهای تولید شده برای شب یلدا و با تم قرمز مواجه می‌شوم. اصل موضوع فراموشم می‌شود و چند ساعتی درگیر این رنگ و لعابم. ناگهان پرت می‌شوم میان خاطراتم. مانوه و نتیجه و پسر و دختر زیاد بودیم. با عقاید و علایق مختلف و گاهی متضاد با هم.

تأمین بخشی از نیازهای روزمره و موارد مصرفی خانواده مانند پوشاک و لوازم زینتی از فضای مجازی این روزها بخش جدایی‌ناپذیر زندگی همه ماست. راستش را بخواهید چند روزی است که دنبال یک پیراهن قرمز رنگ برای دخترک ۵ ساله‌ای می‌گردم که به تازگی علاقه رنگی‌اش از صورتی به قرمز تغییر پیدا کرده و نه تنها تمام نقاشی‌هایش بلکه میوه‌های قرمز را هم به لیمو شیرین و سیب زردی که محبوبش بود ترجیح می‌دهد.

می‌شود تا میوه‌های پوست‌گرفته شده‌ای که با وجود آن همه چسب و مواد برای سفت شدن روی یونولیت‌ها دیگر قابل مصرف نیستند این شب را بیشتر به نماد تجمل تبدیل کرده تا ساعتی برای دورهم بودن. همین چند وقت پیش بود که فرهنگستان زبان و ادب فارسی نماد شب یلدا را به روز ترویج فرهنگ میهمانی و پیوند با خویشان تغییر داد. از چند و چون ماجرا و حملات ایران دوستان ظاهری اصیل که گذر کنیم نامی خوب و در خور این شب انتخاب کرده‌اند. ترویج فرهنگ میهمانی و پیوند با خویشان می‌تواند با کمترین امکانات و راحت‌ترین لوازم در دسترس باشد.

در واقع شب یلدا فرصتی است برای ارتباط واقعی انسان با انسان، نه انسان با شکلک‌های مجازی، کلمات تایپ شده و فرورفتن بیشتر و بیشتر در قفس تنهایی. اما ما چقدر برای یادآوری مجدد تعاملات تلاش می‌کنیم؟ آیا غیر از این است که شب چله بیشتر تبدیل به زمان خرید کردن و فکر کردن به این شده که عناصر مصرفی بیشتری را برای اثبات مرفه بودنمان به آن بیفزاییم؟ آیا عرصه‌ای برای خودنمایی و مصرف‌گرایی نشده است؟ گاهی هم‌رنگ جماعت نشدن و رسوایی بهتر است تا در دام استفاده زیاد و نابجا از مواردی افتادن که شبی را خوب جلوه کرده و فردایی را با اندوه چه کنم چه کنم آغاز کند.

بیاید هماهنگ با داشته‌هایمان و برای زندگی حقیقی امسال را با آیین اصیل ایرانی و به دور از جنگ‌های روانی که مجازی و محتواهای زردش به خوردمان داده بگذرانیم. برای این منظور کافی است اندازه نیازمان خرید کنیم، آنچه را نیاز نیست و فراتر از مصرف ماست از سفره‌مان حذف کنیم و اجازه ندهیم شب یلدا، شب تجمل و مصرف باشد. لحظاتی که در شب چله کنار خانواده می‌گذرد، لحظه ناب اکنون و جریان زندگی است. این جریان، ساکن نمی‌شود، حفظ نمی‌شود و هرگز برای ثبت شدن در مقابل دوربین‌ها سرخم نمی‌کند. ثبت آنها در فیلترها و رنگ‌های مسطح، لحظات نابشان را در دم ذبح می‌کند. پس به جای تلاش برای گرفتن تصاویر مختلف، چیدن میزهای آن‌چنانی و نشان دادن آن به دیگران، در لحظه باشیم، تمام‌رنگ‌ها، بوها، افراد و صداها را ببینیم، لمس کنیم و بشنویم. اگر لبریز از تجربه حال باشیم، نیازی به ثبت و انتشار آنها نخواهیم داشت. در آخر، اجازه بدهیم جادوی تعامل و حفظ ارتباط کلامی با خانواده، نقش خودش را در سلامت روان ما و خانواده ایفا کند.

اصل بحث همان است که در ابتدا گفتم، دورهم بودن. بیایید واقعاً دورهم باشیم و این دور باطل را یکبار برای همیشه حذف کنیم.



اما از اواسط آذرماه هر سال یک پرسش در تمام گفت‌وگو و احوالپرسی‌های روزانه مان رد و بدل می‌شود. یلدا امسال کجایی؟ بعد قهقهه سرمی‌دادیم که چه سؤال بی‌جایی. ما هر سال طبق یک قانون نانوشته از حوالی ۹ شب خانه عمومی بزرگم که خدا قرین رحمتش کند جمع می‌شدیم. بی‌دعوت و تم و لباس قرمز و میزهای رنگی...

این قانون نانوشته این طور بود که هرکس هر چیزی که می‌خواهد خانه خودش بخورد می‌زد زیر بغلش و با کوچک و بزرگ خانواده‌اش می‌آمد به جایی حوالی مرکز شهر. زن عمو بدون اینکه آمارگیری بگیرد از تعداد نفرات از صبح خورش بادمجان خوش‌رنگ و لعابش را در دیگ بزرگ باری می‌گذاشت. ران و سینه‌های مرغ را تکه می‌کرد و به روش خودش به دوست‌داشتنی‌ترین زرشک‌پلو با مرغ جهان تبدیل می‌کرد. همیشه از ساعت ۶ عصر دنبال کسی بود تا برای آبکش کردن برنج به کمکش بیاید تا مبادا برنج وارفته و اوقات عمو تلخ شود.

بزرگ‌ترین عمو می‌آمد و شوهرش در دست قابلمه‌ای داشت که بیشترین حجم انار دان شده را در خود جای داده بود. دیگری می‌آمد با ظرفی پر از آجیل. کیسه‌های پر از پرتقال و سیب، ظرف‌های تزئین شده

سالاد کاهو و کلم و جعبه‌های شیرینی که هرکس با خودش می‌آورد همه را درآورده بود و در نهایت آخر شب همه چیزهایی که می‌ماند بین تمام خانواده‌ها برای بردن به خانه‌شان تقسیم می‌شد. کسی می‌آمد با تعدادی ماهی مزه‌دار شده که آماده سرخ کردن بود و جوان ترها نوشابه و دوغ به دست یک‌به‌یک از راه می‌رسیدند. چشم‌ان اشکی من و ذهن پر خاطره و دردم نمی‌گذازد بیش از این به یاد بیاورم. شب یلدا سالگرد عموست. او که می‌دانست چقدر این دورهمی برای همه ما لذت‌بخش است حتی شاید مرگش را هم جوری تنظیم کرد تا به بهانه سالگردش، هر سال دور هم جمع شویم. خاطراتم بحث را به بیراهه کشاند؛ اما نه اصل بحث همین است، دور هم بودن.

آیین ایران باستان پر است از بهانه‌های این چنینی برای دور هم بودن. اما این خاصیت مجازی است یا زمانه فخر فروشی نمی‌دانم. بیشتر این آیین‌های کهن امروزه تبدیل به دلیلی برای سوق آدم‌ها به سوی مصرف‌گرایی و ثبت تصاویری شده که هیچ روحی در خود ندارند.



میزهای یلدایی که

هر سال رنگ و رویش

باید از سال گذشته

بیشتر باشد. از انواع

دسرو شیرینی‌هایی که

در دنیای سالم خواران

امروز فقط برای عکس

و نماتهییه می‌شود

تامیوه‌های پوست

گرفته شده‌ای که با

وجود آن همه چسب و

مواد برای سفت شدن

روی یونولیت‌ها دیگر

قابل مصرف نیستند

این شب را بیشتر به

نماد تجمل تبدیل کرده

تا ساعتی برای دورهم

بودن



از رنگ ها و نمادهای شب یلدا چه می دانید؟

رنگ چشم تو راز شب یلدا

فاطمه زارع جعفری
نویسنده

شب یلدا از مهم ترین و ارزشمندترین شب ها برای ایران است و قدمت بسیار زیادی دارد. در این شب معمولاً افراد خانواده و فامیل دور هم جمع می شوند، جشن می گیرند و رسوم مخصوص این شب را بجا می آورند.

شب یلدا نمادهای خاص خود را نیز دارد که از این نمادها در تزئینات خانه ای که دورهمی یلدا در آن برگزار می شود، استفاده می گردد.

همچنین ایده های زیادی برای تزئینات یلدا وجود دارد. از سفره ها و تزئینات لوکس و گرانیقیمت گرفته تا سفره ها و تزئینات ساده و شیک، در همگی از نمادها و رنگ هایی استفاده می شود که نشان دهنده و یادآور سنت های این شب باشد. اما این نمادها و رنگ ها چه چیزهایی هستند و چگونه می توانیم با تزئیناتی متفاوت و در عین حال متناسب با یلدا، سنت های یلدایی را بجا بیاوریم؟ با ما همراه باشید تا برایتان بگوئیم!

رنگ های رایج یلدا

قرمز و سبز، رنگ های متداول در تزئینات شب یلدا هستند.

رنگ قرمز:

رنگ قرمز نماد طلوع، سحر و درخشش زندگی است و از آن جایی که یلدا جشن پیروزی نور بر ظلمت است و گرما رنگ قرمز شور زندگی را به شب بلند یلدا می آورد، این رنگ به عنوان نمادی برای شب یلدا در نظر گرفته شده است.

رنگ سبز:

رنگ سبز نیز نشانی از امید و زندگی است و در جشن یلدا که به نوعی جشن تولد نور است، به عنوان نمادی از زندگی و تولد انتخاب شده است.

نمادهای رایج شب یلدا

در جشن یلدا نمادهایی نیز وجود دارد. این نمادها اغلب خوراکی هستند و هر یک مفهوم خاص خود را دارند. در سفره های یلدا همیشه این نمادها به چشم می خورند:

انار:

انار نماد باروری، برکت و نعمت است. دانه های انار نماد زایش هستند و این میوه جایگاه خاصی در ادیان مختلف دارد. برای پربرکت شدن سفره یلدا و شادی خانواده انار را در سفره قرار می دهند.

هندوانه:

هندوانه میوه ای تابستانی و نشانی از خورشید و گرمای تابستان است. این میوه نماد عشق، آبادانی، صلح و آرامش است. پیشینیان معتقد بودند که هر کس در اول

زمستان هندوانه بخورد، تا آخر زمستان بیمار نمی شود. البته نمادهای دیگری نیز برای شب یلدا وجود دارد که به نسبت رواج کمتری دارند. سیب سرخ، خرمالو، پسته، برگه زردآلو، سنجد قرمز، کدو حلوائی، گردو... تعدادی از این نمادها هستند.

سنت های رایج شب یلدا

دورهمی های خانوادگی شب یلدا، رسوم خاص خود را نیز دارا هستند. در این شب خانواده ها دورهم جمع می شوند تا سنت ها را بجا آورند و به استقبال زمستان بروند.

شاهنامه خوانی و حافظ خوانی

یکی از اصلی ترین رسوم شب یلدا خواندن شاهنامه و گرفتن فال حافظ است. از دوران قدیم حافظ جایگاه ویژه ای در فرهنگ مردم ایران دارد و حضور او در کنار سفره یلدا و گرفتن فال، نمادی از امید و نوید روزهای روشن آینده است.

رقص و موسیقی

اجرای موسیقی و رقص های محلی در راستای جشن و شادی در شب یلدا انجام می شود. سازهایی مانند دف، تار و تنبک در این شب نواخته شده و آوازها و تصنیف های ایرانی خوانده می شوند.

چگونه یلدای متفاوتی داشته باشیم؟

شاید شما هم دیده باشید که در تزئیناتی که برای شب یلدا انجام می شود، غالباً از دو رنگ قرمز و سبز استفاده می کنند یا هندوانه و انار پای ثابت سفره های یلدا هستند. اما اگر می خواهید تزئیناتی متفاوت و متنوع داشته باشید، باید از رنگ ها و نمادهای دیگری نیز استفاده کنید تا جشن یلدا خود را خاص و متفاوت کنید.

از رنگ ها بیشتر بدانید:

درست است که قرمز و سبز رنگ های مخصوص شب یلدا هستند، اما شما می توانید از رنگ هایی متناسب با این دو رنگ نیز در تزئینات خود استفاده کنید تا زیبایی سفره و چیدمان شما چندین برابر شود.

رنگ نارنجی: این رنگ نزدیک ترین رنگ به قرمز است و درست به همان اندازه گرم و دلنشین. قرمز و نارنجی در ترکیب با یکدیگر فضایی چشم نواز به وجود می آورند.

رنگ آبی: شاید با خود فکر کنید که آبی و قرمز دو رنگ متضاد هستند. اگرچه در فرهنگ ما این مطلب درست است، اما در حقیقت آبی یکی از بهترین رنگ هایی است که می تواند در کنار رنگ قرمز به کار رود. رنگ آبی مکمل رنگ قرمز است و یک ترکیب کلاسیک و معتدل را به دست می دهد.

رنگ زرد: رنگ زرد به عنوان یکی از بهترین رنگ های پاییزی، در ترکیب با رنگ قرمز بسیار زیبا و چشم نواز می شود. هر دو این رنگ ها در یک طیف رنگی قرار دارند و می توان برای ملایم کردن این ترکیب از رنگ های خنثی مانند بژ، سفید یا مشکی در کنارشان استفاده کرد.

رنگ طلایی: ترکیب طلایی و قرمز تیره، زرق و برق سفره یلدا را بیشتر می کند و فضا را سنتی تر نشان می دهد.

رنگ خاکستری: استفاده از رنگ خاکستری به عنوان یک رنگ خنثی می تواند رنگ قرمز را برجسته تر نشان دهد. مثلاً رومیزی خاکستری، رنگ قرمز انار و هندوانه را بیشتر به چشم می آورد.

رنگ قهوه ای: رنگ قهوه ای در ترکیب با رنگ سبز نمایی زیبا به چیدمان یلدایی شما می دهد. این دو رنگ در کنار هم سرسبزی و پاییزی را به صورت همزمان نمایش می دهند.

از نمادهای ناشناخته تر استفاده کنید:

استفاده از نمادهای معروف را همه بلدند. هنر شما این است که از نمادهایی استفاده کنید که دیگران کم تر به آنها اهمیت می دهند.

آتش: آتش نماد خورشید است و پیشینیان معتقد بودند نیروهای شر را دور و پاکی را نصیب انسان می کند. نشستن دور آتش، بخاری و کرسی می تواند زیبایی خاصی به مراسم شما ببخشد. استفاده از شمع نیز این زیبایی را دوچندان می کند.

درخت سرو: درخت سرو نماد قدرت در برابر تاریکی و سرما است. این درخت نزد ایرانیان باستان مقدس شمرده می شد و نماد آزادی، پایداری و درستی نیز هست. استفاده از برگ های این درخت در تزئینات یلدایی، جشن شما را منحصر به فرد می کند.

سخن پایانی

جشن یلدا در میان ما ایرانیان اهمیت ویژه ای دارد. لذت داشتن یک شب به یادماندنی را می توانید با اندکی خلاقیت و تنوع، به بهترین شکل برای خود به ارمغان بیاورید و به نسل بعد نیز منتقل کنید. امیدواریم که در این شب سرد و طولانی به شما خوش بگذرد.



استفاده از رنگ

خاکستری به عنوان یک

رنگ خنثی می تواند

رنگ قرمز را برجسته تر

نشان دهد. مثلاً رومیزی

خاکستری، رنگ قرمز

انار و هندوانه را بیشتر به

چشم می آورد.

درخت سرو نزد ایرانیان

باستان مقدس شمرده

می شد و نماد آزادی،

پایداری و درستی نیز

هست. استفاده از

برگ های این درخت در

تزئینات یلدایی، جشن

شما را منحصر به فرد

می کند

بررسی آداب و رسوم شهرهای مختلف ایران
در شب چله

یلدا در جای ایران



شب بزرگترهای آن دو خانواده را که با هم کدورت دارند به خانه خود دعوت می‌کنند و با خوردن شام محبت، صلح را بین شان برمی گردانند.

شب بزرگترهای آن دو خانواده را که با هم کدورت دارند به خانه خود دعوت می‌کنند و با خوردن شام محبت، صلح را بین شان برمی گردانند.

مرکزی

در این شب به یادماندن در استان مرکزی، پس از صرف شام و خواندن دعای شکر پای سفره، همگان در کنار هم، از شادی‌ها و غم‌ها، موفقیت‌ها، اعتقادات، امیدها و بیم‌های شان می‌گویند. بزرگترها و ریش سفیدان فامیل در این شب علاوه بر خواندن اشعار حافظ، سعدی و فردوسی، خاطرات و داستان‌های کهن ایران زمین را برای اعضای خانواده نقل می‌کنند. در شب یلدا، بزرگترها با کودکان همبازی می‌شوند؛ پریا پوچ، دزد بازی و مشاعره از جمله بازی‌هایی است که در شب چله در مناطق مختلف استان مرکزی با مشارکت همه اعضای خانواده رواج دارد.

قزوین

در قزوین، آوردن میوه‌های مختلف خشک و تر و میوه‌های سرخ فام که به «شب چره» معروف است، همراه با خوراکی‌های دیگر شگون داشته و زمستان پربرکتی را نوید می‌دهد. مادر بزرگ‌ها سعی می‌کنند که در آوردن نقلات تأخیر کنند تا کوچکترها شعر «هر که نیارد شب چره، انبارش موش بچره» سر دهند و بعد از آن مادر بزرگ در آوردن «شب چره» تعجیل می‌کند. به عقیده مادر بزرگ‌های قزوینی اگر در این شب، ننه سرما گریه کند باران می‌بارد، اگر پنبه‌های لحاف بیرون بریزد برف می‌آید و اگر گردنبند مراوریدش پاره شود تگرگ می‌آید.

شیراز

شب یلدا شیرازی‌ها هم با جمع شدن افراد فامیل شروع می‌شود و با خوردن میوه و آجیل‌های مخصوص که از انجیر، قصبک، خرک و برنجک تشکیل شده است شب را به نیمه می‌رسانند. فال کلوک هم از واجبات دوره‌می یلدا شیرازی‌هاست. کلوک یک کوزه بزرگ با دهانه گشاد است که در این شب خانم‌ها، نشانه خاصی را در کوزه می‌اندازند و سپس یک دختر بچه می‌آید و نشانه‌ای را از داخل کوزه خارج می‌کند و سپس فردی به صورت فال، شعری از حافظ می‌خواند. هر کس از شعری که برایش خوانده شده متوجه فالش می‌شود.

اصفهان

در اصفهان، پهن کردن تمام البسه و رختخواب‌ها در هوای آزاد بویژه مقابل خورشید با هدف خوش آمدگویی به «عمو چله» و «چله زری» است. یعنی شب چله را به دو بخش «چله زری» و «عمو چله» نام گذاری می‌کنند، دلیل این نام گذاری به این خاطر است که از گذشته‌های دور تاکنون، همه موجودات و اشیا را بر اساس جنس مذکور مؤنث تقسیم می‌کردند. می‌گویند اولین چیزی که اصفهانی‌ها برای این شب آماده می‌کنند، کرسی است که یادآور بهترین روزهای زندگی است. مادر بزرگ‌ها هم انگوری را در تابستان بچه‌پیچ می‌کنند و در زیرزمین خنک برای شب چله نگه می‌دارند تا به گشمش تبدیل شود و میهمان سفره شب چله باشد.

کرمانشاه

مردم استان کرمانشاه بر اساس رسمی قدیمی در این شب تا نیمه‌های شب بیدار می‌مانند و با شعر خواندن، قصه گفتن، فال حافظ گرفتن و آجیل خوردن با مادر جهان در زادن خورشید همراهی و همدردی کنند. میوه‌هایی نیز در این شب خورده می‌شود که به گونه‌ای نمادی از خورشید است مانند هندوانه سرخ، انار سرخ، سیب سرخ و یا لیموی زرد، قصه‌هایی از عشق جاودانه شیرین و فرهاد، رستم و سهراب، حکایت حسین کرد شیبستری و خواندن اشعار زیبا و دلنشین شامی کرمانشاهی در گذشته نقل مجالس شب یلدا کرمانشاهی‌ها بود. افراد فامیل بر سر یک سفره باهم شام می‌خورند و روی سفره مخصوص این شب خوردنی‌های متنوعی که همه با هم قسمتی از آن را تهیه کرده‌اند چیده می‌شود.

به بهانه شب یلدا که شب دوره‌می هاست، شب قصه خوانی است و شبی هست که همه با هم بساطش را جور می‌کنند. خدا را شکر می‌کنیم که ظاهر زیبای شب چله از پدر بزرگان و مادر بزرگان ما برجای مانده و ما خانواده‌های ایرانی هم امروز در تدارک رقم زدن شبی خاطره‌انگیز در کنار یکدیگر هستیم. آداب شب یلدا اقشنگ و گسترده است و تقریباً در تمام شهرهای کشور هم به آن پرداخته می‌شود. شبی که در آن انار عشق را دانه می‌کنیم؛ هندوانه‌ای که طراوت تابستان را به شروع زمستان هدیه می‌کند، کنار عزیزان مانوش جان می‌کنیم. شبی که نقش اول نمایش هر خانه‌ای، چه کوچک و چه بزرگ، مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها هستند، می‌خواهیم سری بزنیم به دیگر شهرهای ایران تا آداب و رسوم متفاوتی که وجود دارد مطلع شویم و از آشنایی با این رسوم زیبا لذت ببریم. یک دقیقه در طول شب چیزی نیست که این قدر مهم باشد اما ما بهانه‌اش کرده‌ایم تا این روزهای پرشتاب را جایی در سرمان حفظ کنیم. شبیه نشانه‌هایی که لای کتاب می‌گذاریم. ما به یلدا رنگ می‌دهیم و در رنگ می‌کنیم تا یک دقیقه بیشتر خوشی بخریم. یک دقیقه‌ای که می‌شود برایش یک سال منتظر ماند و شاد بود. شما در طولانی‌ترین شب سال چه می‌کنید؟

گیلان

مردم گیلان معتقدند هر کس در شب چله هندوانه بخورد، در تابستان احساس تشنگی نمی‌کند و در زمستان هم سرما را حس نخواهد کرد. البته با هندوانه، فال هم می‌گیرند. گرفتن فال هندوانه پوس «پوست هندوانه»، در میان مردمان برخی روستاهای گیلان هنوز انجام می‌شود. جوانان دم بخت خانواده‌ها برای گرفتن این فال، هندوانه‌ای را از طول چهار قسمت می‌کنند و پوست‌های هندوانه را به پشت سر خود می‌اندازند. هرگاه پوست هر چهار قاچ هندوانه به سمت پوست سبز آن بیافتد یعنی نیت فرد بسیار مناسب و خوب است اما اگر دو قاچ آن سمت قسمت سفید پوست هندوانه و دو طرف دیگر سمت سبز آن باشد یعنی نیت بد است و همچنین اگر هر چهار قاچ هندوانه به سمت قسمت سفید آن باشد یعنی نیت بسیار بد است. هندوانه در شب یلدا برای خانواده‌های گیلانی به همین جا ختم نمی‌شود. خواندن شعر محلی در هنگام قاچ کردن هندوانه شب یلدا هم یکی دیگر از سنت‌ها و آداب مردمان روستاهای شرق استان گیلان است که بزرگتر فامیل هنگام قاچ کردن هندوانه شعری می‌خواند. در گیلان رسم است خانواده‌هایی که همان سال پسرشان را نامزد کرده‌اند طبقی برای خانواده نوعروس می‌فرستند. شب چله گیلانی برای زوج‌های جوان، شبی به یادماندن است، در این شب، خانواده داماد برای عروس خود هدایایی به همراه انواع میوه‌های شب چله می‌فرستند و دو خانواده به همراه میهمانانی دیگر به خوشی و شادمانی این شب بلند پاییزی را به سپیده دم خوشبختی پیوند می‌زنند. در این طبق، میوه‌ها، خوراکی‌ها و نقلات ویژه شب چله به زیبایی در اطراف آراسته می‌شود و در وسط طبق هم یک ماهی بزرگ، معمولاً ماهی سفید تازه و خام همراه با تزئین سبزیجات قرار می‌گیرد که معتقدند باعث خیر و برکت و فراوانی روزی زوج جدید و همچنین سلامت و باروری نوعروس می‌گردد.

همدان

همدانی‌ها هم در این شب یک شعر معروف درباره خوردن «به» دارند: سیب سردی، انار نامردی، «به» به دستم بده اگر مردی.

رسم غذای شب یلدا در همدان، خوردن برنج است اما چون به کله پاچه شام محبت هم می‌گویند. اگر بین دو خانواده، اختلافی باشد، در این





سمیه ملاتبار
نویسنده



خوزستان

شاید بیشترین وانت‌های حامل هندوانه برای شب یلدا در اهواز دیده شوند. در بسیاری از نقاط این شهر، وانت‌های حامل هندوانه و خربزه دیده می‌شوند که مردم را به خرید آنها دعوت می‌کنند و شور و حال خاصی میان مردم این شهر برای برگزاری آیین شب یلدا به وجود می‌آورند. مردم خوزستان تا سحرانتظار می‌کشند تا از قارون افسانه‌ای استقبال کنند. قارون در لباس هیبزمشکن برای خانواده‌های فقیر تکه‌های چوب می‌آورد. این چوب‌ها به طلا تبدیل می‌شوند و برای آن خانواده، ثروت و برکت به همراه دارد.

هرمزگان

مردمان هرمزگان هم همگی به دور هم غذاهای سنتی درست کرده و خوش می‌گذرانند. می‌توان از این سنت غذایی نان رگاک و درست کردن غذایی به نام سوراغ و مهبایوه که بعد از تهیه به همراه نانی میل می‌شود نام برد. غذا دیگری که در این شب مورد استقبال هرمزگانی‌ها قرار گرفته هواری ماهی و قلیه ماهی است که خوردن آن در جمع صمیمی و گرم خانواده صفا می‌دارد. این مردمان سیه چرده جنوب با زدن سازهای بادی به شادی و پایکوبی می‌پردازند و آخرین روز پاییز را با شادی پشت سر می‌گذارند.

کهگیلویه و بویراحمد

در کهگیلویه و بویراحمد، اعضای خانواده دور هم جمع می‌شوند تا پیرترین و دوست‌داشتنی‌ترین فرد خانواده برای شان متیل بگویند. متیل داستانی افسانه‌ای و طولانی است که نسل به نسل و به‌طور شفاهی از گذشتگان به ارث رسیده است. مثل داستان معروف دو برادر که در اصطلاح محلی به نام‌های

که از یک ماه قبل برای یک آیین سنتی پول خاصی ذخیره کنیم که مبادا سفره‌مان کوچک‌تر و لاغرتر باشد خدای نکرده.

بنشینیم دورهم همان جا هندوانه را بزینیم زمین قاچ کنیم و ببینیم چه سفید است و بخندیم. اناری هم اگر داشتیم دورهم دانه کنیم. این یک شب را فقط روی خوردن تمرکز نکنیم. همدیگر را ببینیم، از هم بشنویم و حافظ، سعدی یا پروین و یا هر کتاب قشنگی که دوست داریم را به بهانه تقال بلند بلند بخوانیم تا فرزندان کوچک خانه از موسیقی کلام شاعر به وجد بیایند و مثلاً بگویند برایم حافظ بخیرید.



در شب یلدا، بزرگ‌ترها با کودکان همبازی می‌شوند؛ پریا پوچ، دزدبازی و مشاعره از جمله بازی‌هایی است که در شب چله در مناطق مختلف استان انجام می‌شود

«احمعیل و مهمعیل»؛ دو مرد قوی هیکل و بزرگ که به سفارش مادرشان به کوه می‌روند و بر بلندترین قسمت کوه قرار می‌گیرند و آتشی که در دست دارند را با تمام قدرت به هوا پرتاب می‌کنند؛ اگر آن آتش به خشکی خورد، متأسفانه زمستانی سرد و خشک در پیش است که خسارات فراوانی به کشاورزان و دامداران وارد می‌شود و مردم نگران و آشفتگی می‌شوند، اما اگر آن جلوس یا آتش به دریا خورد، زمستانی پراز بارش برف و باران و سالی سرشار از نعمت‌های خداوند در پیش است و سال رونق کشاورزی است که مردم زمستان سخت و طاقت‌فرسا را به امید بهاری پر بار به پایان می‌رسانند. در این شب به نیت بارش برف و سفیدی زمستان، آتش‌های محلی مثل شیربرنج و یا دووا (آش دوغ) در تشت‌های بزرگ می‌پزند تا جو آبگوی جمعیت زیاد اعضای خانواده باشد و اعتقاد دارند چون از اوایل شروع فصل سرما غذای داغ و گرم می‌پزند در این شب باید غذایی مثل آش دوغ درست کنند. شام شب یلدا معمولاً غذاهای سنتی مانند آش کارده، شله بادام و شله ماش است که البته در سال‌های اخیر به غذاهایی مانند کباب و غذاهای امروزی تغییر شکل یافته است.

پذیرایی از میهمانان با آجیل‌های محلی مانند کلخنگ، مغزبنه، گندم برشته، کنجد بوداده، انجیر و مویز خشک انجام می‌گیرد. آیین کاسه‌بهره یا بردن غذا برای همسایه‌ها و نیازمندان یکی دیگر از آیین‌های سنتی مردم این دیار است که نه تنها در شب یلدا بلکه در همه ایام سال بین مردم کهگیلویه و بویراحمد رایج است.

یادمان بماند شب چله باید مایه خوشی باشد نه اسباب عزای «چی بپزم»، «چی بپوشم»، «چی بخرم»، «چی بخورم». قرار نیست



آشنایی با گیاه بنت قنسل

برگ سرخی ست تحفه یلدا

نسرين تقی خانی

مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی

نفس های پاییز که به شماره می افتد، برخی گیاهان دست به کار شده و فصل را از پاییز تحویل گرفته و در شب یلدا طی مراسمی باشکوه تقدیم زمستان می کنند. «بنت قنسل» از جمله این گیاهان است. یک گیاه از نواحی مکزیک که با برگ های سبز درخشان و گل های قرمز و زرد که با فرهنگ ایران اخت شده در شب یلدا، گرمای جمع های خانوادگی را بیشتر می کند. می توان این گیاه را با نام های سرخه برکه یا گل کریسمس هم صدا کرد.

از آنجایی که بنت قنسل گیاه گلدار است، برای گلدهی نیاز به هرس و تحریک گیاه است. در اواخر بهار جهت تحریک جوانه زنی، هرس شاخه ها به طول حدود ۱۵ سانتیمتر انجام گیرد. در اواخر تابستان هم کمتر از هرس قبل جهت کمک به گلدهی صورت گیرد. از راه های تکثیر این گیاه، قلمه زنی است. بهترین زمان قلمه گیری برای بنت قنسل، اواخر اسفند و اوایل بهار است (زمانی که گیاه گل ندارد). برای داشتن گیاه پر پشت و با گل های درشت، قلمه با ضخامت بالا بهتر است. قلمه را با چاقوی تیز جدا کرده و بخش های اضافه آن را جدا و در ماسه قرار دهید. ریزش برگ های بنت قنسل دلایل زیادی دارد. عدم آبیاری صحیح، بیماری ریشه یا پوسیدگی آن، کمبود مواد غذایی یا عدم دریافت نور کافی تعدادی از این دلایل است. کمبود کلسیم در این گیاه خودش را به صورت علائم سوختگی در حاشیه برگ نشان می دهد. کوددهی نامناسب و غیراصولی هم می تواند پیچ خوردگی برگ های بنت قنسل را نشان دهد. ریزش جوانه و برگ های بنت قنسل و کم شدن رشد می تواند به علت نیاز گیاه به کوددهی باشد. سوختگی بنت قنسل از پایین، نشان از آبیاری بیش از حد یا عدم زهکش و تهویه ریشه است. برای رفع این مشکل باید ریشه های خشک و پوسیده را جدا و گیاه را مجدداً در خاک قرار داد. از آفات دوستدار این گیاه، شته و شیشک آلود است. این حشره از شیر گیاه تغذیه کرده و زردی برگ ها را به دنبال دارد. در سطح کم می توان با پاک کردن ساقه با دستمال مرطوب آنها را از بین برد اما در سطوح وسیع باید از سم کش استفاده کرد. در صورت مشاهده کبک خاکستری روی بنت قنسل بهتر است بخش های آلوده را جدا و گیاه در گلدان و خاک جدید به رشد خود ادامه دهد. با این معرفی، شب یلدا را با بنت قنسل های سرخ رنگ، گرما بخشیده و شادی کنار خانواده بودن را با این گیاه سهیم شوید.

ماندن طولانی مدت خاک، شرایط را برای آن نامناسب کرده و گیاه به این شرایط پاسخ خوبی نمی دهد. بنت قنسل با زرد شدن و به دنبال آن ریزش برگ ها اعتراض خود را به آبیاری بیش از حدش نشان می دهد. ادامه دادن این روند و عدم توجه به زهکش خاک و گلدان می تواند پوسیدگی ریشه و مرگ گیاه را رقم بزند. اگر در زمان آبیاری آب روی برگ و گل های بنت قنسل ریخته شود، در طولانی مدت لکه های سیاه را ایجاد می کند. بنت قنسل رطوبت را دوست دارد. برای تأمین رطوبت آن، می توانید زیر گلدانی را با سنگ ریزه و ماسه پر کرده و گلدان را روی آن قرار دهید.

دما هم مثل آبیاری برای بنت قنسل از مسائل مهم است. محدوده دمایی ۱۵ تا ۲۴ درجه سانتیگراد برای رشد و گلدهی آن مناسب است. اگر دما هوا در روزهای پاییز افزایش یابد، از عمر گیاه کم کرده و گلدهی را در زمستان به تأخیر می اندازد. همین طور دما کمتر از ۱۵ درجه سانتیگراد هم برای این گیاه مضر است.

بعد از یک دوره گلدهی، برای تقویت بنت قنسل باید از کودهای تقویتی مناسب برای گیاهان گلدار استفاده کرد. این کوددهی باید در اواخر فصل بهار تا پاییز آینده ادامه یابد. در فصل گلدهی، توقف در کوددهی اتفاق افتد.

در بین گیاهان گلدار که گلدهی در زمستان برایشان بی معنی است، بنت قنسل در زمستان دلبری می کند و گل هایش را شکوفا می کند. بنت قنسل یک گیاه به اصطلاح «روز کوتاه» است؛ یعنی برای گلدهی اش دوستدار فصل هایی است که مجموع ساعاتی که هوا روشن است از مجموع ساعات تاریکی هوا کم تر باشد. این گیاه در پاییز شکوفایی گل دارد و در طول زمستان با گل های زرد و گاهی سبز خودنمایی می کند. زیبایی و شهرت بنت قنسل به برگ های سرخ رنگ آن است؛ البته برگ های این گیاه به رنگ های زرد، کرم و صورتی هم وجود دارد. خاستگاه این گیاه مناطق گرم و مرطوب است، پس با فراهم کردن این شرایط، زندگی را برای آن لذت بخش کنید. نور کامل تقاضای این گیاه برای رشد و ادامه زندگی است. ترجیح بنت قنسل قرار گرفتن در کنار پنجره است تا در طول روز نور خورشید را دریافت کرده و در ساعات بعد از ظهر استراحت کند. نور مستقیم آن را اذیت می کند و باعث آسیب برگ های بنت قنسل و سوختگی آن می شود.

بنت قنسل خاک با زهکش بالا را دوست دارد؛ بنابراین خاک های سنگین انتخاب خوبی برای فراهم کردن بستر این گیاه نیست. می توان برای ترکیب خاک بنت قنسل از ترکیب پیت ماس و پرلیت یا خاک برگ و کوکوپیت و پرلیت یا پیت و خاک باغچه و کمپوست و ماسه استفاده کرد. نکته مهم در مورد خاک برای نگهداری بنت قنسل، زهکش بالا آن است.

آبیاری اصولی به نگهداری طولانی مدت بنت قنسل کمک خواهد کرد. بعد از اطمینان از خشکی خاک تا عمق ۲ تا ۳ سانتیمتری سطح خاک، می توان از آب بدون املاح و بدون کلر برای آبیاری آن استفاده کرد. بهتر است قبل از آبیاری، آب را در یک ظرف ریخته و ۲۴ ساعت به آن زمان داده تا کلر آن از بین برود. از آنجایی که بنت قنسل نیاز آبی زیادی ندارد، پس آبیاری زیاد و غیراصولی و مرطوب



محدوده دمایی ۱۵ تا ۲۴ درجه سانتیگراد برای رشد و گلدهی آن مناسب است. اگر دمای هوادر روزهای پاییز افزایش یابد، از عمر گیاه کم کرده و گلدهی را در زمستان به تأخیر می اندازد



بنت قنسل در پاییز شکوفایی گل دارد و در طول زمستان با گل های زرد و گاهی سبز خودنمایی می کند. زیبایی و شهرت بنت قنسل به برگ های سرخ رنگ آن است



آموزش کیک فنجان‌ی شب چله

کاپ کیک انار

فائزه صدیقی

نویسنده



راحتی بیرو، زمان کوتاه آماده شدن، تنوع تزئین و از همه مهم‌تر خوشمزگی، کاپ کیک را جزو پرطرفدارترین محصولات قنادی کرده است. این کاپ کیک انار بسیار ساده و خوشمزه است و شما می‌توانید به راحتی آن را برای پذیرایی شب یلدا آماده کنید.

مواد لازم (هم دمای محیط)

دانه انار..... یک پیمانه
تخم مرغ..... یک عدد
عسل..... یک قاشق غذاخوری
شیرعسلی..... ۲۰۰ گرم
وانیل..... یک دوم قاشق چای خوری
ماست..... دو سوم پیمانه
روغن مایع..... نصف پیمانه
آرد..... دو و نیم پیمانه
بیکنینگ پودر..... دو قاشق چای خوری

چند نکته در خصوص مواد اولیه

هر نوع روغن مایع بی طعم و بو (کانولا، ذرت و آفتابگردان) برای این کیک مناسب است ولی استفاده از روغن‌های طعم‌دار مثل زیتون و روغن مخصوص سرخ کردنی جایز نیست. منظور از شیرعسلی مخلوط شیرو عسل نیست، بلکه شیری تبخیر شده، شیرین و کاراملی است که در ایران با مارک‌هایی مانند البحر و الفجر در سوپرمارکت‌های بزرگ و لوازم قنادی‌ها به فروش می‌رسد. این دستور بسیار کم شیرین است و میزان شکر آن برای انار دانه شیرین در نظر گرفته شده است. اگر از انار دانه ترش استفاده می‌کنید میزان شیرعسلی را صد گرم افزایش دهید. علاوه بر طعم دانه‌ها، به رنگ آنها هم دقت کنید. هر چقدر دانه‌های انار قرمزتر باشند، کاپ کیک‌ها قشنگ‌تر می‌شوند. انار دان شده را حتماً تا زمان استفاده در آبکش بریزید.

طرز تهیه

فر را روی ۱۸۰ درجه سانتی‌گراد در فر گازی یا حدود ۱۶۰ درجه در فر برقی روشن کنید تا گرم شود. در سینی کاپ کیک، کپسول کاغذی (لایتر) بپندازید و با قالب‌های مقوایی آماده کاپ کیک یا مافین را تهیه کنید. در صورت استفاده از قالب تکی، قالب‌ها را روی سینی شیرینی‌پزی بچینید و با سینی در فر بگذارید. این دستور با توجه به سایز کپسول‌ها، بین ۱۲ تا ۱۸ کاپ کیک می‌دهد. آرد الک شده را در کاسه بریزید، بیکنینگ پودر را به آن اضافه و مواد خشک را خوب مخلوط کرده و چند بار الک کنید.

تخم مرغ را در کاسه‌ای بشکنید، وانیل و عسل را اضافه کنید. مواد را با دور تند همزن بزنید تا حجیم، یکدست و روشن شوند. شیرعسلی را اضافه و با دور تند همزن مخلوط کنید، به دلیل چسبناک بودن شیرعسلی مواد باید خوب زده شوند. ماست را اضافه کنید و با دور متوسط همزن در حد مخلوط شدن بزنید. روغن مایع را اضافه کنید و با دور متوسط همزن در حد یکدست شدن هم بزنید.

نیمی از آرد را به مواد اضافه کنید و با لیسک یا کندترین دور همزن فقط در حد مخلوط شدن هم بزنید. نیمه باقی مانده را به آرامی اضافه کنید و هم بزنید. دقت کنید که هم زدن زیاد باعث شفته شدن و سفت شدن کاپ کیک‌ها می‌شود. به دلیل استفاده از انار و با در نظر گرفتن رطوبتی که در برابر حرارت از خود پس می‌دهد، میزان آرد این دستور زیاد است و در نتیجه بعد از مخلوط کردن کل آرد، مایه سفتی به دست می‌آید.

انار را به مواد اضافه کنید. قبل از ریختن دانه‌ها، آبکشی که انارها را در آن ریختید تکان بدهید تا آب اضافی از آنها خارج شود. با استفاده از لیسک یا قاشق چوبی دانه‌های انار را به آرامی در مواد مخلوط کنید تا انارها له نشوند.

از مایه کاپ کیک در کپسول‌ها بریزید، برای اینکه مواد در هر کپسول یکسان باشد و کاپ کیک‌ها هم‌زمان بپزند، می‌توانید از اسکوپ بستنی استفاده کنید یا در هر کاغذ دو قاشق غذاخوری از مواد بریزید. سینی کاپ کیک را بیست دقیقه در فر گرم شده قرار دهید، بعد از این مدت اگر خلال دندان از وسط کاپ کیک‌ها

تمیز درآید و روی آنها طلایی شده بود یعنی حاضر است، در غیر این صورت پنج دقیقه دیگر هم بپزید.

کاپ کیک‌های پخته شده را روی توری خنک کننده گذاشته و بعد از پنج دقیقه از سینی خارج کنید تا عرق نکنند. می‌توانید آنها را ساده یا با شکلات آب شده، خامه زده شده یا کرم کره‌ای اناری سرو کنید.

مواد لازم کرم کره‌ای انار (هم دمای محیط)

کره..... ۲۰۰ گرم
آب انار..... یک دوم پیمانه
خامه صبحانه..... سه قاشق غذاخوری
پودر قند..... یک پیمانه
برای این دستور می‌توانید از کره حیوانی (کره صبحانه) یا کره گیاهی (مارگارین) استفاده کنید. منظور از خامه صبحانه، خامه پاکتی صورتی است که در سوپرمارکت‌ها فروخته می‌شود. اگر برایتان مقدور است از آب انار طبیعی استفاده کنید که خوش طعم‌تر بوده و رنگ آن هم تیره‌تر باشد.

طرز تهیه

پودر قند را دو بار با دقت الک کنید و در کاسه‌ای بریزید. آب انار را در قابلمه بریزید و روی شعله ملایم بگذارید. حواستان به میزان مواد باشد و تا جایی حرارت بدهید که آب انار نصف شود. آب انار تبخیر شده غلیظ و تیره می‌شود، آن را کنار بگذارید تا به دما محیط برسد. کره را در کاسه‌ای بریزید و خوب با همزن برقی بزنید تا بافت آن باز و یکدست و رنگ آن روشن شود. سپس یک چهارم پیمانه از پودر قند را اضافه کنید و خوب بزنید. حالا آب انار را اضافه کنید و خوب هم بزنید تا مواد کاملاً یکدست شوند. خامه صبحانه را اضافه کنید و در حد یکدست شدن هم بزنید. خامه برای لطافت کرم اضافه می‌شود و لزومی ندارد فرم‌دهی شود. اگر رنگ کرم اناری را دوست ندارید سه قطره رنگ خوراکی زله‌ای قرمز به آن اضافه کنید و در حد یکدست شدن هم بزنید. حالا ظرف پودر قند را کنار تان گذاشته و کم‌کم به مواد اضافه کنید. بعد از ریختن هر قاشق خوب هم بزنید و بچسبید، پودر قند را تا جایی که برای ذائقه‌تان مناسب است اضافه کنید. بعد از اینکه به میزان دلخواه پودر قند اضافه کردید و کرم آماده شد قیف و ماسوره مورد نظر را آماده کنید. اگر از قیف



یکبار مصرف استفاده می‌کنید، سرفیف را بپزید و ماسوره را داخل آن قرار دهید. قیف را با کرم پر و روی کاپ کیک‌ها به شکل دلخواه با کرم و دانه‌های انار تزئین کنید. کاپ کیک‌های تزئین شده را قبل از سرو یک ساعت در یخچال بگذارید تا کرم خودش را بگیرد.

شرایط نگهداری

کاپ کیک‌ها بدون کرم در ظرف در بسته در دما محیط و با کرم در ظرف در بسته در یخچال تا ۵ روز قابل نگهداری هستند.

از اینکه این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاسگزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگیتان هر روز بیشتر از روز قبل باشد.



فناوری و رسانه

کیک‌های سمی به نام کوکی

وقتی رسانه هم به دنبال داده کاوی است



آگاهانه عمل کنید

برخلاف تصور شما، بسیاری از اطلاعات شما در اختیار سایت‌های مختلف است و به سادگی می‌توانند با آنالیز آن بسیاری از سلاقی شما را شناسایی کنند. از جمله مهم‌ترین آن در بخش رسانه‌ها است که می‌توانند از طریق انتخاب‌ها و جست‌وجوهای شما، محتوای مرتبط و مدنظرشان را در اختیارشان قرار دهند.

بر همین اساس، آگاهانه عمل کنید. در فاز نخست مشخص کنید که در سایت‌ها چه اطلاعات فردی و شخصی را بارگذاری کرده‌اید. از نام و نام خانوادگی گرفته تا اطلاعات بانکی، عکس و ویدیو و هر چیزی که مربوط به حریم خصوصی شماست. در ادامه به بخش ایمن‌سازی مرورگرهای پتان بروید و فعالیت کوکی‌ها را متوقف کنید. و از همه مهم‌تر در وارد کردن اطلاعات نیز آگاهانه عمل کنید و به هر منبع و وسایلی اطمینان نکنید. لازم به ذکر است بیش از نیمی (۵۴ درصد) از کاربران اینترنت در نظر سنجی سال ۲۰۰۰ گفته‌اند که عقیده دارند ردیابی وب سایت‌های مرور شده برای کاربران آسیب‌زاست زیرا به حریم خصوصی‌شان تجاوز می‌شود و تنها ۲۷ درصد مردم معتقد بودند ردیابی کاربران سودمند است. (پروژه زندگی آمریکایی و اینترنت پیو، ۲۰۰۰)

کوکی نوشته شد و مردم فهمیدند که بدون اطلاع آن‌ها به حریم خصوصی‌شان تجاوز شده است.

از شماره کارت بانکی تا دسته‌بندی اخبار

هریک از ما به عنوان کاربران اینترنت بارها با کوکی‌ها مواجه شده‌ایم و بدون آنکه بدانیم بسیاری از اطلاعات خصوصی ما در سایت‌ها ثبت و ضبط شده است. به عنوان مثال زمانی که شما خرید اینترنتی انجام می‌دهید و مشخصات بانکی خود را وارد می‌کنید در مراجعه بعدی شماره کارت شما به صورت پیش‌فرض ظاهر می‌شود و به شما اعلام می‌شود که اگر تمایل به خرید مجدد با همین کارت دارید اطلاعات دیگر آن را به شما نشان بدهیم. این موضوع در آدرس پستی و حتی اطلاعات هویتی و فردی ما نیز مشاهده می‌شود. و این روزها کار به حدی بالا گرفته که خود رسانه‌ها نیز از کوکی‌ها برای دسته‌بندی اخبار استفاده می‌کنند. چیزی که گمان می‌کنیم در شبکه‌های اجتماعی بیشتر وجود دارد و در سایت‌های اینترنتی کم‌رنگ‌تر است اما با مراجعه به برخی سایت‌ها شما با این پیام مواجه می‌شوید که «ما به حریم خصوصی شما احترام می‌گذاریم. ما و شرکای تجاری‌مان داده‌های غیرحساس شما از قبیل کوکی‌ها و آدرس‌های آی‌پی را ثبت و ذخیره می‌کنیم تا از آن برای تنظیم تبلیغات منطبق با سلیقه بازدیدکننده و سنجش سلاقی او استفاده شود. شما می‌توانید «در بخش تدابیر رعایت حریم خصوصی» تنظیمات مرتبط را هر موقع که خواستید تغییر دهید. برخی از شرکای ما با استفاده از این داده‌ها به شما به ما می‌دهند و با تکیه بر منافع مشروع تجاری خود از شما درخواست اجازه مجدد نخواهند کرد. با کلیک روی گزینه «اطلاعات بیشتر» می‌توانید با این موضوع مخالفت کنید».

بی‌حصولگی کاربر و اجازه دسترسی به اطلاعات

در اغلب مواقع ما پیام مربوط به کوکی را تأیید می‌کنیم و اجازه می‌دهیم تا در کامپیوتر ما فعال شود. بیشتر به این دلیل که حوصله اعمال تنظیمات را نداریم و نمی‌خواهیم زمانی برای آن صرف کنیم. اما واقعیت این است که فعالیت کوکی‌ها بعد از مدتی موجب شد تا سازندگان مربوط به اعمال فیلترهایی در استفاده از آن و حفاظت از حریم خصوصی افراد و اطلاعات فردیشان کنند. از جمله اینکه کاربران می‌توانند فعالیت عملگر کوکی را متوقف کنند و از بخش تنظیمات مرورگرهای خود بخشی که مربوط به امنیت و حریم خصوصی است این اقدام می‌تواند صورت بگیرد. به عنوان مثال مایکروسافت کنترل‌های کوکی را در نسخه‌های جدیدتر اینترنت اکسپلور خود ساخت. در واقع هشدار به کاربر برای فعال کردن یا نکردن کوکی بر همین اساس است اما واقعیت این است که درصد کمی از مردم نسبت به مسدود کردن کوکی‌ها اقدام می‌کنند.

گشتی در سایت‌ها نشان می‌دهد که بخشی از آن‌ها از ابزاری به نام کوکی استفاده می‌کنند. اما کوکی چیست و چرا در استفاده از آن باید احتیاط کرد. یکی از ابزارهای مهم داده کاوی کوکی‌ها هستند که فایل کوچک کامپیوتری است و در هنگام دسترسی شما به وب سایت‌های مختلف روی درایو سخت کامپیوترتان قرار می‌گیرد. کوکی‌ها نظارت بر فعالیت‌های اینترنتی شما را ممکن می‌سازند.

نت اسکپ کوکی‌ها را در سال ۱۹۹۴ به عنوان یک ویژگی نوآورانه مرورگرها ایجاد کرد. به کاربران گفته شد که کوکی‌ها باعث می‌شوند آن‌ها تجربه بهتری در استفاده از سایت‌های اینترنتی به ویژه سایت‌هایی نظیر آمازون که خدمات خرید ارائه می‌دهند، داشته باشند. ایده ایجاد کوکی این بود که به مشتریان اجازه رفتن از صفحه‌ای به صفحه دیگر و انتخاب اقلامی برای خرید داده شود و در همان حال یک کارمند مجازی با فهرست کردن اقلام خرید در یک فایل کوچک که نت اسکپ آن را کوکی نامیده است، آن‌ها را ردیابی کند.

کوکی همچنین نام کاربری، نشانی و اطلاعات کارت اعتباری کاربران را در خود داشت. کوکی‌ها روی درایو سخت کامپیوتر قرار می‌گرفتند، بنابراین زمانی که کاربر برای خرید دوباره مراجعه می‌کرد، اطلاعات او به صورت خودکار در دسترس قرار می‌گرفت و از طرفی برای کاربر آسان‌تر بود که دوباره ناچار به وارد کردن اطلاعات خرید و پست نباشد. همچنین به علت ذخیره اطلاعات خرید، دسترسی فروشندگان اینترنتی به اطلاعات و هدایت مشتریان به خرید آسان می‌شد.

افزون بر آن فروشندگان می‌توانستند این اطلاعات را بارگذاری کنند و به راحتی یک پروفایل از علایق و تاریخچه مرور سایت مشتریان فراهم کنند. زمانی که نت اسکپ کوکی را برای اولین بار ایجاد کرد به مشتریان نگفت که کوکی‌ها چگونه کار می‌کنند. همان‌طور که استفاده از کوکی‌ها تکرار شد، شکایات اندکی از سوی مشتریان دیده می‌شد. اما بالاخره برخی مشتریان متوجه این فعالیت مخفی قرار گرفته در درایو سخت کامپیوترشان شدند. کم‌کم از سال ۱۹۹۶ مقالاتی درباره تکنولوژی



ایده ایجاد کوکی این بود که به مشتریان اجازه رفتن از صفحه‌ای به صفحه دیگر و انتخاب اقلامی برای خرید داده شود و در همان حال یک کارمند مجازی با فهرست کردن اقلام خرید در یک فایل کوچک که نت اسکپ آن را کوکی نامیده است، آن‌ها را ردیابی کند



از جمعیت حدود ۸۸ میلیون نفری کشور، هر کاربری حداقل در دو پلتفرم حضور دارد و از قضا خارجی‌ها به داخلی‌ها ترجیح داده می‌شود

عشایر دیجیتالی ایران مقصد ندارند

ونوس بهنود
دبیر تحریریه
vbehhood@gmail.com

در گوشی هوشمند خود چند پلتفرم دارید؟ اینستاگرام؟ تلگرام؟ واتساپ؟ توئیتر (X)؟ بله؟ اینها؟ سروش؟ عملاً بسیاری از شبکه‌های اجتماعی در اختیار شما و ذخیره در تلفن همراهتان است به واسطه اینکه امروز تمامی امورات شما از محل محتواهای تولید شده در این پلتفرم‌ها سپری می‌شود؛ از سرگرمی گرفته تا دریافت اخبار و حتی سرگرمی‌های روزانه و کار فلان دوست و همسایه. آمارها نشان می‌دهد ایرانی‌ها هر چند در برهه‌های زمانی مختلفی از یک پلتفرم بیش از دیگری استفاده می‌کنند اما مقصد غایی نداشته و تقریباً در هر کجا که بتوانند عضو می‌شوند و محتوا تولید می‌کنند. این رفتار در فضای مجازی موجب شده سبک سؤال برانگیز و قابل توجهی رقم بخورد.

مرکز پژوهشی بتا در سال ۱۴۰۰ تعداد کاربران تلگرام فارسی را ۴۹ میلیون نفر، کاربران توئیتر (X) فارسی را ۳۲ میلیون نفر و کاربران اینستاگرام فارسی را ۴۸ میلیون نفر اعلام کرد. همچنین مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در همین سال اعلام کرد، ۷۱٫۴ درصد از جمعیت بالای ۱۸ سال در واتساپ، ۵۳٫۱ درصد در اینستاگرام، ۴۰٫۴ درصد در تلگرام، ۳ درصد در توئیتر (X)، ۱٫۳ درصد در کلاب‌هاوس، ۸٫۶ درصد در روبیکا و ۵٫۱ درصد در سروش فعالیت دارند.

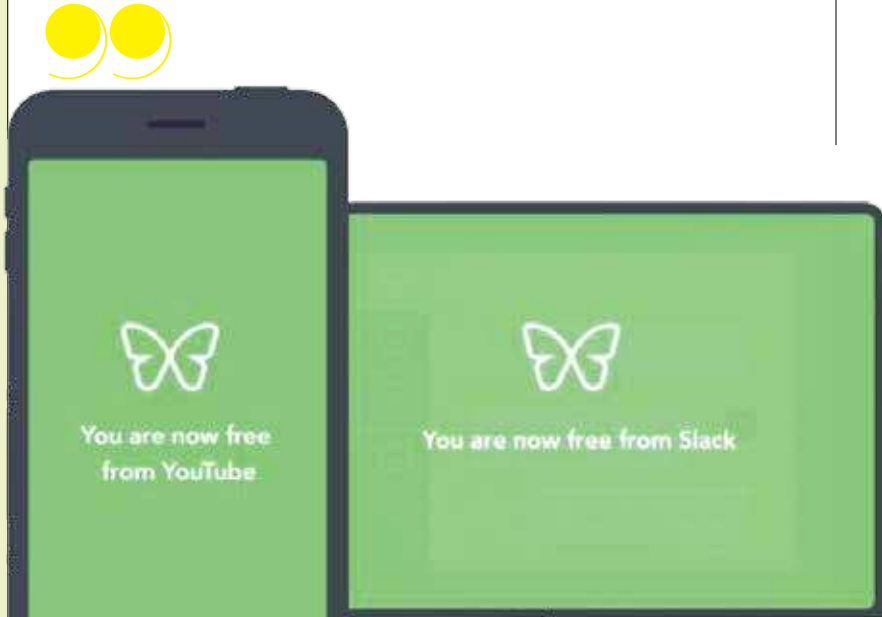
این اعداد گویای این است که از جمعیت حدود ۸۸ میلیون نفری کشور، هر کاربری حداقل در دو پلتفرم حضور دارد و از قضا خارجی‌ها به داخلی‌ها ترجیح داده می‌شود. اگر از شما پرسند کدام پلتفرم را ترجیح می‌دهید؟ پاسخ بستگی به شخصیت و روحیات شما در شبکه اجتماعی دارد. ممکن است دنبال جملات جنجالی باشید و سراغ توئیتر (X) بروید. ممکن است دنبال ارسال فایل‌های

میزان استفاده مردم ایران از رسانه‌های اجتماعی



حجمی باشید و نخواهید ردی از شما باقی بماند و سراغ تلگرام بروید. ممکن است علاقه‌مند به اشتراک‌گذاری عکس و فیلم باشید و اینستاگرام را نام ببرید و غیره. اما آنچه قابل توجه است اینکه ایرانی‌ها مانند عشایر دیجیتالی هستند که تا می‌توانند در پلتفرم‌های مختلف خیمه می‌زنند و در هیچ کجا نیز بند نمی‌شوند. در واقع هیچ مقصد مشخصی ندارند و بسیاری صرفاً برای گذران امورات تبادل محتوا در جاهای مختلف عضو می‌شوند. از طرفی هیچ پلتفرمی نتوانسته به عنوان شاخص‌ترین در ایران باشد و تفاوت اعضای آن با سایر پلتفرم‌ها به شکل ملموسی رقم بخورد. تا جایی که حتی فیلترینگ نیز نتوانسته موجب حذف یک پلتفرم از زندگی دیجیتالی مردم شود و اگر با محدودیت کاربر و محتوا در برهه‌ای مواجه بوده اما دوباره کاربران خود را به دست آورده است.

از طرفی به نظر می‌رسد این حضور بیش از فعال بودن، منفعل است و به عنوان مثال هیچ رویداد و اتفاقی نمی‌تواند موجب شود تا کاربر ایرانی، پلتفرم خاصی را غیرفعال کند، تا جایی که این باور وجود دارد ممکن است همان پلتفرم یک زمانی دوباره به درد بخورد. در واقع تغییر سیاست‌ها، رویکردها و حتی اتفاقاتی که در سطح بین‌الملل در خصوص مدیریت و برنامه‌های پلتفرم‌ها شنیده می‌شود نیز نمی‌تواند خیمه کاربر ایرانی را جابه‌جا کند. این در حالی است که به عنوان مثال بعد از اعمال سیاست‌های خاصی در خصوص حریم خصوصی کاربران توئیتر (X) گروه قابل توجهی از کاربران آن را ترک کردند. آیا این انفعال به دلیل این است که ما هنوز جایگاه خود را در اتمسفر دنیای مجازی نیافته‌ایم؟



نامحدود، جلسات تکرار شونده، زمان بندی پیشرفته و فوکوس موسیقی را بازمی‌کند. و اگر متوجه شدید که برای کمک به آرامش و تمرکز به انواع خاصی از صداها و موسیقی نیاز دارید، باید این برنامه‌های پخش موسیقی را برای کار و مطالعه خود بررسی کنید.

چگونه از برنامه در رایانه خود استفاده کنید
Freedom هم در ویندوز و هم در macOS یکپارچه کار می‌کند. در اینجا نحوه داندلود و نصب آن آمده است:

ثبت نام

قبل از داندلود و نصب برنامه، Freedom از شما می‌خواهد که ثبت نام کرده و اطلاعاتی را ارائه دهید. برای شروع به وب سایت رسمی Freedom بروید و ایمیل خود را وارد کنید.

سپس سایت از شما می‌خواهد که نام و رمز عبور خود را برای ثبت نام وارد کنید. به سرعت با صفحه خوش آمدگویی مواجه خواهید شد. گزینه‌های مربوطه را با توجه به مورد استفاده خود بررسی کنید، سپس روی Next کلیک کنید. سپس سایت در مورد برنامه‌های قیمت‌گذاری به شما می‌گوید، اما اگر می‌خواهید فعال‌آن را آزمایش کنید، می‌توانید روی شروع آزمایشی رایگان من کلیک کنید. پس از آن، روی داشبورد Freedom قرار خواهید گرفت.

داندلود و نصب

پس از ثبت نام و تصمیم‌گیری در مورد طرح پرداخت، می‌توانید برنامه را برای Windows یا macOS از داشبورد داندلود و نصب کنید. از داشبورد روی داندلود برنامه کلیک و دستورات روی صفحه را دنبال کنید تا نصب تمام شود. پس از نصب، Freedom همیشه در نوار وظیفه شما (ویندوز) یا نوار منو (macOS) وجود خواهد داشت. هر زمان که دستگاه خود را راه‌اندازی کنید، به طور خودکار راه‌اندازی می‌شود. با استفاده از برنامه Freedom در پس زمینه کار می‌کنند و نمادی را در نزدیکی نوار وظیفه یا نوار منو خواهید دید. برای کنترل تنظیمات نیازی به استفاده از خود برنامه ندارید، زیرا این کار از طریق داشبورد Freedom در مرورگر انتخابی شما انجام می‌شود.



بهای آزادی از حواس پرتی

معرفی برنامه freedom

اگر اغلب متوجه می‌شوید که حواستان از کارتان پرت می‌شود، باید Freedom را امتحان کنید تا تمرکز خود را دوباره به دست آورید. این روزها اجتناب از حواس پرتی در حین کار آسان نیست. ایمیل‌ها و اعلان‌های رسانه‌های اجتماعی اغلب تمرکز شما را مختل می‌کنند و چیزی که شبیه یک چک‌این سریع است، معمولاً به یک سوراخ خرگوش همال کاری تبدیل می‌شود. به همین دلیل است که شما همیشه فکری کنید که هرگز کاری را انجام نمی‌دهید. خوشبختانه، چند برنامه وجود دارد که می‌تواند به شما در مدیریت عوامل حواس پرتی و جلوگیری از به تعویق انداختن کمک کند. Freedom اپلیکیشن است که این کار را به خوبی انجام می‌دهد.

Freedom یک ابزار بهره‌وری است که دسترسی به برنامه‌ها و وبسایت‌های حواس پرتی را در زمانی که می‌خواهید روی کار تمرکز کنید، مسدود می‌کند. برنامه‌ای است که تایمر بهره‌وری را با لیست‌های بلوک سفارشی ترکیب می‌کند. این برنامه از یک تایمر برای ضبط جلسات استفاده می‌کند. شما می‌توانید این رادار لحظه تنظیم کنید یا برنامه‌ای تنظیم کنید تا به طور خودکار فعال شود.

وقتی هر جلسه را شروع می‌کنید، لیست‌های بلاک شما فعال خواهند بود. بسته به کار خود می‌توانید لیست‌های بلوک سفارشی را برای جلسات مختلف ایجاد کنید. پس از راه‌اندازی اولیه، فقط تایمر را راه‌اندازی کنید و Freedom به طور خودکار اعلان‌ها و دسترسی به سایت‌ها یا برنامه‌هایی را که مشخص کرده‌اید مسدود می‌کند. این برنامه به شما کمک می‌کند کارهای بیشتری را انجام دهید و به سرعت متوجه خواهید شد که قبل از استفاده از آن چقدر زمان تلف کرده‌اید.

نحوه استفاده

Freedom همراه با یک دوره آزمایشی رایگان است که به شما اجازه هفت جلسه مسدود کردن رایگان را می‌دهد. برای این جلسات نیز نیازی به ارائه اطلاعات کارت اعتباری ندارید. این جلسات رایگان باید کافی باشد تا به شما ایده بدهد که آیا این برنامه برای شما ارزش دارد یا خیر. اگر از برنامه لذت می‌برید، می‌توانید برای سرویس اشتراک آنها ثبت نام کنید. هزینه آن ۸٫۹۹ دلار در ماه یا ۳۹٫۹۹ دلار در سال است. مدل سالانه مقدار زیادی پول نقد را برای شما صرفه جویی می‌کند که حدود ۳٫۳۳ دلار در ماه هزینه دارد. همچنین می‌توانید با پرداخت یک بار هزینه ۱۲۹٫۹۹ دلاری نرم‌افزار را به طور کامل خریداری کنید. با این حال، این قیمت اغلب به دلیل فروش تغییر می‌کند. نسخه پریمیوم این برنامه همچنین ویژگی‌های اضافی مانند عملکرد در دستگاه‌های



Freedom همراه با یک دوره آزمایشی رایگان است که به شما اجازه هفت جلسه مسدود کردن رایگان را می‌دهد. برای این جلسات نیز نیازی به ارائه اطلاعات کارت اعتباری ندارید. این جلسات رایگان باید کافی باشد تا به شما ایده بدهد که آیا این برنامه برای شما ارزش دارد یا خیر

زنان

در حوزه علمیه خواهران چه می‌گذرد؟

نقد و بررسی ساختاری و محتوایی حوزه علمیه خواهران از زبان یک طلبه

مریم آخوندی
طلبه

الف برای پایه‌های مختلف حوزه است که به عقیده نگارنده با ذات حوزوی بودن در تعارض است. مفهوم ولایت به ما می‌آموزد اگر تو نمره اول کلاس هستی ولی بعد از توبقیه سطح درسی و نمره‌های پایینی دارند، یعنی توفیق‌ها را خوب انجام ندادی، یعنی ولایت پذیر نبوده‌ای که خود رشد کرده ولی دست بقیه زانگرفته و با خود بالا نیاورده‌ای. مادر حوزه می‌باید ولایت را تدریس می‌کنیم ولی برخلاف اصول اولیه ولایت، سیستم آموزشی می‌چینیم و به طلاب ولایت‌مندان زندگی کردن را یاد نمی‌دهیم. به عقیده نگارنده به جهت اینکه حوزه علمیه باید به عنوان امام جامعه الگوی درستی از آموزش و پژوهش و پرورش را به جامعه و سایر نهادهای آموزشی و تربیتی عرضه کند؛ وجود داشتن این دو اشکال در حوزه علمیه اشکال دارتر است!

خانم مدیر نداریم

کمی به لایه‌های بالاتر برویم، سطح مدیریت حوزه‌های علمیه. شاید به نظرتان عجیب باشد که مدیر حوزه علمیه خواهران در سطح کشور و در سطح غالب استان‌ها آقا هستند. آیا واقعاً خانمی توانایی مدیریت حوزه‌های خواهران در این سطح را ندارد؟ اگر خیر، این که حوزه علمیه خواهران نتوانسته زنی را برای قرارگیری در چنین جایگاهی تربیت کند، جای سؤال دارد. عدم درک شرایط و روحیات زنانه توسط مدیر مردی که زنان را اداره می‌کند، مشکلاتی را به همراه دارد؛ تفاوت نداشتن میزان امکان غیبت در کلاس‌های درس برای خانم‌ها و آقایان، با وجود شرایط جسمی خاص زنان، تعریف نکردن امکان تحصیل غیرحضور برای بعضی دروس و در بعضی دوره‌ها، مثل اواخر زمان بارداری و ماه‌های ابتدایی پس از زایمان، عدم پیش‌بینی حالت مطلوب حضور مادر و فرزند در حوزه علمیه و پیشنهاد برای گذاشتن کودک چهل روزه در مهدکودک حوزه و بسیاری موارد دیگر چیزهایی است که به نظر می‌رسد اگر خانمی که این شرایط را زندگی کرده در جایگاه مدیریت قرار می‌گرفت راه حل‌های عقلانی‌تری برایشان می‌داشت تا مادران طلبه در کنار مادری خود به تحصیل هم بپردازند.

کمی از آنچه دیده بودم، خوب وید، را گفتم. با این همه حوزه آن جایی است که اگر ساخته شود، جامعه ساخته و حکومت اسلامی محقق و به تمدن نزدیک ترمی شود. پس به امید ساختن و ساخته شدن و تحقق آرمان‌ها این جامی مانم و از کسانی که دردمندند و دغدغه کار و ساختن و فکری نودارند، می‌خواهم که پاد در این عرصه گذارند که جای چنین افرادی اینجا بسیار خالی است.

یافت نمی‌شود، ولی تعدادشان کم است. برای مثال اغلب استادان درس‌های حوزه زن و خانواده نگاه سنتی دارند و با جریان‌های معاصر فعال در عرصه زنان و ادبیات آنها آشنایی ندارند.

تشکیلات خواهران

دو اشکال بزرگ که تقریباً در تمام نهادهای آموزشی کشور وجود دارد، در حوزه‌های علمیه نیز به چشم می‌خورد. اول این که، فقدان نگاه تشکیلاتی در کادر حوزه. متأسفانه تصمیمات فرهنگی و آموزشی، برگزاری مراسم‌ها و... در حوزه صرفاً توسط کادر حوزه بسته شده و غالباً طلاب نقش حاشیه‌ای دارند. همین برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نیز غالباً ناظر به محیط داخلی حوزه است و نمود بیرونی نداشتن حوزه علمیه خواهران در سطح جامعه اثرگذاری این برنامه‌ها را به حداقل رسانده، برای مثال می‌توان به تجمع اخیر طلاب خواهران در حمایت از مردم فلسطین اشاره کرد که درون حوزه‌های علمیه برگزار شد و نه در سطح خیابان! این نگاه بسته و حضور حداکثری در جمع‌های خودی، باعث عدم درک درست نسبت به سؤالات و چالش‌های روز مردم و نبود ادبیات و فهم مشترک میان جامعه و حوزه می‌گردد و باعث می‌شود حتی نسبت به نیازهای روز جامعه غفلت شود. مثل نیاز امروز ایران به بحث فرزندآوری و چالش کاهش نرخ رشد جمعیت که به نظر می‌رسد حوزه علمیه خواهران که باید پیش‌فراول حل این بحران در سطح کشور باشد، دغدغه و برنامه‌ای در این باره ندارد و نه تنها به انجام کار فرهنگی در این باره در سطح جامعه نمی‌پردازد که برخی از طلاب و کادر حوزه علمیه خواهران درباره این موضوع توجیه نیستند و شبهات زیادی دارند.

در پایان این بخش خوب است به این نکته اشاره کنم که گفتن این مطالب به این معنا نیست که فرد دغدغه‌مندی در حوزه وجود ندارد. در حوزه بسیاری از افرادی که در سطح جامعه حضور فعال دارند و کار فرهنگی می‌کنند اما جهت‌دهی و حضور این افراد به واسطه حوزه نبوده و خود مستقلاً برای اثرگذاری راهی یافته‌اند.

درس خواندن برای اثرگذاری یا نمره؟

دوم، درس خواندن برای خدا، درس خواندن برای اثرگذاری، یا درس خواندن برای نمره؟! نمره محوری آفت بزرگ سیستم آموزشی کشورمان گریبان حوزه را هم گرفته است. درس خواندن به خاطر نمره و مدرک، چالشی است که رنگ و بوی اخلاص و معنویت و علم دوستی را از کلاس‌های حوزه برده. مشکلی که نمره‌محوری به دنبال خود می‌آورد رقابت بر سر نمره و تعریف معدل

با خود می‌گفتم آخرین بار بود که پاد در این ساختمان گذاشتم، دیگر حوزه تعطیل...! و گاهی سرشار از امید می‌شدم و به امید ساخته شدن و ساختن، ساعت‌ها بعد از تمام کلاس در آن ساختمان کوچک می‌ماندم تا راهی برای ساخت جهان اطرافم بیابم. حال می‌خواهم عینک ایده‌آل‌گرایی را در بیاورم و کمی از حوزه علمیه خواهران برایتان شرح دهم.



اهمیت پژوهش در حوزه یکی دیگر از آن نقطه قوت‌هاست که به توفیق می‌دهد برای تحقیق پیرامون دغدغه‌ات در آثار اصیل اسلامی کنکاش کنی. اما همه اینها تا نقطه ایده‌آل فاصله دارد و اگر ایده‌آل‌گرایانه حتی به این نقاط قوت نگاه کنیم، با ضعف‌هایی روبه‌رو خواهیم شد که شرح‌شان چند جلد کتاب است.

به وقت تعویض کتب

سطح برخی کتاب‌های درسی متوسط رو به پایین است. واگذاشتن کتاب‌های علمای بزرگ قدیم و معاصرو چند ماه وقت گذاشتن روی کتاب‌هایی که خود استادان بعضاً به ارزش پایین آنها اذعان دارند، باعث افت سطح علمی حوزه می‌گردد. استادان با نگاه جدید و به روز، نمی‌گویم در حوزه

بعد از تمام شدن دوره کارشناسی و بررسی گزینه‌ها و راه‌های مختلف پیش‌رو، این راه را انتخاب کردم، رفتن به حوزه علمیه. حوزه علمیه خواهران همان‌طور که از قبل هم بسیار شنیده بودم، مثل سایر نهادهای جمهوری اسلامی، بالا پایین و خوب و بد بسیار دارد؛ آن قدر زیاد و درهم که بعضی روزها خسته و عصبی از حوزه بیرون می‌زدم و



مدیر حوزه علمیه خواهران در سطح کشور و در سطح اغلب استان‌ها آقا هستند. واقعاً خانمی توانایی مدیریت حوزه‌های خواهران در این سطح را ندارد؟ اگر خیر، این که حوزه علمیه خواهران نتوانسته زنی را برای قرارگیری در چنین جایگاهی تربیت کند جای سؤال دارد

در محله‌های بسیاری از شهرهای ایران، زنان مذهبی در جلسات عقیدتی در منازل شرکت می‌کردند. اما تغییرات اجتماعی، ساختارهای سنتی گرهمایی‌های زنانه را تحت پوشش قرار داده است



روایتی زنانه از تاریخ اسلام

بررسی و تحلیل نمایش فاطمه، هفت فراز از زندگی حضرت زهرا (س)

فاطمه فیروزآبادی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

در این ایام نمایش «فاطمه» میزبان زنان کشور است؛ این نمایش که به هفت فراز از زندگی حضرت زهرا (س) از ولادت تا جاودانگی می‌پردازد، برای سومین سال متوالی است که اجرا می‌شود. البته در اجرای جدید از این نمایش تغییراتی در محتوا و قالب صورت گرفته است. این نمایش که کاری از گروه «هنر

قدس» و به کارگردانی مریم شعبانی است از ۲۲ تا ۲۶ دی ماه در حوزه هنری به روی صحنه می‌رود. از آن جا که «فاطمه» کاری از زنان هنرمند، با مخاطب زنانه و با موضوع زندگی برترین زن عالم است در یادداشت پیش رو به ابعاد هنری و محتوایی این اثر می‌پردازیم.

صحنه‌ای مطرح می‌کند که ملامال از رنگ‌های روشن است. قلبی شکسته و صدای حزن آلود بالطاقتی تمام عیار، لباس موقر و صورتی رنگ از این امت گلایه می‌کند. تنها نقش منفی این تئاتر لوسیفراست که او هم فاقد کراهت منظر است. شاید این را بتوان بخشی از تفاوت یک روایت زنانه با روایتی مردانه از تاریخ دانست.

اقتصاد تئاتر

بسیاری از تئاترها تلاش می‌کنند تا از دکورهای مینیمال استفاده کنند. صحنه‌ای خلوت که باشکوه بازی بازیگر شلوغ می‌شود. اگر تجربه دیدن تئاتر در تالار وحدت را داشته باشید، احتمالاً جابه جایی صحنه، بالا و پایین رفتن آن یا گاهی دکورهایی از جنس چوب و نور و یونولیت که معلوم است هزینه‌های زیادی را بر دوش سازندگان گذاشته است به یاد می‌آورد. یکی از ویژگی‌های قابل توجه در هر تئاتر می‌تواند میزان خلاقیت استفاده از ابزارهای محدود برای فضا سازی باشد. تئاتر فاطمه در بعضی از صحنه‌ها موفق شده بود که با ابزار محدود تصویرهای به یادماندنی‌ای را در ذهن مخاطب ایجاد کند. احتمالاً این را هم بتوان تا حدودی از ویژگی تئاترهای زنانه دانست؛ در واقع زنان در استفاده از ابزارهایی محدود برای گرفتن خروجی‌هایی شگفت‌انگیز تبحر دارند.

در نهایت نمی‌توان این تئاتر را از لحاظ نمایشنامه و تکنیک بی‌نظیر دانست اما می‌توان دوستش داشت، اشک ریخت و از خلاقیت‌ها و لطافت‌های زنانه آن لذت برد.



در تئاتر فاطمه به نقش‌های مؤثر زنان در عرصه‌های مختلف تاریخی اشاره می‌شود؛ به فداکاری زنان جنگاوری همچون نسیم در جنگ احد، همراهی و نفوذ کلام زنانی همچون فضا، فداکاری حضرت خدیجه (س) و بسیاری از زنان دیگر که بار تاریخ اسلام را به دوش کشیده‌اند



میان رفته شود.

رقص رنگ و لطافت

شاید شما هم مخاطب بسیاری از تئاترهای تاریخی بوده باشید. تاریخ توأم با اتفاقات تلخ و شیرین است اما گزاره‌های محدودی از وقایع در ذهن مخاطبان به یادگار می‌ماند. سفیدی بال فرشتگان، صورت ملیح و لباس جوانی حضرت زهرا (س)، رنگ لیمویی لباس کودکی ایشان، آبی رودها و گل صورتی کنار دکور بیشترین رنگ‌هایی است که از این نمایش در ذهنم باقی مانده است. در تئاترهای فاطمه عموماً سعی می‌شود که صحنه به آتش کشیدن در

به نمایش درآید. عموماً صحنه‌هایی با اضطراب که نمایشگر خشونت تاریخ با دختر پیامبر (ص) است پیش روی مخاطب به تصویر کشیده می‌شود و صداهایی زمخت و چهره‌های عبوس دستور به تعرض به حریم اهل بیت را می‌دهند. تئاتر فاطمه چهره‌های عبوس و صداهای زمخت کمتری در خود دارد. حتی روایت به آتش کشیدن در راهم در

که مضامین خود را در لایه‌لای استعاره و داستان‌های پیچیده به مخاطب انتقال دهند و واضح است که موفق بوده‌اند مخاطب خاکستری بیشتری را به خود جذب کنند. تئاتر فاطمه در کنار تمام جذابیت‌های بصری‌ای که به تصویر می‌کشد، راوی تاریخی بدون روتوش و عاری از استعاره داستانی است. مخاطب، خود را پیش روی چند گریز از تاریخ اسلام می‌بیند که اگر پیش زمینه‌ای نسبت به آن واقعه تاریخی نداشته باشد، فهم پیچ‌وخم‌های آن برایش دشوار می‌شود؛ لذا مخاطب مذهبی یا مسلط بر تاریخ اسلام استفاده بیشتری از این تئاتر خواهد برد.

اگرچه این مسأله دامنه مخاطبان این تئاتر را محدود می‌کند اما به نظر می‌تواند جایگزین مدرن و مناسبی برای محافل قدیمی زنان مذهبی به شمار بیاید. در محله‌های بسیاری از شهرهای ایران، زنان مذهبی در جلسات عقیدتی در منازل شرکت می‌کردند. تغییرات اجتماعی، ساختارهای سنتی گرهمایی‌های زنانه را تحت پوشش قرار داده است؛ حال به نظر می‌رسد که این نوع ابزارهای مدرن می‌تواند به صورت مقطعی و مناسبی به گرهمایی‌های زنان مذهبی کمک کرده و تا حدودی جایگزین ساختارهای سنتی تقریباً از

قهرمانان ارزشمند

در سال‌های اخیر شاهد تئاترهای ارزشی و مذهبی زیادی بوده‌ایم. حتی بسیاری از نهادها به سراغ بازیگران یا چهره‌های سینمایی رفته‌اند تا به وسیله زیبایی چهره و ظاهر افراد یا شهرت بازیگران موفق به جذب مخاطب به این نمایش شوند. این مطلب در خصوص زنان، بیشتر نیز خودنمایی می‌کند. چنان‌که زیبایی ظاهری زن جزو اولویت‌های بالای انتخاب وی به عنوان نقش اصلی نمایش قرار داده می‌شود. در تئاتر فاطمه بیشتر چهره‌ها در پشت نقاب بودند. با وجود این موضوع مخاطب می‌توانست نقش‌ها را دوست داشته باشد و با آنان ارتباط برقرار کند. این مسأله نشان دهنده موفقیت یک تئاتر در ایجاد نظام ارزشی مورد نظرش است؛ اینکه مخاطب، قهرمانان داستان را به دلیل صفات پسندیده‌ای که از آنان روایت می‌شود یا حتی مهارتی که در بازی بدنی و لحن دارند و نه صرفاً به دلیل چهره‌های دوست داشته باشد و دنبال کند. البته که این مسأله در بسیاری از تئاترهای مذهبی رخ می‌دهد اما در بسیاری از همین تئاترها چهره کاراکترهای منفی بسیار زشت‌تر گریب شده و چهره شخصیت‌های مثبت با ظاهری زیبا نشان داده می‌شود تا مخاطب از طریق زیبایی چهره نسبت به آنان احساس پیدا کند.

برای مثال در تئاتر فاطمه به نقش‌های مؤثر زنان در عرصه‌های مختلف تاریخی اشاره می‌شود؛ به فداکاری زنان جنگاوری همچون نسیم در جنگ احد، همراهی و نفوذ کلام زنانی همچون فضا، فداکاری حضرت خدیجه (س) و بسیاری از زنان دیگر که بار تاریخ اسلام را به دوش کشیده‌اند و در این موقعیت‌ها مخاطب بیشتر جذب صفات شخصیت‌های داستان می‌شود؛ صفاتی همچون شجاعت، فداکاری، استقامت، صلابت و بسیاری از ویژگی‌های دیگر که در کنار لطافت زنانه خودنمایی می‌کنند.

مخاطب خاص

در ابتدای ورود، بیشتر مخاطبان با پوشش چادر به نظری‌ی رسند. محل اجرای تئاتر و موضوع آن متضمن مخاطبی خاص است اما محتوای این تئاتر خود به این مسأله دامن می‌زند. در سال‌های گذشته تئاترهای زیادی به بهانه مناسبت‌های مذهبی، سعی در روایتگری تاریخ اهل بیت (ع) داشته‌است اما بسیاری از آنها تلاش کرده‌اند

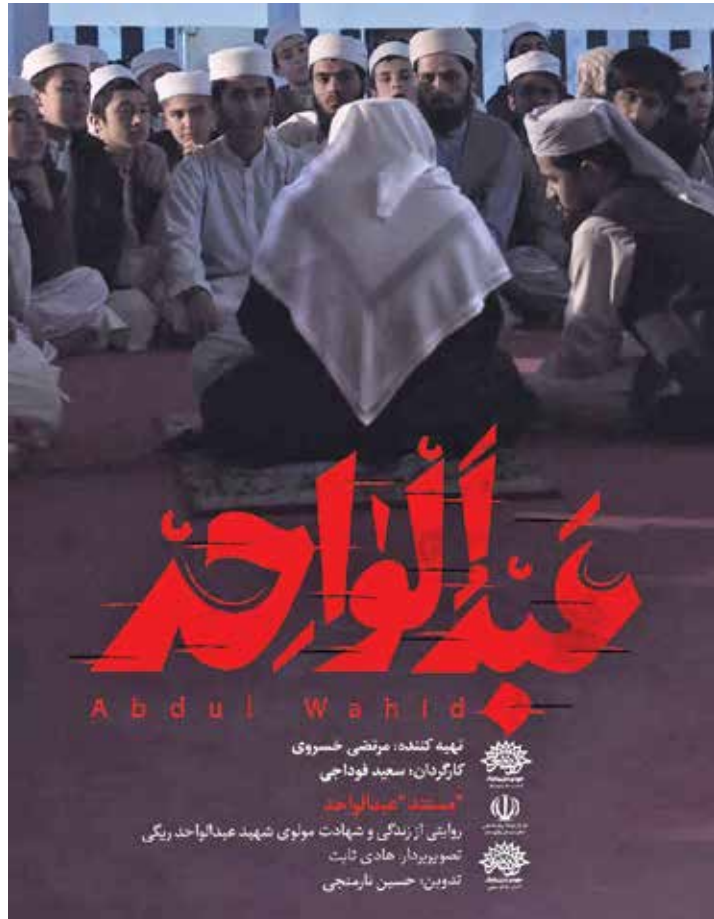


فرا تهران

عبدالواحد



زمانی که متوجه می شدند ما داریم برای شخصیت بزرگی چون شهید عبدالواحد ریگی مستند می سازیم؛ نوع نگاه متفاوت می شد که این نشان از ارادت مردم به این شخصیت و احترامی که برای او قائل بودند داشت. اینجا بود که فهمیدیم داریم در مورد چه شخصیت بزرگ و مهمی کار تولید می کنیم



سید حمیدرضا طاباطبایی



۱۸ آذر ماه ۱۴۰۱ خبری ناگوار مردم استان سیستان و بلوچستان و مخصوصاً شهرستان خاش را مکدر کرد. خبر ربایش و شهادت مردی از تبار ولایت و ایمان به نام مولوی عبدالواحد ریگی، امام جمعه مسجد امام حسین (ع) خاش که سال های عمر خود را صرف مجاهدت در راه خدا و تعلیم و تربیت کرده بود. این باعث شد تا دغدغه ساخت مستند «عبدالواحد» با هدف روایت زندگی و واقعه شهادت مولوی عبدالواحد ریگی برای گروهی از جوانان هنرمند این مرز و بوم ایجاد و این مستند در حوزه هنری سیستان و بلوچستان تهیه شود. از این رو گفت وگویی خواهیم داشت با سعید فوداجی، پژوهشگر و کارگردان مستند عبدالواحد تا با چگونگی ساخت این مستند بیشتر آشنا شویم.



از چه موقع جرقه ساخت این مستند در ذهن شما ایجاد شد و پژوهش خود را پیرامون شخصیت مولوی عبدالواحد ریگی آغاز کردید؟

بحث ساخت مستند «عبدالواحد» در ابتدا توسط حوزه هنری سیستان و بلوچستان مطرح شد و طی تماس و مشورتی که در خصوص تولید این مستند با حوزه هنری خراسان جنوبی انجام شده بود؛ بزرگواران لطف داشتند و بنده را که مدتی بود در زمینه مستندسازی بخصوص مستند شخصیت ها با تمرکز بر چهره های اهل سنت فعالیت می کردم، از موضوع مطلع کردند.

حساب پیش زمینه ای که از مستند های قبلی من وجود داشت و خروجی آنها از رسانه های بومی و ملی پخش شده بود و خدا را شکر توانسته بود نظر صاحب نظرها را به خودش جلب کند این شد که طرح مستند عبدالواحد به بحث گذاشته شد و توافق های اولیه برای آغاز پروژه شکل گرفت.

با توجه به بعد مسافت پژوهش های اولیه ما در خصوص شخصیت مولوی شهید عبدالواحد ریگی، در محل سکونت من و استان خراسان جنوبی از طریق اینترنت و گفت وگو با افرادی که دانش و آشنایی کافی را با شخصیت اصلی مستند داشتند، آغاز شد و همین طور دوستان ما در حوزه هنری سیستان و بلوچستان هم راهنمایی های خوبی در این زمینه انجام دادند و مواردی را ارسال می کردند که آنها را هم مورد بحث و بررسی قرار می دادیم و از این طریق پژوهش های اولیه انجام شد تا اینکه به مرحله ای رسیدیم که برای ضبط به استان سیستان و بلوچستان و شهرستان خاش سفر کردیم و در آنجا هم پژوهش های میدانی انجام دادیم و نتایج خودمان را جلوی دوربین بردیم و الحمدلله به نتایج خوبی هم توانستیم برسیم.

دغدغه ها، پیشامدهایی قبل یا حین کار داشتید؟ چطور از پس آنها برآمدید؟

بواسطه اینکه در خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان مانزدیکی و ارتباط زیادی با برادران اهل سنت داریم و با توجه به اینکه مستند دیگری هم با نام «حسین (ع) در مکتب اهل سنت» کار کرده بودم؛ خب این نشان از علاقه شخصی خودم به موضوع بود و دغدغه و علامت سؤال هایی که در ذهنم ایجاد شده بود تا بیشتر با شخصیت مولوی شهید ریگی آشنا شوم و حقیقت ماجرای زندگی ایشان را بدانم. این شد که براساس تحقیقاتی که انجام داده بودیم و شخصیت محور بودن این مستند با همکاری گروه تولید مستند عبدالواحد و همین طور مردم شریف شهرستان خاش دغدغه های کوچک و بزرگ را از پیش روبرو داشتیم.

فضای استان سیستان و بلوچستان و مخصوصاً شهرستان خاش در زمان تصویربرداری و ساخت این اثر به چه شکل بود و مواجهه مردم با شما چطور بود؟

خدمت شما عرض کنم بعد از شهادت شهید عبدالواحد و آن اتفاقاتی که قبلش افتاده بود فضای استان مخصوصاً شهرستان خاش واقعاً حساس بود؛ یعنی چیزی که با چشم دیده می شد حالت عادی شاید نداشت؛ برای ما حداقل. ما وارد شهر که شدیم آثار این بود که بانک های این شهر آتش گرفته بود و سوخته بود و همه اینها باعث شده بود مواجهه مردم تحت تأثیر این قضیه قرار بگیرد. زمانی که



ما داشتیم فیلمبرداری می کردیم قطعاً نوع پرسش ها و سؤالات و حتی نوع نگاه به ما متفاوت بود تا اینکه زمانی وارد پروژه می شدیم که اوضاع از هر نظر عادی باشد و این باعث شد که از طرفی هم بیشتر نگران باشیم و هم طبعاً جانب احتیاط را هم رعایت کنیم.

به طور مثال عرض کنم روزی که داشتیم در بازار خاش فیلمبرداری می کردیم با این پرسش مواجه بودیم که چرا و از چه چیزی دارید فیلمبرداری می کنید؟

اما جالب اینجاست نجابت و مهربانی مردم سیستان و بلوچستان حتی در همین شرایط سخت هم نقطه قوت ما جبراً بود و مخصوصاً زمانی که متوجه می شدیم ما داریم برای شخصیت بزرگی چون شهید عبدالواحد ریگی مستند می سازیم؛ نوع نگاه متفاوت می شد که این نشان از ارادت مردم به این شخصیت و احترامی که برای او قائل بودند داشت. اینجا بود که فهمیدیم داریم در مورد چه شخصیت بزرگ و مهمی کار تولید می کنیم.

فضای کلی و خط مشی روایی این مستند را شرح دهید.

در ابتدای کار فضای متفاوتی را برای فیلم ساخته بودیم که یکی از دلایل این بود که دور از آن محل بودیم و برداشت های ذهنی ما ساخته و پرداخته جلساتی بود که با فیلمبردار و مستولان در این خصوص داشتیم. اما در روزهایی که وارد فضای حقیقی ماجرا شدیم، اطلاعاتی جدیدی در بحث شخصیت و نوع به شهادت رسیدن این شخصیت به دست آمد که بحث چگونگی به تصویر کشیدن واقعه شهادت ایشان خیلی حائز اهمیت بود. ساخت مستند به شیوه بازسازی واقعه، تصمیمی بود که خیلی به ما در بهتر به تصویر کشاندن موضوع کمک کرد چون اگر به شیوه مرسوم صرف مصاحبه گرفتن از نزدیکان و... پیش می رفتیم با وجود راحتی کار برای ما، منتج به باز خورد و خروجی خوبی نمی شد. برای همین به شکل مستند بازسازی برخی از جلساتی که شهید در آنها حضور داشتند مثل پلان های داخل مسجد و واقعه شهادت را بازسازی کردیم تا از این طریق مواردی را هم که از ما خواسته شده بود، بهتر توانستیم به تصویر بکشیم.

اگر حرفی باقی مانده...

تشکر می کنم از خانواده مولوی شهید عبدالواحد ریگی، مردم خونگرم شهرستان خاش و همه عوامل و همکارانم در حوزه هنری سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی که در تولید این مستند همراه من بودند.

فرهنگ



به بهانه پخش فصل پنجم برنامه «ستاره ساز»؛

نمایشی پر زرق و برق به نام استعدادیابی

مصطفی پورکیانی
روزنامه نگار

فصل پنجم برنامه «ستاره ساز» با پیشوند استعدادیابی در حال پخش از شبکه امید است؛ برخی بر این باورند که اساساً برنامه‌هایی به این شکل و شمایل صرفاً جنبه سرگرمی و نمایشی دارند و پروسه استعدادیابی راه و رسم دیگری دارد. فصل اول برنامه تلویزیونی «ستاره ساز» به تهیه کنندگی حامد فرحانی از ابتدای فروردین ماه ۹۸ به آنتن شبکه سوم سیما رسید و بعد از پنج ماه، در ابتدای مرداد ماه، قسمت فینال آن با اعلام نفرات برگزیده پخش شد. اجرای فصل اول را محمدرضا احمدی مجری و گزارشگر فوتبال برعهده داشت و

پس از پخش فصل اول این مسابقه، از شبکه سوم سیما و استقبالی که از طرف مردم، شرکت کنندگان و مدیران سیما مشاهده شد، فصل‌های بعدی مسابقه «ستاره ساز» ساخته می‌شود و اخیراً فصل پنجم این مسابقه که از اردیبهشت ماه، از شبکه امید به کداکتور اضافه شده، همچنان در حال پخش از این شبکه است. جواد فرحانی همچنان تهیه‌کنندگی کار را برعهده دارد و خداداد عزیزی، وحید شمسایی، رضا شاهرودی و سهراب بختیاری زاده به عنوان داوران و کارشناسان این برنامه حضور دارند. حسین اسدی اجرای این برنامه را برعهده دارد و شاید تفاوت جدی این فصل با گذشته، علاوه بر تغییر برخی آیتم‌ها، حضور شرکت کنندگانی از کشورهای لبنان، سوریه، افغانستان و نیجریه در کنار استعدادهای ایرانی است که به این برنامه بعد بین‌المللی داده است.

شو و نمایش یا استعدادیابی؟

اساساً ساخت برنامه‌های استعدادیابی و تلنت‌شو در همه کشورها، امری معمول و رایج است و اتفاقاً جزو برنامه‌های پرمخاطب به شمار می‌رود و در کشور ما نیز، پیش از «ستاره ساز» برنامه‌هایی در حوزه موسیقی ساخته شده بود ولی شاید جدی‌ترین آنها، برنامه «عصر جدید» احسان علیخانی باشد که در سه فصل، به روی آنتن رفت و در حوزه‌های مختلف ورزشی، خوانندگی، بازیگری و... سعی در نمایش این استعدادها داشت. حتی اخیراً برنامه‌ای با عنوان «همه فن حریف» با همین شکل و شمایل و در رشته کشتی نیز به آنتن رسید.

اما سؤال اصلی این گزارش، این است که نفرات برگزیده این برنامه‌ها را می‌شود به عنوان استعداد و تلنت در حوزه‌های ورزشی، خوانندگی و بازیگری به شمار آورد یا همه این برنامه‌ها صرفاً جنبه سرگرمی دارد و نباید نام «استعدادیابی» را برای آنها یدک کشید؟! در دنیا، روش‌های متفاوتی برای کشف استعدادها بخصوص استعدادهای ورزشی وجود دارد و هر کدام از آنها مسیرهای مختلفی را دنبال می‌کنند. در ایرلند و انگلستان، مدل مشارکت ورزشی مستمر در طول عمر، در دانمارک استعدادیابی ورزشی با تأکید بر محیط، در چین مدل نظام‌مند استعدادیابی و در آمریکا مدل مدرسه محور را می‌توان نام برد.

با این حال، براساس برخی منابع می‌توان گفت برای موفقیت در امر استعدادیابی، شاید باارزش‌ترین امر، شناسایی خمیرمایه

وراثتی و مهیا نمودن محیط مناسب برای فرد مستعد است. در این میان، به گفته برخی از محققان، اولین گام در ایجاد یک نظام کارآمد استعدادیابی، برقراری رابطه با آموزش و پرورش و به‌کارگیری مربیان ورزشی حرفه‌ای و آموزش دیده برای شناسایی و پرورش استعدادها است.

استعدادیابی در ۱۰ دقیقه

شناسایی استعداد در طول دوره آموزش، به مرور و در طول «چندین ماه زیر نظر گرفتن سوژه» انجام می‌شود. هیچ استعدادی را نمی‌شود در ۱۰ دقیقه و حتی یک روز و در یک فضای رقابتی کوتاه مدت، مورد آزمون و سنجش درست و واقعی قرار داد؛ وقتی سرنوشت یک انسان مستعد را به یک ساعت امتحان و آزمون و یک برنامه تلویزیونی با کلی دوربین و داور گره بزنیم، قطعاً استرس وارد شده به او باعث می‌شود تا عملکرد مطلوبی نداشته باشد. ولی وقتی در یک پروسه زمانبر و چندین ماهه، آن فرد حتی بدون اطلاع، زیر ذره بین مربیان کشف استعداد قرار می‌گیرد، عملکرد واقعی خود را نشان داده و می‌شود آن موقع او را در لیست افراد مستعد یا معمولی قرار داد.

در این پروسه چندین ماهه، مربیان مختلفی در حوزه‌های تخصصی آن رشته، روانشناسی، بیزنس و... آن فرد یا گروه را زیر نظر گرفته و در پایان پروسه، هر مربی امتیاز خود را به آن فرد داده و براساس یک کار گروهی آن استعداد معرفی خواهد شد.

فراموشی تلنت‌ها

نکته مهم دیگری که باید در این خصوص مورد توجه قرار گیرد، سرمایه‌گذاری طولانی مدت روی استعدادها کشف شده است که متأسفانه در کشور ما، براساس تجربه، شنیده‌ها و دیده‌ها، بسیاری از قهرمان‌های وطنی که در آورده‌های مهمی همچون المپیک صاحب مدال می‌شوند، پس از بازگشت به کشور تا مسابقه بعدی اصطلاحاً رها می‌شوند و در گفت‌وگو با اکثر آنها مشخص می‌شود که به دلیل مشکلات مالی، معیشتی، نبود جای مناسب برای تمرین، نبود مسابقات تدارکاتی و... براحتی یک قهرمان ملی را از دست می‌دهیم؛ این سرنوشت قهرمانی است که مدال گرفته، بماند ورزشکاری که نتوانسته حتی مدالی در آن رشته کسب کند. حفظ استعداد قطعاً از کشف آن مهم‌تر است و این جمله تکراری را همه می‌دانند ولی در عمل کمتر به آن توجه شده است.



یافته‌های برگزیده این برنامه‌ها را می‌شود به عنوان استعداد و تلنت در حوزه‌های ورزشی، خوانندگی و بازیگری به شمار آورد یا همه این برنامه‌ها صرفاً جنبه سرگرمی دارد و نباید نام «استعدادیابی» را برای آنها یدک کشید؟!!





مجموعه تلویزیونی کیف انگلیسی

که پیش از این، عنوان مدیریت در رسانه ملی در کارنامه کاری آنها نقش نبسته بود. با این حال، ورود این افراد در جایگاه‌های اثرگذار، انتظار جریان یافتن خون تازه در رگ‌های سازمان عریض و طویل صدا و سیما در اذهان عمومی ایجاد کرد و حالا با گذشت دو سال از ورود مدیران جدید، فرصت مناسبی است تا تأثیر این جریان خون تازه، مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

سال ۱۴۰۱ در حالی آغاز شد که کمتر از شش ماه، از دریافت حکم ریاست سازمان صداوسیما، توسط پیمان جبلی گذشته و بیشترین مدت، نیز به تغییر مدیران زیرمجموعه او، سپری شده بود. میثم مرادی، حامد بامروت‌نژاد، علی عبدالعالی، حسین شاه‌مرادی، محمدحسین کشکولی و صادق باطنی برخی از این افراد بودند

رغبت مخاطب به تماشای مجدد سریال‌های قدیمی

از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا امروز، بیشتر از ۴۰ سریال برای اولین بار، از قاب تلویزیون، برای مخاطب عرضه شده است؛ اما نام تعداد انگشت شماری از این آثار، در ذهن مخاطب باقی مانده و این گزاره، در نوع خود، قابل بررسی و ارزیابی است. تعداد مخاطبان سریال‌های سیما، به استناد آمارهای سازمان و تعداد بازدیدهای سریال‌ها در سایت تلویزیون، بازگوکننده کاهش قابل

دلیل تمایل مخاطب به تماشای سریال‌های قدیمی چیست؟

نگاهی به نقش مدیران جدید در تولیدات سریال‌های دو سال اخیر

زهره حسینی خوشبخت
نویسنده

رسانه ملی در سرگرم‌سازی و در عین حال، تربیت غیرمستقیم مخاطبان تلویزیون است.

قدمت سریال‌های تلویزیونی و درام‌های دنباله‌دار در کارنامه شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی تقریباً به اندازه عمر تلویزیون است. قالب سریال با ظرفیت زمانی بالاتر نسبت به فیلم سینمایی از فرصت بیشتری برای تبدیل تیپ و کاراکتر به پرسوناژ برخوردار است. عبور از مؤلفه‌های کم عمق ظاهری و زمان کافی برای بازنمایی ابعاد مختلف یک شخصیت در کنار پرداخت داستانی، از مهمترین قابلیت‌هایی است که در این قالب، برای هنرمند و مدیران رسانه وجود دارد. علاوه بر این، با وجود گسترش رسانه‌های مبتنی بر اینترنت، همچنان تلویزیون پرمخاطب‌ترین رسانه در سراسر کشور است که پای آن تا دورافتاده‌ترین شهرها و روستاهای کشور باز است. بنابراین، توجه به سریال و سریال‌سازی در نوع خود، مهمترین مأموریت شبکه‌های



وقتی تولیدکنندگان سریال، برای فرار از سختی کار تولید با بازیگران کودک و نوجوان، به جای ارائه راه حل، صورت مسأله را پاک می‌کنند، چگونه انتظار داشته باشیم مخاطب عمومی بعد از گذر روزی پرحادثه، پای تلویزیون بنشیند؟ تلویزیونی که در دهه ۱۹۵۰ میلادی توانست رؤیای زندگی آمریکایی که از طریق آنتن‌های تلویزیون به خانه تک تک مردم آمریکا تزریق کند و نتیجه مطلوب خود را از این تکنولوژی قدرتمند دریافت کند





از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا امروز، بیشتر از ۴۰ سریال برای اولین بار، از قاب تلویزیون، برای مخاطب عرضه شده است؛ اما نام تعداد انگشت شماری از این آثار، در ذهن مخاطب باقی مانده و این گزاره، در نوع خود، قابل بررسی و ارزیابی است



مجموعه تلویزیونی چشم باد

مجازی هدایت کند. مرور سریال های ماندگار تاریخ تلویزیون، نشان می دهد که مخاطب بیش از هر چیز، در ملودرام های خانوادگی و اجتماعی نیاز دارد شخصیت هایی شبیه به خود و اطرافیانش را در قاب تلویزیون مشاهده کند تا بتواند با سیر داستانی آن همراه شود. در واقع، این همانی، همان قابی است که قرار است مخاطب را به دنبال خود بکشاند و با عمق بخشیدن به شخصیت داستانی و تغییراتی که در طول داستان در ابعاد مختلف وجود او صورت می پذیرد، به اصلاح عرفیات اشتباه و عادات غلط و آسیب های اجتماعی بپردازد. باورپذیری شخصیت های داستان، خیلی بیشتر از استفاده از بازیگران مشهور، لوکیشن ها و دکورهای متعدد و عظیم و بهزین و اتومبیل های گرانتقیمت، می تواند برای عموم مخاطب جامعه، اثر بخش باشد؛ بدون اینکه سبک زندگی و فرهنگ غنی ایرانی اسلامی را مورد خدشه و انحراف قرار دهد. به عنوان مثال، در دوره ای که موضوع جمعیت به یکی از مسائل استراتژیک کشور بدل شده است، عموم خانواده های شهرنشین بازنمایی شده در سریال های تلویزیون یا بدون فرزند هستند یا با وجود تمام امکانات مادی و معنوی بیشتر یک یا دو فرزند ندارند. حتی در آثاری که داستان آنها در روستاها و در سال های دهه ۱۳۶۰ می گذرد، خانواده ها بیشتر از دو فرزند ندارند. این در حالی است که واقعیت های آماری پژوهش های جمعیت این دهه اثبات می کند میانگین تعداد فرزندان خانواده های شهرنشین بیش از ۴ فرزند بوده است. وقتی تولیدکنندگان سریال، برای فرار از سختی کار تولید با بازیگران کودک و نوجوان، به جای ارائه راه حل، صورت مسأله را پاک می کنند، چگونه انتظار داشته باشیم مخاطب عمومی بعد از گذر روزی پرحادثه، پای تلویزیون بنشیند؟ تلویزیونی که در دهه ۱۹۵۰ میلادی توانست رؤیای زندگی آمریکایی که از طریق آنتن های تلویزیون به خانه تک تک مردم آمریکا تزریق کند و نتیجه مطلوب خود را از این تکنولوژی قدرتمند دریافت کند.



مجموعه تلویزیونی گاندو



مجموعه تلویزیونی گاندو



مجموعه تلویزیونی یوسف پیامبر

قصه هایی قابل حدس حتی برای مخاطب نوجوان

در دوره ای که دلایل متعدد، دست وی او، دی ها را در استفاده جنون آمیز از خشونت و جاذبه های جنسی و مصرف گرایی باز گذاشته است، تولید سریال در سیما، همچنان با تقیدات بیشتر دنبال می شود؛ اما فقر شدید در نگارش فیلمنامه های خانوادگی، باعث شده که شخصیت پردازی و پایان داستانی این آثار، در همان قسمت های نخستین، حتی برای مخاطب نوجوان نیز قابل حدس باشد و این گروه اجتماعی مهم را از پای تلویزیون به سمت کنسول های بازی و فضای



مجموعه تلویزیونی کیف انگلیسی

توجه تماشاگرانی است که اگر به مخاطب سریال های ماهواره و شبکه نمایش خانگی تبدیل نشده اند، باز هم تماشای سریال های ماندگار دهه های قبل در شبکه های آی فیلم را به سریال های جدید سیما ترجیح می دهند. اولین دلیل کاهش کیفیتی که به کاهش مخاطب انجامیده است، این است که مدیران جوان سال های اخیر، از سر تعجیل برای پر کردن آنتن شبکه های متعدد سیما، به جای فرایند زمانبر و پرزحمت و هزینه بر تولید سریال و طی کردن مراحل ایده پردازی، فیلمنامه نویسی، پیش تولید، تولید و تدوین، به سراغ ساخت برنامه های ترکیبی و گفت و گو محور رفته اند که با دکوری ثابت، مجری های پر حرف و سخنور و موضوعی عموماً مناسبی جمع می شود و به سرعت آنتن خالی شبکه را پر می کند. این برنامه ها، شاید بتوانند با هزینه و زمان تولید کمتر، مخاطبانی را با خود همراه کنند اما هیچ گاه در ساختار رسانه ای خود، قدرت تأثیرگذاری روایت داستانی یک سریال را نخواهند داشت. در واقع، این کاهش کیفی سریال ها، بیش از اینکه به سبب کاهش بودجه سازمان بوده باشد، به دلیل ناتوانی مدیران و تیم های تولید صورت گرفته است. مدیران و تولیدکنندگانی که اصرار دارند موضوعات دینی، ملی و ارزشی را در قالب فرم برنامه های تلویزیونی خارجی بریزند و این عدم سنخیت فرم و محتوا بیش از اینکه مخاطب امروز سیما را به خود جذب کند، به سمت نسخه های اصلی و سهل الوصول خارجی هدایت می کند. در نتیجه، اینکه گسترش تعداد برنامه های ترکیبی زودبازده سیما، سازمان را از آشپزخانه خانگی که تأمین کننده غذای سالم روح اعضای خانواده بود، به خط تولید غذای فست فودی تبدیل کرده است که در بهترین حالت، بتواند بهداشت محصولات خود را نسبت به ساندویچ فروشی های زیرپله ای و کوچک حاشیه خیابان های شهر تأمین کند.

دور افتادن از سریال های پژوهش محور

«ملتی که تاریخ خود را نداند محکوم به تکرار آن است.» جمله ای که به برکت فضای مجازی در سال های اخیر، به دفعات، به چشم و گوش خیلی ها رسیده است اما در این مجال، وقتی در کنار عملکرد مدیران سیما قرار می گیرد، اهمیت تولید سریال در ژانر تاریخی را بیش از پیش بازگو می کند. به جرأت می توان ادعا کرد روایت تاریخ در قالب تولیدات نمایشی، مهمترین مأموریت سازمان صداوسیما است. آن هم در دوره ای که ده ها شبکه ماهواره ای و شبکه نمایش خانگی، برای تولید برنامه های گوناگون داستانی و غیرداستانی احساس و وظیفه کرده اند. در بررسی کلی سریال های تولید شده در سیما، سبب ژانر تاریخی، بیشترین تعداد آثار تولیدی را به خود اختصاص داده است. عوامل تولیدکننده این آثار، در نشست های خبری ادعا می کنند با کمک تیم های پژوهش توانمند، دست به نگارش فیلمنامه زده اند اما تنها اثر فعالیت این تیم پژوهشی، در متن سریال گذر داستان، در دوره های تاریخی متفاوت است که به استفاده از پوشش و لوکیشن های متفاوت با زندگی شهری کمک می کند. سریال های تاریخی سال های اخیر، از گهتمان روایت تاریخ که در آثاری چون کیف انگلیسی، در چشم باد، کلاه پهلوی و... دنبال می شد، دور افتاده اند و وقت انرژی و ظرفیتی را که سازمان صداوسیما باید برای بازگ کردن قصه تاریخ، برای جامعه خرج کند، صرف قصه گویی های خیالی در سال های دور می کنند.



پشت پرده حمله‌های کامنتی به هنرمندان در وقایع سال گذشته

کیش و مات سلبریتی‌ها در مارپیچ سکوت دشمن

حتی فکر کنند؛ چون مورد اهانت، فحاشی و قضاوت قرار می گرفتند.

اعلام موضعی که با واکنش مثبت لاله اسکندری بازیگر سینما و تلویزیون همراه شده است. همچنین موج حملات به مصطفی زمانی بعد از شرکت در جشنواره فیلم فجر و حضور در نشست خبری فیلمش از این دست اتفاقات بود. سال گذشته نیز با وجود همراهی سازمان سینمایی با چهره‌ها، برای حضور آثارشان در جشنواره فیلم فجر، بسیاری از افراد مشهور، از بین فحاشی مجازی از حضور در نشست‌های خبری آثار فجر انصراف دادند.

همچنین حسین شاهمرادی مدیر شبکه چهار سیما چند روز پیش در برنامه جام جم گفته بود که «سروش صحت، مهران مدیری و رامبد جوان هیچ کدام از صداوسیما حذف نشده‌اند، بلکه اینها به دلیل تقویت عقاید روشن‌فکران جرأت نمی‌کنند به تلویزیون بیایند».

البته بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از سرخ‌های پروژه فشار مجازی به چهره‌های معروف را باید در نقش آفرینی برخی از چهره‌های معروفی جست‌وجو کرد که پس از ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ با خروج از کشور در خدمت اهداف ضدایرانی بعضی جریان‌های معاند قرار گرفته‌اند و در یک سال گذشته، نقشی محوری از اعمال فشار به هنرمندان و چهره‌های معروف به منظور موضع‌گیری علیه جمهوری اسلامی داشته‌اند.

فشارهای کامنتی و فحاشی یکی از ابزارهای جریان معاند بود در این مدت، چهره‌هایی از جمله علی کریمی، احسان کریمی، حمید فرخ‌نژاد، برزورجمند، مهناز افشار، روناک یونسوی و... بارویکردهایی مشابه، کوشیده‌اند با تحت فشار قرار دادن هم‌صنف‌های خود و همچنین چهره‌های معروف و سلبریتی‌ها، آنان را به موضع‌گیری‌های ضد مردمی و ادار کرده یا حداقل مجبور به سکوت کنند.

البته فشارهای کامنتی و فحاشی در فضای مجازی نسبت به هنرمندان و چهره‌های معروف با هدف عدم همراهی آنان با جامعه، یکی از ابزارهای جریان معاند بود. براین اساس، در مقاطع مختلف شاهد بوده‌ایم زمانی که هنرمندان و سلبریتی‌ها در مناسبت‌هایی مانند پیروزی تیم‌های ملی ورزشی یا دستاوردهای ملی دیگر، همگام با مردم شادی کرده یا موفقیت به دست آمده را تبریک گفته‌اند، جریان سازماندهی

ایستاده‌اند، با افراد عادی اجتماع در یک تراز ارزیابی می‌شود؟

در تازه‌ترین افشاگری درباره اعمال فشارهای مجازی به چهره‌های معروف، الهام حمیدی، بازیگر در جدیدترین پست خود در شبکه اجتماعی اینستاگرام به ماجرای تحمیل سکوت بعد از گل‌های جام جهانی و جشنواره فجر اشاره کرد. او در این باره نوشت: «اخیراً خیلی بحث توهین‌های کامنتی به شخصیت‌ها توسط افراد مختلف مطرح شده است. گفتم بد نیست بگم من هم تحمیل سکوت رود جا دیدم: یک بار وقتی فوتبال‌لیست‌ها مون تو جام جهانی حق شادی بعد از گل نداشتن و یک بار هم وقتی بازیگرمون بعد از شرکت تو جشنواره فجر کلی فحش خوردند.» حمیدی در ادامه اضافه کرده است: «ظاهر اشاره به هر اتفاق امیدوارکننده‌ای، سیل توهین تو کامنت‌ها و دایرکت روبه همراه داره. آیا واقعاً صاحب این اکانت‌های توهین‌کننده، مردم با فرهنگ ایرانی؟»

پیش از افشاگری الهام حمیدی نیز، برخی دیگر از چهره‌های هنری، به موضوع حمله‌های مجازی اشاره کرده بودند. چند روز قبل، لیندا کیانی، دیگر بازیگر سینما و تلویزیون هم در پستی به این موضوع اشاره کرده بود. او در این پست نوشته بود: «عده زیادی هستند که سازماندهی شده میان زیرپست‌های من و همکارانم یا دیگر چهره‌های شناخته‌شده با حمله سنگین کامنتی، سعی دارند که جلوی حق گویی ماها رو بگیرن؛ هدفشونم اینه که ما رو اسیر مارپیچ سکوت کنند.» کیانی در ادامه اضافه کرده است: «برام مهم شد و خواستم از این تریبون به همکارانم توصیه کنم که حواستون باشه تو دام نیفتید.»

همچنین متین ستوده، بازیگر سینما و تلویزیون از دیگر چهره‌هایی است که به موضوع حمله‌های کامنتی واکنش نشان داده و نوشته: «دیدم بعضی از همکارهای عزیزم درباره توهین‌های کامنتی به شخصیت‌ها در فضای مجازی صحبت‌هایی کردند. راستش

دل‌م خیلی گرفت؛ چون پارسال همین موقع‌ها، خیلی‌ها سرکارشون رو می‌رفتند و زندگی‌شون بر مدار بود، ولی خیلی‌های دیگه نمی‌تونستند به سرکار رفتن

زینب رازدشت
روزنامه‌نگار

«رسانه‌ها می‌توانند به شما تلقین کنند نظر شما در یک موضوع خاص در اقلیت است و به این شکل شما را وادار به سکوت کنند». این همان نظریه «مارپیچ سکوت» است که سال‌هاست توسط سیاست‌گذاران رسانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق این نظریه، کسانی که رسانه‌ها را کنترل می‌کنند، با این روش، هر روز تعداد بیشتری از مردم را به سکوت درباره یک موضوع وادار می‌کنند. اما با ظهور شبکه‌های اجتماعی، این سیاست قدیمی هم با اما و اگرهایی روبه‌رو شد و پژوهشگران متعددی این تغییر و تحولات را بررسی کرده‌اند تا بفهمند نظریه «مارپیچ سکوت» در شبکه‌های اجتماعی به چه شکل در آمده است.

شاید موضوع گزارش امروزمان نظریه مارپیچ سکوت نباشد اما باید گفت رفتارهای برخی از سلبریتی‌ها در پی ناآرامی‌های پاییز سال گذشته، براساس این نظریه شکل گرفت، بدون آنکه خودشان بدانند.

آیا سلبریتی‌ها همچون شهروندان حق ارائه نظر دارند؟

در این میان، چنین پرسشی مطرح می‌شود که آیا سلبریتی‌ها هم حق ندارند مثل هر شهروند آزاد دیگری نظرات خودشان را در مورد مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و... بیان کنند؟ این استدلال یا اعتراض که در قالب یک پرسش بیان می‌شود، رایج‌ترین دفاعیه هواداران سلبریتی‌ها در برابر منتقدان آنها است؛ اما آیا اظهار نظر کسانی که بواسطه یک حرفه هنری یا ورزشی برسکوی شهرت و محبوبیت اجتماعی



بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از سرخ‌های پروژه فشار مجازی به چهره‌های معروف را باید در نقش آفرینی برخی از چهره‌های معروفی جست‌وجو کرد که پس از ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ با خروج از کشور، در خدمت اهداف ضدایرانی بعضی جریان‌های معاند قرار گرفته‌اند و در یک سال گذشته، نقشی محوری از اعمال فشار به هنرمندان و چهره‌های معروف به منظور موضع‌گیری علیه جمهوری اسلامی داشته‌اند





گالری گردی در پایتخت به وقت زمستان

۲ نمایشگاه در یک فرهنگسرا

نمایشگاه نقاشی «بوی خاک و کاهگل» با نمایش آثاری از وحید پریور هنرمند و مدرس نقاشی تا ۵ دی ماه هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۷ در نگارخانه هنر فرهنگسرای ارسباران واقع در خیابان شریعتی، بالاتر از سیدخندان، خیابان جلفا، کوچه عقاب میزبان علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی است.

در بیانیه این نمایشگاه آمده است: «کوچه باغ‌های تو در توی گذشته، عطر خوش کاهگل‌های به رنگ آغشته، پنجره رو به حیاط ذهنم را می‌گشایم تا وجودم پر شود از نهایت رنگ و طرح و نقش و سرمستی زندگی را تجسم می‌کنم، من به اعجاز معتقدم، به این شروع دوباره آشتی با طبیعت.» نمایشگاه خوشنویسی «حال خوش نستعلیق (۱)» نیز، با نمایش آثار قاسم ثابتی تا ۴ دی ماه در نگارخانه ۲ این فرهنگسرا برپاست.

در بخشی از بیانیه این نمایشگاه که به نمایش و فروش تابلوهای سیاه‌مشق رومی‌ای اختصاص دارد، آمده است: «ما می‌خواهیم به زندگی‌تان روح دوباره بدمیم و حسرت زیبایی را دور کنیم. می‌خواهیم دوباره زیبایی چشمانتان باشیم نه دیوار آویز موزه‌های فراموشی، نهانخانه‌های بی‌تماشای تاریخ‌های پرتکلف. به دیدن ما بیاید

سمیه دهقان زاده
روزنامه‌نگار



زمستان هم بالاخره از راه رسیده و جای جای ایران به مبارکی قدمش، برفی و بارانی شده و البته خیرش به تهران هم رسیده. حال می‌دانید در این فصل سرد و دلبر توأمان، برای هنردوستان پایتخت چه چیز، عمر روزها را پربارتر می‌کند؟ گزینه‌ها زیاد است اما بیا بپذیریم قبول کنیم گالری گردی، لطفی دارد که نه تنها تکراری نمی‌شود که عجیب بر دل می‌نشیند، بویژه که این روزها، تنوع گالری‌ها و نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی آدمی را به وجد می‌آورد، پس بی حرف پیش، این شما و این گزیده‌ای از دور دور تماشای هنر خط و نقش در تهران.

نگارخانه هدی

نمایشگاه خوشنویسی «کوکب درخشان» شامل ۲۸ اثر مزین به خطبه حضرت زهرا (س) و اسامی مقدس از آثار الهام غفاری یقین است که همزمان با ایام شهادت حضرت زهرا (س) افتتاح شد و تا دهم دی ماه همه روزه



شده‌ای تلاش کرده با فحاشی‌های گسترده و اعمال فشارهای مجازی، چهره‌ها را به سکوت و عدم همراهی با مردم وادار کند.

با بررسی پشت پرده فشارهای مجازی علیه هنرمندان و چهره‌های معروف، نقش آفرینی جریان‌های معاند و ضد انقلاب به روشنی عیان می‌شود. در این میان، یکی از سرخ‌های این موضوع را باید در آلبانی و کمپ «اشرف ۳» جست‌وجو کرد؛ جایی که گروه‌های سازماندهی شده منافقین با ایجاد گسترده‌اکنانته‌های فیک، علاوه بر تلاش برای فضا سازی‌های مجازی علیه جمهوری اسلامی، تحت فشار قراردادن چهره‌های معروف را برای موضع‌گیری علیه نظام، در دستور کار دارند. همین چند پیش بود که انتشار تصاویری از فعالیت‌های مجازی اعضای گروهک تروریستی منافقین، بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی داشت.

انتشار این تصاویر، حکایت از آن داشت که بسیاری از فحاشی‌های مجازی در شبکه‌های مجازی از سوی منافقین سازماندهی می‌شود. براساس برخی اطلاعات منتشر شده، گروهک منافقین، بیش از هزار و ۵۰۰ نیروی آموزش دیده را به منظور هدایت فشارها و فحاشی‌های مجازی در حوزه‌های مختلف و بویژه اعمال فشار بر چهره‌های معروف سازماندهی کرده است.

ایجاد ۵۰ هزار اکانته فیک در یک ماه

وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران با صدور بیانیه‌ای تبیینی، گزارش داده بودند که با آغاز آشوب‌های سال گذشته، تنها در بازه زمانی ۲۰ شهریورماه ۱۴۰۱ تا ۲۰ مهرماه ۱۴۰۱ بیش از ۵۰ هزار اکانته جدید فارسی زبان، با هویت‌های جعلی در این شبکه اجتماعی ساخته شده است تا علیه جمهوری اسلامی فعالیت کنند.

علاوه بر این، در حمله پلیس آلبانی به کمپ منافقین، مشخص شد که ۱۵۰۰ پیرمرد و پیرزن را برای انبوه‌نمایی در فضای مجازی، آموزش داده‌اند تا اکثریت به نظر بیایند.

براساس یک گزارش دیگر، قبل از آشوب‌ها، روزانه ۶۰۰ کاربر به توییتر اضافه می‌شدند اما پس از کلید خوردن ناآرامی‌ها، روزانه ۱۶ هزار اکانته ساخته شد که یک سوم از آنها، توییتهای تحریک‌آمیزی برای وارد کردن مردم به جنگ خیابانی منتشر می‌کردند.

چگونه دشمن را کیش و مات کرد؟

در چنین شرایطی به نظرمی رسد اصحاب رسانه با کمک روش اقلیت‌سازی و اکثریت‌سازی، به طور مداوم، صدای حقیقت را به خاموشی سوق دهد و شرایط را برای فرسایش و فروپاشی یک نظام سیاسی فراهم آورد. در صورت تثبیت و نهادینه شدن «ماریپیچ سکوت»، تهدیدهای دشمن با کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به مرحله بالفعل خواهد رسید و هر نظام قدرتمندی را با هرگونه آرمان و ماهیتی از پای در خواهد آورد. امروز دلیل سکوت طولانی برخی چهره‌ها و شخصیت‌های عافیت‌طلب را باید در گرفتار شدن آنها در «تله ماریپیچ سکوت» جست‌وجو کرد. گرد و خاک‌ها که فروکش کند، عافیت‌طلبان ساکت امروز، مجدداً تریبون دفاع از اسلام و نظام اسلامی را در اختیار خواهند گرفت و ردای مدافعان را به تن خواهند کرد.



خواهید دید می‌توانید دوباره به خانه خودتان و چشمان هرکسی که دوستش دارید زیبایی ببخشید با حال خوش نستعلیق.»

گالری ایکس‌هما

نمایشگاه گروهی «طهران، ارتفاع عاطفی» نیز با آثار شیرین آزادی، بهرو باقری، طاهر پورحیدری، مهدی چیت‌سازها، اشلینگ ساره حق‌شناس، ابراهیم گنجان، وحید محمدی، فاتک موسوی، مرجان نعمتی، کیا وطن و سمانه وفایی تا شنبه ۵ دی ماه در گالری ایکس‌هما به آدرس خیابان کریمخان زند، خیابان سنایی، کوچه سیزدهم، پلاک ۵ برقرار است.

گالری پردیس ملت

نخستین نمایشگاه گروهی نقاشی در پاسداشت زنده یاد جلیل ضیاء‌پور نقاش، پژوهشگر، مؤلف و استاد دانشگاه با عنوان «ایاداره» تا هشتم دی ماه همه روزه در گالری پردیس ملت به نشانی خیابان ولی عصر (عج)، ابتدای بزرگراه هاشمی رفسنجانی (نیایش)، روبه روی بزرگراه کردستان، طبقه منفی ۲ میزبان علاقه‌مندان است.

در بیانیه آن آمده: «جمعی از هنرآموختگان دانشگاه هنر که گام‌های نخستین آموزش‌های آکادمیک را در نیمه اول دهه ۶۰، تحت آموزه‌های استادان پیشگام در هنرمردن ایران (نسل اول و دوم) برداشته‌اند، پس از گذشت چهار دهه فعالیت پی‌درپی با متناوب، بر این باور هستند که رشد و شکوفاییشان در هنرهای تجسمی، مرهون آموزه‌های «هنری، آموزشی و پژوهشی» پیشکسوتان نوگرایی ایران بوده است.»

از ساعت ۹ تا ۱۶ در نگارخانه هدی فرهنگسرای قرآن به نشانی خیابان قزوین، نرسیده به میدان شمشیری، نبش خیابان شهید کاظمی برای علاقه‌مندان به این هنر، برپاست.

خانه هنرمندان

«از روز که رفتی» نام نمایشگاه دیگری است که به مناسبت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) تا ۴ دی ماه در گالری محیطی خانه هنرمندان ایران به آدرس خیابان طالقانی، خیابان موسوی شمالی (فرصت)، ضلع جنوبی باغ، برقرار است. این نمایشگاه شامل ۲۰ اثر از آثار حمزه اولیازاده استاد دانشگاه و عکاس سینما، تئاتر و رسانه است.

نگارخانه لاله و یک نمایشگاه ۹ ساله

نهمین نمایشگاه و فروش سالانه «تبادل چاپ دستی» با بیش از ۳۰۰ اثر از هنرمندان ایرانی و بین‌المللی تا ۱۸ دی ماه شنبه تا چهارشنبه ساعت ۹ تا ۱۷ و پنجشنبه ساعت ۹ تا ۱۲ در نگارخانه لاله، واقع در خیابان دکتر فاطمی، ضلع شمالی بوستان لاله، روبه‌روی پارکینگ طبقاتی لاله دایر است. این رویداد هنری برای نخستین بار میزبان آثاری از ۳۵ هنرمند بین‌المللی از جمله پیکاسو، کلود مونه، وینسنت ون‌گوگ، یاکوف چرنیکوف، رامبراند، هاگوماکی، ماکس ارنست، کته کلویتس، واسیلی کاندینسکی، سالوادور دالی و زنه ماگرت است.

نهمین سالانه تبادل چاپ دستی با هدف معرفی و گسترش فعالیت هنرمندان در حیطه چاپ دستی و به اشتراک‌گذاری تجربیات ارزشمند این حوزه برپا شده، که آثار ۲۰۰ هنرمند از گستره پهناور ایران زمین، به نمایش گذاشته شده است.



جمعه

ایران

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب
• سردبیر: محمدصادق علیزاده
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری
• دبیرتحریریه: ونوس بهنود
• دبیران:
• سید پویا هاشمی (گزارش و گفت‌وگو)
• صادق رخ‌فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)
• آیه طائبی (زندگی)
• فاطمه سادات رضوی (طنز)
• فرناز اینانلو (زنان)
• زینب فروزنده (زوم)
• فاطمه کهربایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نامبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط
• مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
• ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

نگاهی به اعتراض هنرمندان غربی به سانسور فلسطین

۱۳۰۰ حق طلب در هالیوود خاموش شدند!

مریم اسدزاده
نویسنده

طراحی برند زارا که سوگاری مادران فلسطینی را به سخره گرفت

دهیم تا ماهیت زندگی آنها را درک کنیم. در این نامه از سازمان‌های هنری خواسته شده تا به درخواست‌ها برای آتش بس دائمی بپیوندند و از هنرمندان و کارگرانی که حمایت خود را از حقوق فلسطینی‌ها ابراز می‌کنند، دفاع کنند. هنرمندان و نویسندگان سراسر جهان اعلام کردند که دیگر با مجله Artforum همکاری نخواهند کرد و هیأت تحریریه در واکنش به اخراج سردبیر دیوید و لاسکو که نامه‌ای با امضای ۸۰۰۰ هنرمند منتشر کرد و خواستار آتش بس و آزادی فلسطین شد، استعفا دادند و شاید همین موضوع اخراج سردبیر ماهنامه بین‌المللی Artforum بود که ما هر چه جست‌وجو کردیم در هیچ‌کدام از خبرگزاری‌های خارج از کشور، اسامی ۱۳۰۰ هنرمند معترض به سانسور حقوق بشر صلح‌طلبانه را نیافتیم. گویا اخراج سردبیر کار خودش را کرده است و سانسور صلح‌طلبان، همچنان ادامه دارد!

در مورد بمباران مداوم غزه توسط اسرائیل در توتیتی که بعد آن را حذف کرد، اشاره کرد. سوزان ساراندون برنده جایزه اسکار بازیگر فیلم تلما و لوئیز نیز از پروژه سینمایی اش کنار گذاشته شد. موزه Folkwang در اسن همچنین در آخرین لحظه نمایشگاه Afrofuturism توسط انیس دوپلان، هنرمند اهل هائیتی را به همراه موزه زارلند در آلمان لغو کرد که نمایشگاه انفرادی Candice Britz عکاس آفریقای جنوبی بود. این شامل هنرمندانی می‌شود که از حقوق فلسطین حمایت می‌کنند و هیچ ارتباطی با محتوای آثار حرفه‌ای آنها در این نمایشگاه‌ها ندارد. تارنمای «هنرمندان برای فلسطین» در بریتانیا به نقل از حسن عبدالرزاق، که نمایشنامه او با نام «ومن اینجام» با الهام از زندگی یک بازیگر فلسطینی در اکتبر گذشته در پاریس لغو شد، گفت: «این سانسور به همان اندازه که ناامیدکننده است، اشتباه است. زمان آن فرارسیده است که به سخنان فلسطینی‌ها گوش

در راستای این تهدیدات اعمال شده است. آنها ادامه دادند: با وجود این فشار، هزاران هنرمند از وجدان خود پیروی می‌کنند و به اظهار نظر ادامه می‌دهند. در این نامه، هنرمندان گفتند که آزادی بیان، همانطور که در قوانین حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ذکر شده است، ستون فقرات زندگی خلاقانه آنهاست و برای دموکراسی، اساسی است. آنها خاطر نشان کردند: ما به عنوان هنرمندان و فرهنگیان با کسانی که در محیط کار با تهدید و ارباب مواجه می‌شوند، اعلام همبستگی می‌کنیم. از جمله نمونه‌های سانسور ذکر شده در نامه، حذف ملیسا باربارا (۳۳ ساله) هنرپیشه مکزیکی از فیلم ترسناک «جیجی ۷» است. شرکت سازنده، Spyglass Media، می‌گوید که پست‌های باربارا از طریق Stories در «اینستاگرام» درباره رویارویی اسرائیل و حماس است. جنا اورتگا، بازیگر نیز اندکی پس از انتشار فیلم باربارا توسط Spyglass Media، به دلیل حمایتش از فلسطین، از این فیلم کناره‌گیری کرد.

از دیگر حوادث ذکر شده در این نامه می‌توان به لغو نمایشگاه هنرمند معاصر چینی آی وی وی، در لندن پس از بیان نظر خود

جنا اورتگا و
ملیسا باربارا

عده‌ای از هنرمندان غربی از جمله چهره‌های شاخص فرهنگی، هنری و بازیگران برنده اسکار چون اولیویا کلمن، هریت والترو جولیت استیونسون، با امضای بیانیه‌ای مؤسسه‌های هنری در کشورهای غربی را به «سرکوب کردن، خاموش کردن و انگ زدن» به حامیان فلسطین متهم کردند

سوزان ساراندون در تجمع حمایت از مردم غزه

بیش از دو ماه از آغاز درگیری‌ها در نوار غزه می‌گذرد و هر روز جهان بیشتر به دروغین بودن ادعاهای حقوق بشری غرب پی می‌برد. از اخبار و برنامه‌های سیاسی تا سینما و تلویزیون و حتی صنعت مد و فشن هر کدام به هرنحوی که می‌توانستند و یا بلد بودند، نظر خود را ابراز کردند. آخرین ماجرا در

بیش از ۱۳۰۰ هنرمند و بازیگر، از جمله اولیویا کولمن، بازیگر بریتانیایی برنده اسکار، نامه‌ای را امضا کردند که در آن مؤسسات فرهنگی غربی را به سانسور حامیان فلسطین متهم کردند.

امضاکنندگان نامه سرگشاده منتشر شده توسط سازمان «هنرمندان برای فلسطین» در بریتانیا، مؤسسات فرهنگی کشورهای غربی را به «سرکوب، خاموش کردن و انگ زدن» به صداها و دیدگاه‌های فلسطینی‌ها متهم کردند و از آنها خواستند «از حق آزادی بیان حمایت کنند و تعهد خود را برای مبارزه با تبعیض حفظ کنند». هنرمندان گفتند که چنین اختلافی سؤالات جدی در مورد سوگیری در پاسخ به نقض فاحش حقوق بشر ایجاد می‌کند.